**پیشگفتار**

إنَّما سُمِّيَ شَعبانُ لأِنَّهُ يَتَشَعَّبُ فيهِ أرزاقُ المُؤمِنينَ؛

پيامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: ماه شعبان ، «شعبان» ناميده شد؛ زيرا روزى هاى مؤمنان در اين ماه قسمت مى شود.)ثواب الأعمال، ص۶۲)

سلام، مقصود ما از تحریر مقدمه، بیان هدف و انگیزه از جمع آوری این مجموعه است؛و ما هدفی جزء اجرای منویات مقام عظمای ولایت در امور مداحی را نداریم، پس بهتر از هر سخنی توجه به برخی نکات ارشادی نائب بر حق مولا و آقایمان حجت بن الحسن(عجل الله تعالی فرجه) می باشد.

* **مداحی یک فرصت است؛** امروز بحمداللّه در سرتاسر كشور شبكه‌ى مداحان و ثناگستران خاندان پيغمبر توسعه پيدا كرده است؛ جمعيت زيادى، استعدادهاى زيادى، دلهاى مشتاقى در ميان خود مداحان - كه از جوانهاى ما، پيشكسوتهاى ما، اساتيد ما تشكيل شده است - بحمداللّه ميان مردم مي روند و وسيله‌ى توسل مردم را فراهم مي كنند و سفره‌ى بركت اهل‌بيت را مي گسترانند؛ اين يك فرصتى است براى كشور ما؛ مثل خيلى از فرصتهاى ديگرى كه ما داريم. برادران مسلمان ما در كشورهاى ديگر، خيلى از فرصتهاى ما را ندارند؛ يكى‌اش همين است. اين سلسله و رشته و جريان و شبكه‌ى توسل به اهل‌بيت و محبت اهل‌بيت و برانگيختن عواطف، خيلى فرصت مهمى است...
* **عواطف دین را حفظ می کند؛** يقيناً يكى از عواملى كه دين را، معنويت را، عقيده را و اخلاق را در يك جمعيتى در طول تاريخ حفظ مي كند، عواطف است؛ در كنار عقل و خرد و استدلال. انبياء و فرستادگان الهى ننشسته‌اند با مردم با زبان فلسفى حرف بزنند؛ اگرچه براى فهميدن كلام آنها و تعمق در بيان آنها، عقل فلسفى لازم بود و هست... اين زبان، تركيبى است از انديشه و عقل و عواطف؛ عاطفه است كه مي تواند مسير فهم عقلى و حركت عقلى و جريان عقلى را هموار كند. ما به طور طبيعى اين جريان را داريم؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادى و مولودى‌خوانى و عزادارى، هم در جلسات دعاخوانی...
* **شأن مداح؛** بنابراين شأن مداح اين است؛ يعنى برانگيختن عواطف و به كمك انديشه و خرد، بردنِ اين عواطف. شأن مداح و ستايشگر اين است كه بتواند با [بيان هنرى](http://farsi.khamenei.ir/keyword-content?id=2578)، با شيوه‌ى هنرى، با اجراى هنرى، معرفت را در بين مردم گسترش دهد. اين شد محور اصلى.
* **پرهیز از اختلاف افکنی؛** شما اينجا يك شعرى بخوانيد، امروز هم كه ويدئو و اينترنت و وسائل گوناگون انتقال پيام وجود دارد؛ عكس و تفصيلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهلِ متعصب را تحريك كند، بيندازد به جان يك مشت زن و بچه‌ى بى‌گناه، خون اينها را بريزد. مراقب اين چيزها باشيد.اينكه بنده اين همه اصرار مي كنم، تأكيد مي كنم براى اينكه اختلافات مذهبى و طايفه‌اى  را كمرنگ كنيد، براى اين است... اختلاف‌افكنى يا تحريك عصبيتهاى اختلاف‌افكن، مصلحت نيست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق(علیه السلام)مصلحت بود؛ آنها هم جلويش را گرفتند.
* **ایجاد حماسه؛** امروز مردم ما بايد اميد داشته باشند؛ اگر اميد بود، حماسه خواهد بود. اينكه ما عرض كرديم [«حماسه»](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=22212)، حماسه كه دستورى نيست، بخشنامه‌اى نيست؛ بخشنامه صادر مي كنيم، مردم حماسه ايجاد كنند! مگر مي شود چنين چيزى؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل مي جوشد، حماسه با عقل هدايت مي شود، حماسه با ايمان پشتيبانى مي شود؛ اينها كه دستورى نيست. اگر چنانچه دل از اميد خالى شد، فكر از منطق صحيح تهى شد، حماسه به وجود نمى‌آيد. ما در ذهنها ترديد ايجاد كنيم، در دلها يأس تزريق كنيم، حماسه به وجود مى‌آيد؟ معلوم است كه نه. حماسه‌آفرينى اين است: فضاى بدبينى به وجود نيايد؛ فضاى سوء ظن به وجود نيايد؛ فضاى اميد، فضاى خوشبينى، فضاى نگاه به چشم‌اندازها به وجود آيد؛ چشم‌اندازهائى كه قطعى است، يقينى است، حقيقى است، تلقينى نيست.
* **تعریف مداحی؛** مداحى، معرفت‌افزائى است. مداحى، پراكندن معرفت و حكمت و اميد و عقيده‌ى راسخ است. مداحى، جوشاندن چشمه‌هاى عواطف در دلها است؛ با استفاده‌ى از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.  
   البته يك اصل مسلّمى وجود دارد عزيزان من! مردم از صداى شما خوششان مى‌آيد، از شعر شما لذت مي برند، از اجراى شما - چه در مدحتان، چه در مصيبتتان - دلهايشان تكان مي خورد و اشك مي ريزند؛ اما به خود شما هم نگاه مي كنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدين، از لحاظ عفت، نمود تحسين‌آورى داشتيد، همه‌ى آنچه را كه عرض كرديم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد كرد. اما اگر خداى نكرده بعكس شد؛ مردم نشانه‌ى تزلزل اخلاقى، نشانه‌ى عقب‌ماندگى از لحاظ اخلاق و رفتار و خداى نكرده عفت و اين چيزها مشاهده كنند، اثر اين هنرها و زيبائى‌هائى كه در كار شما هست، از بين خواهد رفت؛ اين را مراقب باشيد. همه‌مان بايد مراقب باشيم؛ ما عمامه‌اى‌ها بيشتر از ديگران، گويندگان مذهبى بيشتر از ديگران، نامداران عرصه‌ى دين و تقوا بيشتر از ديگران. همه بايد مراقب باشيم.
* **مولودی با عزا خلط نشود؛** من در اين سالهاى طولانى، خيلى اوقات به برادران مداح كه اينجا مي خواندند، اين اعتراض را مي كردم كه جلسه‌ى جشن و مولودی را تبديل مي كردند به مجلس عزادارى؛ مفصّل روضه خواندند و اشك گرفتند! هر چيزى به جاى خودش. به شما مي گويند مداح. مداح يعنى چه؟ شاخصه‌ى اصلى شما مداحى است، نه روضه‌خوانى. روضه بخوانيد، بنده طرفدار روضه‌خوانى‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اينجور نيست كه در مجلس مولودى‌خوانى ائمه (عليهم‌السّلام) هم حتماً بايد يك روضه‌اى خوانده شود، يك دمى داده شود، يك اشكى گرفته شود؛ هيچ لزومى ندارد. بگذاريد عواطفى كه مردم نسبت به ائمه (عليهم‌السّلام)دارند، در خارج اينجور وانمود نشود كه منحصر است در قضيه‌ى گريه و سينه‌زنى و عزادارى؛ نه، عزادارى به جاى خود، مديحه و مولودى‌خوانى و شادى هم به جاى خود؛ اينها را نبايد با هم مخلوط كرد.»

انشاءالله بتوانیم با اجرای منویات رهبر عزیزمان، قلب آقایمان را شاد نموده، محبت و ولایت اهل بیت(عليهم‌السّلام) را دربین آحاد جامعه نشر و گسترش دهیم؛ به مناسبت فرا رسیدن ماه شعبان المعظم کتاب «نور علی نور» را خدمت ذاکرین اهل بیت تقدیم می نماییم.

این کتاب شامل هفت بخش کلی می باشد:

* اصول فنی
* برگی از تاریخ که شامل پنج فصل می باشد:

1. عشق سرخ
2. مهتاب هاشمی
3. آبروی عبادت
4. درّ احمدی
5. سردار عدالت

* در محضر اساتید
* اشعار منتخب، که دارای شش فصل می باشد:

1. میلاد امام حسین(علیه السلام)
2. میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)
3. میلاد حضرت زین العابدین(علیه السلام)
4. میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)
5. میلاد حضرت رقیه(سلام الله علیها)
6. میلاد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

* گلچین مجالس مداحان که شامل شش فصل می باشد :

1. میلاد امام حسین(علیه السلام)
2. میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)
3. میلاد حضرت زین العابدین(علیه السلام)
4. میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)
5. میلاد حضرت رقیه(سلام الله علیها)
6. میلاد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

* شور علوی
* نکات ناب
* سبکهای یاس کبود
* نمونه مجالس مولودی که شامل پنج فصل می باشد:
  + - 1. میلاد امام حسین(علیه السلام)
      2. میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)
      3. میلاد حضرت زین العابدین(علیه السلام)
      4. میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)
      5. میلاد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

لازم به ذکر است :

* بخش برگی از تاریخ با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر استخراج و با ذکر سند جهت استفاده بهتر ذاکرین تدوین گردیده است .
* بخش اشعار منتخب از آثار مکتوب شعری موجود در کتب و وبلاگها و سایتهای شعرا گلچین شده است .
* همچنین قسمت گلچین مجالس ، از شعر ، روضه ، سبکهای سینه زنی و مولودی ...که توسط مداحان اهل بیت (علیهم السلام)در ایام شعبان سال گذشته اجرا گردیده ،گردآوری شده است.
* متن جزوه به ترتیب مناسبت های ماه شعبان می باشد.
* قسمت نکات ناب جهت استفاده ذاکرین از جوانب مختلف بیان اساتید تهیه گردیده است.
* بخش اصول فنی گزیده ای از دروس تدریس شده توسط کربلایی محمد فراهانی می باشد.
* بخش در محضر اساتید از دروس تدریس شده توسط اساتید محترم در اجتماع عمومی مجمع یاس کبود می باشد که سعی شده است، با توجه به مناسبتهای ماه شعبان در اختیار عزیزان قرار گیرد.
* بخش سبکهای یاس کبود، از سبکهای تولیدی اعضای مجمع یاس کبود تهیه گردیده است.
* بخش نمومنه مجالس مولودی جهت استفاده ذاکرین مبتدی و جهت آشنای با چهارچوب کلی تهیه مجالس تدوین گردیده است.

**نکات قابل ذکر در این مجموعه عبارت است از:**

1. هدف از جمع آوری این جزوات عبارت است از:

* دسترسی به اشعار و مطالب مورد نیاز ذاکرین اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون مناسبت های ایام شعبان
* در جریان قرار گرفتن ذاکرین از برنامه های اجرا شده مناسبتهای این ماه در سال قبل توسط ذاکرین اهل بیت(علیهم السلام)
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به سبکهایی که در محافل بدان نیازمندند همراه با الگوی صوتی خوانده شده
* دسترسی ذاکرین در حال فراگیری، به جملات غیر شعری مورد نیاز که در بیان مداحان باتجربه، صیقلی نسبی خورده باشد

1. اشعارمتوسط و قوی به صورت توأمان دراین مجموعه ملاحظه خواهدشد.
2. صوت برخی از اشعار ـ برای آشنایی ذاکرین محترم ـ در سی دی موجود است اما به علت اشکال اعتقادی و یا ادبی ، از جزوه حذف گردیده و یا عباراتی جابه جا شده است، فلذا ذاکرین محترم در هنگام استفاده از این گونه اشعار به پاورقی ها عنایت و از خواندن آنها پرهیز نمایند.
3. در حد امکان و شناخت، سبکهای نوحه و سرودی که از نظر شرع مبین اسلام ، اشکال ریتمی و یا محتوایی دارند ، حذف گردیده اند، اما در صورتیکه مصداقی بین سبکها و اشعار مشاهده شد که از روی سبکهای غیرمجاز ساخته شده است و یا اشکال اعتقادی دارد، این مجموعه را مطلع فرمایید تا نسبت به حذف آن اقدام نماییم.

از کلیة عزیزانی که مارا از نقطه نظرات خود بهره مند می سازند ، پیشاپیش تشکر و قدردانی می نماییم.

**گروه جزوات فوق برنامه**

**کانون مداحان ياس كبود**

**بخش اول، اصول و فنون**

چهارچوب كلي محافل شادي

در محافلي كه به مناسبت ولادت يكي از معصومين (علیهم السلام) و يا عيدي از اعياد تشيع برگزار مي گردد، ذاكرين اهلبيت(علیهم السلام) با روشي مسرّت بخش به انجام مراسم مي پردازند؛ براي ايجاد شادي بيشتر در اينگونه محافل به چند توصيه توجه كنيد. محافل شادي داراي چارچوبي كلي مي باشند كه عبارتند از:

1. بسم الله و جملات عربي شروع مجلس؛
2. توسل به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)؛
3. شعر مناسبت؛
4. شرح عيد؛
5. سرود؛
6. دعا ومناجات پايان مجلس؛
7. **بسم الله و جملات عربي شروع مجلس**
   * بعد از بسم الله...و قبل از شروع جملات عربي از مستمع چند صلوات بگيريد تا جو مجلس متعادلتر شود .
   * گاهی مقدمه کلی در این بخش لازم است.
   * جملات عربي ابتدايي را حتي المقدور دكلمه اي و بدون آهنگ و سبك بخوانيد ؛ چراكه با آهنگ خواندن گاهي ايجاد حزن مي كند.
8. **توسل به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)**

در محافل شادي توسل شعري به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)مرسوم نيست و عرض ادب در حد همان عبارات کوتاه عربی كفايت مي كند.

1. **شعر مناسبت**

پس از توسل و عرض ادب به امام زمان(عجل الله تعالی فرجه)، شعر مرتبط با مناسبت شادي ارائه مي گردد؛ با توجه به مناسبت از سه نوع شعر مي توانيد در اين قسمت استفاده کنيد:

الف) اشعار توصيفي که صرفاً به شرح عيد مي پردازد؛

ب) اشعاري مدحي که صرفاً مدح است و گاهي در پايان مختصري به مرثيه مي پردازد؛

ج) اشعار مربوط به مناسبت که با شرح عيد شروع و به مدح متّصل مي شود؛

نکات قابل ذكر

* + در محافل مولودي حتماً ذيل برخي از اشعار مدحي، به عنوان تفسير شعر ، آيات و روايات مربوطه را ذکر كنيد تا مستمع بداند اين مفاهيم قول شاعر نيست بلکه مبناي قرآني، روايي و تاريخي دارد.
  + هنگام خواندن اشعار از كشش زياد مصوتها و تحريرهاي طولاني پرهيز كنيد و سعي كنيد عبارات و تركيبها را پشت سرهم و سلسله وار بخوانيد كه اين موضوع باعث شادتر شدن خواندن مي گردد.
  + خواندن روضه و اصطلاحاً نمك پاشي در محافل شادي اصل نيست، بلكه اگر مستمع در اشعار توصيفي و مدحي، حال خوشي پيدا كرد، به روضه هاي احساسي مرتبط، اشاره مختصري مي شود والا خواندن روضه ـ مخصوصاً روضه هاي سنگين ـ در اين محافل جايي ندارد.

1. **شرح عيد**

در بين شعر و يا انتهاي آن، بايستي اشاره اي به جريان ولادت و يا عيد صورت بگيرد تا تأثيرگذاري و بهره برداري از مناسبت به وجه احسن انجام شود.

1. **سرود**

شورانگيزترين قسمت محافل شادي بخش سرود و ارجوزه است، اشعار ريتم دار كه با ضرب خوانده مي شود اگر مفهوم حماسي داشته باشد ارجوزه از ماده رجز نام دارد و الا اشعار ريتم دار با ضرب ومفهوم مدحي و شادي،سرود مي باشد. توجّه به چند نکته دراين قسمت لازم به نظر مي رسد:

* + استفاده از سبکهايي که از روي الگوهاي مجاز ساخته شده است؛
  + استفاده از سبکهاي جديد و حرکت به سمت سبک سازي ؛
  + پرهيز از غلو و محتويّات دور از شأن معصومين(علیهم السلام) ؛

1. **دعا ومناجات پايان مجلس**

در پايان محافل شادي معمولا اشعاري مدحي و عاشقانه ارائه مي شود و اگر مستمع هنگام حديث نفس، حال خوبي پيدا كرد يك توسل مختصر هم صورت مي گيرد.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش دوم، در محضر اساتید[[1]](#footnote-1)**

**جایگاه منتظر**

قال زین العابدین(علیه السلام): «طوبى لشیعتنا المتمسکین بحبّنا فى غیبة قائمنا، الثابتین على موالاتنا والبراءة من اعدائنا، اولئک منّا و نحن منهم وقد رضوا بنا ائمة ورضینا بهم شیعة، طوبى لهم ثم طوبى لهم، هم والله معنا فى درجتنا یوم القیامة» ـ خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما بر محبت و ولایت ما و بیزارى از دشمنان ما پایدار ماندند، آنها از ما و ما از آنهائیم و همانا آنان امامت ما را پذیرفتند، ما هم آنها را به عنوان شیعیان خود پذیرفتیم، خوشا به حال آنها و باز هم  خوشا به حال آنها، آنها به خدا قسم در درجه ما و در کنار ما در روز قیامت اند. ـ[[2]](#footnote-2)برای هیچ طایفه ای این روایت وارد نشده مگر کسانی که در زمان غیبت به سر می برند، امام زمان(عجل الله تعالی فرجه) از شما توقع دارد، حضرت به شخصی فرمود : «کار ما را سخت نکنید، وقتی گناه می کنید وقت ما گرفته می شود»

**تشریح حقوق زبان از زبان امام سجاد(علیه السلام)**

«فامّا حق اللّسان فاکرامهُ عَنِ الخَنا» این زبان را از زشت گویی و بد گویی باز دار، این زبان معرف نژاد انسان است، معرف شخصیت انسان و ریشه اوست، زبان را که حرکت می دهیم شخصیت، حدود و اندازه ما مشخص می شود .« وَ تَعویدُهُ عَلَی الخَیر» زبان را به کارهای خیر عادت بده، اگر زبان منفی حرکت می کند روی دیگران هم اثر می کند.«و حَملُهُ عَلَی الاَدَب» و زبان را به ادب بگردان، هرکجا وارد شدی با ادب صحبت کن، اگر کسی با شما خصومت دارد و حق ایمانی را بجا نیاورده، شما به جا بیاورید؛ در قرآن می فرماید: «و ان جاهداک ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطع هما و صاحبهما معروفا[[3]](#footnote-3)» ـ اگر پدر و مادر شما را به شرک دعوت کردند اطاعت قلبی نکنید ـ به روی پدر پرخاش کردن قساوت قلب می آورد و بلا نازل می کند ـ «اِلّا لِمَوضِعَ الحاجَه» از زبان خود نگه داری کنید مگر در مواقع حاجت، اگر دیدید حقی دارد ضایع می شود کتمان شهادت نکنید. اگر آفت زبان نباشد سخن نیکوتر است، سخن بیهوده نگویید، سخنی بگویید که اصلاح بین ذات کند، اگر کسی با زبان دو نفر را به هم برساند بهشت بر او واجب است.«وَ المَنفَعهِ لِلدّینِ وَ الدُّنیا» زبان را برای منفعت دین و دنیا حرکت دهید، آیه قرآن می فرماید:« وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا [[4]](#footnote-4)» از دنیا نصیب بِبَر، مگر دارایی برای مؤمن چیز بدی است؟ مگر اسلام دین فقر ستایی است؟ فقر حکیم را از حکمتش ساقط می کند، معنای زهد این نیست که انسان برای دنیای خودش تلاش نکند، دارایی حُسن است. از پرگویی دوری کنید، پرگویی عقل مردم را کم می کند؛ در نهج البلاغه داریم که مظهر آداب زبان است، زبان اگر درست شد همه چیز درست می شود، بعضی از عرفان های کاذب که به وجود آمده اند می گویند باید از باطن شروع کرد، این انحراف است در صورتی که باید از ظاهر شروع نمود؛ امام سجاد(علیه السلام) می فرماید: از بیهوده گویی پرهیز کنید؛ زبان دلیل روشنی است بر عقل و منطق، عقل به حسن برخورد با زبان ظاهر می شود .

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش سوم، برگی از تاریخ**

**فصل اول، عشق سرخ**

**نامگذاری آسمانی**

حضرت امام رضا(عليه السلام) فرمود: هنگامی كه امام حسين(عليه السلام) متولد شد، حضرت رسول(صلی الله عليه و آله) به اسماء بنت عميس فرمود: فرزند مرا بياور ، اسما گفت آن حضرت را در جامه سفيدی پيچيده به خدمت پیغمبر (عليه السلام) بردم، حضرت او را گرفت، در دامن گذاشت، در گوش راست اذان و در گوش چپش اقامه گفت؛‌ پس جبرئيل نازل شد و گفت: حق تعالی تو را سلام مي‌رساند و می‌فرمايد: چون علی (عليه السلام) نسبت به تو به منزله هارون است نسبت به موسی، پس او را به اسم پسر كوچك هارون نام گذاری کن كه شبير است و چون لغت تو عربی است او را حسين نام بگذار.

**حامل سلام زیارت کنندگان**

شيخ صدوق و ابن قولويه و ديگران از حضرت صادق(عليه السلام) روايت كرده‌اند : هنگامی که امام حسين (عليه السلام) متولد شد حق تعالی جبرئيل را امر فرمود كه با هزار ملك براي تهنيت گفتن به آن حضرت نازل شود وقتی جبرئيل به سمت زمین می آمد در جزيره ای از جزيره‌های دريا به ملكی كه او را فطرس مي‌گفتند برخورد کرد که از حاملان عرش الهی بود؛ پس حق تعالی به علت نافرمانی بالش را در هم شكسته و او را در آن جزيره انداخته بود، پس فطرس هفتصد سال در آنجا عبادت می كرد تا روزی كه امام حسين (عليه السلام) متولد شد. هنگامی که دید جبرئيل با ملائكه فرود می‌آيند، پرسيد كجا می روید؟ گفت حضرت حق نعمتی به پیغمبر كرامت فرموده و مرا فرستاده است كه به او تبریک گويم؛ گفت ای جبرئيل مرا نيز با خود ببر شايد كه آن حضرت برای من دعا كند تا حق تعالی از من بگذرد، جبرئيل او را با خود برداشت و چون به خدمت پیامبر رسيد تهنيت و تحيت گفت و شرح حال فطرس را به عرض رسانيد؛ حضرت فرمود: بگو كه خود را به اين مولود مبارك بمالد و به مكان خود برگردد. فطرس خويشتن را به امام حسين ماليد، بالهایش در آمد و همانطور که پرواز می کرد اين كلمات را می گفت و بالا می رفت « يا رسول الله! همانا امت تو اين مولود را شهيد می کنند، من بر او دین دارم كه هر كه او را زيارت كند و بر او سلام دهد، سلام او را به حسين (عليه السلام) برسانم.» هنگامی که فطرس به سمت آسمان بالا رفت می‌گفت: كيست مثل من آزاد كرده ی حسين بن علی (عليه السلام).

**حسین منی...**

ابن شهر آشوب روايت كرده است: هنگام ولادت امام حسين (عليه السلام) فاطمه (عليها السلام) مريض شد، به همین علت نمی توانست فرزند خود را شیر دهد، رسول خدا مرضعی طلب كرد اما کسی برای این کار پیدا نشد، پس خود آن حضرت به حجره فاطمه(عليها السلام)  آمد، انگشت ابهام خويش را ـ بعضی گفته‌اند كه زبان مبارك خود را ـ در دهان حسين می‌گذاشت و او مي مكيد و تا چهل شبانه روز حق تعالی تغذیه حسين (عليه السلام) را از زبان پيغمبر (صلی الله عليه و آله) گردانيده بود، پس گوشت حسين (عليه السلام) از گوشت پيغمبر (صلی الله عليه و آله) روئيد.

**دعا برای دوست داران حسین(عليه السلام)**

بعد از گذشت هفت روز از ولادت حسین(عليه السلام) حضرت رسول(صلی الله عليه و آله) به اسماء فرمود: فرزند مرا بياور هنگامی که او را به نزد آن حضرت بردند گوسفند سياه و سفيدی برای او عقيقه كرد و يك رانش را به قابله داد؛ سرش را تراشيد و به وزن موی سرش نقره تصدق كرد؛ سپس او را بر دامن خود گذاشت و فرمود: «ای ابا عبدالله چه بسيار گران است بر من كشته شدن تو» و بسيار گريست. اسماء عرض کرد: اين چه خبری است كه در روز اول ولادت گفتي و امروز نيز مي‌فرمائی و گريه می كنی؟! حضرت فرمود: بر اين فرزند دلبند خود می‌گريم كه گروهی كافر ستمكار از بنی اميه او را خواهند كشت، خدا شفاعت مرا به ايشان نرساند، او را مردی خواهد كشت كه رخنه در دين من خواهد كرد و به خداوند كافر خواهد شد؛ خداوندا در حق اين دو فرزندم دعا می کنم دعایی كه ابراهيم در حق ذريه خود نمود؛ خداوندا تو دوست دار ايشان و دوست دار هر كه دوست دار ايشان می باشد باش و هر كه ايشان را دشمن می دارد لعنت كن.[[5]](#footnote-5)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم، مهتاب هاشمی**

**مهتاب در دست خورشید**

در روز ولادت حضرت اباالفضل(عليه‏السلام) ام‏البنين (عليهاالسلام) قنداقه‏ي او را به دست اميرالمؤمنين(عليه‏السلام) داد تا او را نامگذاري نمايد، حضرت علی (عليه‏السلام) زبان مبارک را به ديده و گوش و دهان ایشان گرداند تا حق ببيند، بشنود و بگويد. «ثم اذن في اذنه اليمني و أقام في اليسري» ـ آن گاه در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت ـ

«ثم قال: ما سميتموه؟ قالت ام‏البنين: ما اسبقک في شي‏ء.» ـ سپس فرمود: او را چه نام گذاشته‏ايد؟ ام‏البنين (عليهاالسلام) عرض کرد: در هيچ کار بر شما پيشي نگرفته‏ام هر چه خودتان ميل داريد اسم بگذاريد ـ فرمود: «اني سميته باسم عمي العباس عباساً» ـ من او را به اسم عمويم عباس بن عبدالمطلب عباس ناميدم ـ «ثم قبل يديه و استعبر» ـ سپس دست‏هاي او را بوسيد و اشک بر صورت جاري شد و گريه کرد ـ و فرمود: گويا مي‏بينم اين دست‏ها در روز عاشورا کنار شريعه‏ي فرات در ياري برادرش حسين(عليه‏السلام) از بدن جدا خواهد شد.

**معنای نام عباس**

نام آنجناب را امیرالمومنین(عليه‏السلام) عباس نهاد؛ عباس صیغه مبالغه است که از ماده عبس که به معنای درهم شدن صورت است، این نامگذاری می تواند به چند علت باشد:

* آنجناب بمفاد آیه «اشداء علی الکفار» بر دشمنان عبوس بود.
* از صولت و شجاعت و غیرت او در قبال دشمن، صورت دشمنان درهم و عبوس می شد، چنانکه در مورد آنجناب نقل شده: کَالجَبَل العَظِیم وَقَلبُهُ کَالطَّودِ الجَسِیم لِانّهُ کان فارساً هُماماً وَ بَطَلاً ضَرغاماً، وَکانَ جَسُراً عَلَی الطَّعْنِ وَالضَّربِ فِی مَیدانِ الکُفارِ وَ الحَربِ**[[6]](#footnote-6)**

ـ مانند كوهى بزرگ و قلبش بسان كوهى استواربود؛ چرا كه او جنگ آورى بلند همت و سلحشورى شیرگون بود و در وارد كردن نیزه و ضربات بر دشمن در میدان نبرد با كفار جسور و بى‏باك بود. ـ

**القاب حضرت اباالفضل(عليه‏السلام)**

* قمر بني‏هاشم؛ اين لقب به تناسب جمال و سيماي زيبا به آن حضرت داده شده است، در این باره آورده اند: «و كان العباس رجلا و سيما جميلا  ، يركب الفرس و رجلاه يخطان فى الاءرض و كان يقال له قمر بنى هاشم و كان لواء الحسين عليه السلام معه[[7]](#footnote-7) » ـ حضرت عباس(عليه‏السلام) مردى خوش سيما، خوش صورت و خوش قيافه بود، چون سوار بر اسب مى شد پاهايش از كثرت بلند بودن به زمين مى رسيد، به او قمر بنى هاشم مى گفتند و در روز عاشورا لواى امام حسين(عليه‏السلام) در دست او بود ـ
* عبد صالح؛ از لقب‏هاي مهم حضرت است زيرا اين لقب مي‏رساند که حضرتش از بندگان شايسته خداست و مقام عبوديت از مقام‏هايي است که نهايت مرتبه والاي انسان را مي‏رساند؛ اين لقب از زبان مبارک امام صادق (عليه‏السلام) بر حضرت اباالفضل (عليه‏السلام) اطلاق شده است، در زيارتنامه‏اي که ابوحمزه ثمالي از امام صادق (عليه‏السلام)نقل نموده است فرمود: پس از اينکه درب حرم ايستادي و آن زيارت را خواندي وارد حرم شو و خود را به قبر بچسبان و بگو: «السلام عليک ايها العبد الصالح...»[[8]](#footnote-8)
* کبش الکتيبة؛از القابي است که به سردار لشکر داده مي‏شود و در مورد هر پهلواني اطلاق نمي‏گردد بلکه به پهلواني گفته مي‏شود که بتواند لشکر را در پناه خود بگيرد و اگر خطري براي هر کدام از ارتشيان پيش آمد او را نجات دهد، اين عنوان درباره‏ي قمر بني‏هاشم(عليه‏السلام) درست است زيرا در جريان عاشورا پشت و پناه لشکر امام حسين(عليه‏السلام) بود و از آنان با شجاعت و دلاوري دفاع مي‏نمود.

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم، آبروی عبادت**

**بانویی از سرزمین ایران**

امام باقر(علیه السلام) فرمود: چون دختر یزدگرد را نزد خلیفه دوم آوردند، دختران مدینه برای تماشای او سر می کشیدند؛ هنگامی که وارد مسجد شد مسجد از پرتو صورتش درخشان گردید، هنگامی که عمر به او نگاه کرد، رخسار خود را پوشاند و گفت: وای! روزگار هرمز سیاه باد! خلیفه گفت: این دختر مرا ناسزا می گوید؟! و خواست او را اذیت کند، امیر المومنین (علیه السلام) فرمود: از کجا فهمیدی که دشنام می گوید در حالی که سخنش را نفهمیدی؟! گفت: اورا بفروشند، حضرت فرمود: فروختن دختران پادشاهان جایز نیست اگرچه کافر باشند، به او اختیار بده تا خود مردی از مسلمانان را انتخاب کند.  دختر دست خود را روی شانه حسین (علیه السلام) گذاشت، امیر المومنین(علیه السلام) به او فرمود: نام تو چیست؟

گفت: جهان شاه، حضرت امیر(علیه السلام) فرمود:نام تو شهربانو است. سپس رو به فرزندش حسین(علیه السلام) کرد و فرمود: این بانوی با سعادت را خوب محافظت نما که از این دختر بهترین شخص روی زمین برای تو متولد می شود؛ به همین علت علی بن الحسین(علیه السلام) را ابن الخیرتین ـ پسر دو برگزیده ـ می گفتند.[[9]](#footnote-9)

**زینت بندگان خدا**

* عمران بن سلیم می‌گوید: هر گاه زُهری از علی بن الحسین مطلبی نقل می‌کردمی‌گفت: زین‌العابدین برای من روایت کرد. یک بار ‏سفیان بن عُیینه به او گفت: از چه جهت او را زین العابدین می‌گویی؟ پاسخ داد از سعید بن مسیب شنیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:‏ روز قیامت « یناد مُنادی: أینَ زَینُ الْعابِدینَ؟» ـ منادی ندا می دهد: کجاست زینت عبادت کنندگان ؟ ـ چنان می‌بینم که فرزندم علی بن الحسین با تمام وقار و سکون در میان مردم محشر برای رسیدن ‏به جایگاهش قدم برمی‌دارد.‏[[10]](#footnote-10)
* شخصی به نام عسکر ـ غلام امام محمّد جواد(علیه السلام) ـ به نقل از پدرش حکایت می کند:روزی به محضر شریف [علی بن موسی الرّضا](http://teeteel.notkade.com/wordpress/1391/07/07/%d8%b2%d9%86%d8%af%da%af%db%8c%d9%86%d8%a7%d9%85%d9%87-%d8%a7%d9%85%d8%a7%d9%85-%d8%b1%d8%b6%d8%a7-%d8%b9/) (علیه السلام) شرف حضور یافتم و عرضه داشتم: یاابن ‏رسول اللّه! چطور در بین اهل بیت رسول اللّه (صلی الله علیه و آله) فقط حضرت علی بن ‏الحسین (علیهماالسّلام) به عنوان “سیّد العابدین “ معروف گشته است؟ امام رضا (علیه السلام)در جواب فرمود: خداوند متعال در قرآن تصریح نموده است که بعضی از پیغمبران را بر ‏بعضی از ایشان فضیلت و برتری داده است و ما اهل بیت رسالت نیز همانند انبیاء عظام می‌باشیم؛ سپس افزود: و امّا در رابطه با جدّم علی بن الحسین (علیهماالسّلام)، همانا پدرم از پدران بزرگوارش بیان فرموده است: روزی امام علی بن الحسین (علیهماالسّلام) ‏مشغول نماز بود که ناگاه شیطان به صورت یک افعی بسیار هولناکی با چشم‌های سرخ از درون زمین ‏آشکار شد و خود را به محراب عبادت آن حضرت نزدیک کرد، ولیکن امام سجّاد(علیهماالسّلام) کمترین حسّاسیّتی در برابر آن موجود وحشتناک نشان نداد و ارتباط خود را ‏با پروردگار متعال خود قطع نکرد، افعی دهان خود را نزدیک انگشتان پای آن حضرت آورد و آتشی از دهانش خارج ساخت که بسیار وحشتناک ‏بود ولی حضرت با آرامش خاطر و خیالی آسوده به نماز خود ادامه می‌داد و توجّهی به آن نداشت؛ در همین حال که شیطان با آن حالت ترسناک مشغول اذیّت و آزار بود ناگهان تیری سوزاننده از سمت ‏آسمان آمد و به آن ملعون اصابت کرد، هنگامی که تیر به او خورد، فریادی کشید و به همان حالت و شکل اوّلیّه خود بازگشت و کنار امام سجّاد(علیه السلام) ایستاد و اظهار داشت:شما سیّد و سرور عبادت کنندگان هستی و چنین نامی تنها زیبنده و شایسته شما می‌باشد. من شیطان هستم و تمام عبادت کنندگان را از زمان حضرت آدم تا کنون ‏فریب و بازی داده ام و کسی را از تو قوی‌تر و پارساتر نیافته ام.[[11]](#footnote-11)

‏

**گوشه ای از عبادات زین العابدین(علیه السلام)**

* امام سجّاد (علیه السلام) چون وضو می گرفت و خود را برای نماز آماده می کرد، رنگ رخسارش دگرگون می شد؛ وقتی از علت آن می پرسیدند پاسخ می داد: آیا می دانی که می خواهم به آستان چه بزرگی راه یابم و در برابر چه مقامی قرار بگیرم»[[12]](#footnote-12).
* زیادی سجده و تداوم هر سجده امام سجاد (علیه السلام) سبب گردید که آن حضرت را «سیدالساجدین» لقب دهند، همچنین بر اثر این سجده های طولانی و فراوان پوست پیشانی ایشان زبر شده بود، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: پدرم هیچ نعمتی را به یاد نمی آورد مگر این که با یاد کردن آن به درگاه خداوند سجده می گذارد؛ هنگام قرائت قرآن وقتی به آیه های سجده می رسید، وقت خطر و احتمال رخداد حادثه ای ناگوار، پس از پایان نمازهای فریضه و هر گاه که موفق می شد خدمتی انجام دهد و میان دو مؤمن را اصلاح کند، سر به سجده می گذاشت و خداوند را سپاس می گزارد»[[13]](#footnote-13)
* یکی از خدمتکاران آن حضرت می گوید: روزی مولایم به سوی صحرا رفت و در گوشه ای از صحرا به عبادت پرداخت، به هنگام سجده سر را بر سنگ های ریز و درشت می نهاد و با گریه و تضرّع خدا را یاد می کرد، کوشیدم تا صدای حضرت را بشنوم و شنیدم که امام در سجده ی خویش هزار مرتبه گفت: «لااله الااللّه حقا حقا، لااله الاّاللّه تعبّدا و رقّا، لااله الااللّه ایمانا و تصدیقا».چون امام از سجده سر برداشت، صورت و محاسن او به اشک هایش آغشته بود.[[14]](#footnote-14)
* وقتی آن حضرت لباس احرام می پوشید از یاد خدا و جلال او، رنگ چهره اش تغییر می کرد و چنان در جذبه ی معنویت حق قرار می گرفت که از گفتن «لبیک» نیز ناتوان می شد؛ همراهان ایشان با دیدن این حالت به شدت تحت تأثیر قرار می گرفتند و می پرسیدند: «چرا لبیک نمی گویید؟» امام پاسخ می داد: «بیم آن دارم که لبیک بگویم، ولی خداوند در جوابم ندا دهد: لالبّیک»[[15]](#footnote-15)

**زین العابدین**(علیه السلام) **شبیه ترین فرد به امیرالمومنین**(علیه السلام)

امام صادق(علیه السلام)در توصیف عبادت های امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمود: «در امّت اسلامی هیچ کس نتوانست همانند رسول خدا به عبادت اهتمام ورزد جز علی بن ابی طالب(علیه السلام)، وی چنان عبادت می کرد که گویی بهشت و دوزخ را می بیند»، آن گاه فرمود: «در میان اهل بیت امیرالمؤمنین شبیه ترین فرد به او زین العابدین(علیه السلام)می باشد؛ زیرا چنان در عبادت پیش تاز بود که فرزندش امام باقر (علیه السلام) در او خیره شد و اثر عبادت را در چهره اش آشکار یافت و از مشاهده ی حال پدر گریست، امام سجاد (علیه السلام)که علت گریستن فرزند را دریافته بود، فرمود: آن صحیفه ای را که عبادت های علی(علیه السلام)در آن ثبت شده است را بیاور؛ امام باقر (علیه السلام) نامه را به پدر داد و آن حضرت مشغول مطالعه شد، پس از لحظاتی آهی عمیق از سینه برآورد و گفت: کیست که بتواند مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام) عبادت خدا کند»[[16]](#footnote-16)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم، درّ احمدی**

**میلاد علی اکبر(علیه السلام)**

تولد حضرت علی اکبر(علیه السلام) در١١ شعبان  سال 33 هجری رخ داده بنابراین در روز عاشورا سال60 هجری 27 سال داشته اند. سه پسر امام حسین (علیه السلام) به نام علی اکبر(علیه السلام)، علی اوسط(علیه السلام) و علی اصغر(علیه السلام) نامیده شدند؛ همانطور که در زیارت ایشان وارد شده کنیه علی اکبر(علیه السلام) ابوالحسن است، حضرت صادق(علیه السلام) به ابوحمزه ثمالی می فرماید چون به قبر علی اکبر رسیدی«ضع خدک علی القبر و قل صلی الله علیک یا ابالحسن ثلاثا[[17]](#footnote-17)»

**فضیلت از زبان دشمن**

روزی معاویه بن ابی سفیان به اطرافیان و هم نشینان خود گفت: به نظر شما سزاوارترین و شایسته ترین فرد امت به امر خلافت كیست؟ اطرافیان گفتند: جز تو كسی را سزاوارتر به امر خلافت نمی شناسیم! معاویه گفت: این چنین نیست. «اولی الناس بهذا الامرعلی بن الحسین بن علی جده رسول الله و ضیه شجاعه بنی هاشم و سخاه بنی امیه ورهو ثقیف» ـ شایسته ترین افراد برای امر حکومت علی اکبر فرزند امام حسین(علیه السلام) است که جدش رسول خداست، شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.[[18]](#footnote-18)

**بیانی از امام(قدس سره)**

حضرت امام خمينی (قدس سره) در درس اخلاقشان فرمودند: مدايح و گفتار اهل بيت(عليهم السلام) خصوصاً حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در مورد حضرت علی اکبر(علیه السلام) حاکی از اين است که اگر علی اکبر(علیه السلام) در کربلا به شهادت نمی‏رسيد، خود، امام« مفترض الطاعه» می‏بود.

**ماجرای انگور و معجزه سیدالشهداء(علیه السلام)**

کثیر بن شاذان می گوید «خودم شاهد بودم که علی اکبر (علیه السلام) در غیر فصل مناسب از پدر بزرگوارش انگور طلب کرد، ناگاه امام حسین(علیه السلام) با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور از آن خارج شد، پس فرزند خود را از آن خورانیده و فرمود: «ما عندالله لاولیائه اکثر؛ از آنچه نزد خدای تعالی است به اولیائش بیشتر می‌رسد.»[[19]](#footnote-19)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم، سردار عدالت**

**پسر نرجس خاتون**

روايت كرده‏اند كه حكيمه دختر امام جواد ـ عمّه امام حسن عسگرى(علیه السلام) ـ خدمت امام حسن عسگرى(علیه السلام)  رفت و آمد می نمود، يك روز به حضور امام عسكرى(علیه السلام)  رفت که حضرت فرمود: امشب مولودى كه ما انتظار او را داريم متولد خواهد شد، تو امشب براى افطار نزد ما باش! آن شب شب جمعه بود، گفت: اين نوزاد از كه خواهد بود؟ فرمود: از نرجس. حكيمه خاتون گويد: من تعجب كردم و به امام عسگرى(علیه السلام) گفتم: من اثر حمل را در نرجس خاتون نمى‏بينم؟ امام (علیه السلام) لبخندى زد و فرمود: ما گروه اوصياء را در شكم نيست بلكه جاى ما در پهلوى مادران است، ان شاء اللّه در اين شب نوزادى كه در نزد خدا گرامى است تا طلوع فجر متولد خواهد شد. حكيمه خاتون مي گويد: وقتى كه من پيش نرجس خاتون رفتم روى دست نرجس خاتون افتادم و او را بوسيدم و عرض کردم: خدا در اين شب پسرى به تو مرحمت مي كند كه بزرگ دنيا و آخرت خواهد بود.

**جاء الحق**

من نزديك نرجس خاتون خوابيدم و امام عسگرى (علیه السلام) هم در همان خانه بود، موقعى كه وقت نماز شب فرا رسيد براى نماز شب بلند شدم و دیدم که نرجس خاتون خواب بود و اثر وضع حمل در وجود او معلوم نبود؛ مشغول نماز شب شدم تا موقعى كه به نماز وتر رسيدم، بر دلم گذشت كه فجر طلوع كرده است، ناگاه شكى در دل من ـ در مورد وعده امام(علیه السلام)  ـ به وجود آمد که امام عسگرى(علیه السلام) صدا زد: فجر طلوع نكرده است.

نماز را به سرعت تمام كردم و نزديك نرجس خاتون رفتم، او را حركت دادم و در بغل گرفتم وگفتم: آيا احساس درد نمي كنى؟ فرمود: آری، ناگهان خوابى دچار من و نرجس خاتون شد كه نتوانستیم خوددارى كنم و بيدار نشدیم تا آن موقعى كه امام زمان (علیه السلام) متولد شد؛ ناگاه شنيدم كه امام عسگرى(علیه السلام)  صدا مي زند: عمّه فرزند مرا نزد من بياور! وقتى كه من از خواب بیدار شدم، ديدم که نوزاد مواضع سجده را روى زمين نهاده و خدا را سجده مي كند، بر بازوى راست آن حضرت نوشته بود:« جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً[[20]](#footnote-20)»

**دعا برای شیعیان و فرج**

وقتى كه من آن حضرت را در بغل گرفتم ديدم آن بزرگوار پاك و پاكيزه است، آن برگزيده خدا را در جامه‏اى پيچاندم و بحضور امام حسن عسكرى(علیه السلام) بردم، امام (علیه السلام)  او را گرفت و بر كف دست چپ خود نشانيد، دست راست خود را به پشت آن حضرت نهاد و بعد از آن زبان خود را به دهان امام زمان نهاد، دست خود را بر چشم و گوش و مفاصل آن حضرت كشيد و فرمود: اى پسرك عزيز من صحبت كن! آن مولود مبارک گفت:«اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و ان عليا أمير المؤمنين»

بعد از آن شروع كرد به نام بردن امامها تا به وجود مقدس خودش رسيد، دستهاى خود را بلند كرد و در حق دوستان و برای فرج خود دعا كرد و از سخن گفتن ساكت شد. امام عسكرى فرمود: فرزندم را نزد مادرش ببر تا بر مادر خود سلام كند سپس او را به من بر گردان! آن حضرت را نزد مادرش بردم، وقتى كه به مادر خود سلام كرد آن حضرت را دوباره به حضور امام عسكرى(علیه السلام) آوردم، ناگاه ديدم پرده‏اى ما بين من و آن حضرت پيدا شد و من آن بزرگوار را نديدم، به امام عسكرى گفتم: پس مولاى من چه شد؟ فرمود: كسى او را برد كه از تو و ما به او اولى و سزاوارتر بود.[[21]](#footnote-21)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش چهارم، اشعار منتخب**

**فصل اول، میلاد امام حسین(علیه السلام)**

چه خوب است آب و هوایی که دارید

همیشه بهشت است جایی که دارید

الهی روی خلوتی هم نبیند

شلوغی این کوچه هایی که دارید

مجال عرق ریختن هم ندادید

به پیشانی این گدایی که دارید

نمی خواهم اصلاً بفهمم که ما را

کجا می برد ردّ پایی که دارید

همین که شما می بریدم، یقیناً

شبی می رسم تا خدایی که دارید

از امروز نامه رسان حسین است

پر فطرس بینوایی که دارید

برایم هوای بهشتی بالا

حرام است با کربلایی که دارید

شما با خدا با خدا با خدایید

و من با شمایم شمایی که دارید...

...مرا خیمه کربلا می نویسید

دخیل حسینیه ها می نویسید

دل بی قرار اختیاری ندارد

اسیر است و راه فراری ندارد

مقامات عاشق فنا می پذیرد

اگر هم بمیرد مزاری ندارد

کسی که بنا نیست بی سر بمیرد

چه بهتر دل بی قراری ندارد

دل بی حسین اصل و فرعش زیادی است

شبیه درختی که باری ندارد

فرشته چرا؟ خوش به حال من و تو

ملک آن چه را که تو داری ندارد

دل بی حسین از گل بدترین هاست

دل بی حسین اعتباری ندارد

بود ذکر سجاده هر فقیری

امیری حسین فنعم الامیری

همه زیر پایند و بالا حسین است

همه قطره هستند و دریا حسین است

چه رسم خوشی... که زمان تولد

کلام نخستین ما یا حسین است

حسن یا علی فاطمه یا محمد

تجلی این چهار تن با حسین است

حسن هم حسین است، علی هم حسین است

محمد حسین است و زهرا حسین است

همین که به جز عشق چیزی نگفتیم

تجلی "لا ذکر الا حسین" است

گنهکارها نیز ترسی ندارند

قیامت اگر دست آقا حسین است

شه عالمینیم، الحمدلله

غلام حسینیم، الحمدلله

ندیدم کسی را گدایش نباشد

مسلمان یا ربنایش نباشد

مسیر تکامل یقیناً محال است

اگر کربلا انتهایش نباشد

برای جهنم چه خوب است هر که

حسین بن زهرا برایش نباشد

مگر می شود؟نه...نه... امکان ندارد

خدا باشد و کربلایش نباشد

یقین کشتی او نجاتی ندارد

اگر خواهرش ناخدایش نباشد

حسین آمد و بال ها گریه کردند

تمامی گودال ها گریه کردند

پر ما کجا؟... وسعت آسمانت؟

پریدن کجا؟... قبه ی لامکانت؟

حسن هم به پای تو قد راست می کرد

ادب داشت، پیشت امام زمانت

تو بالا نشینی، چگونه نباشد

سر شانه های پیمبر مکانت؟

تویی سنت هفت تکبیر احرام

نبی منتظر شد بچرخد زبانت

شما هر دو در حالت ارتزاقید

اگر می گذارد دهان بر دهانت

خداوند مثل تو دیگر ندارد

شبیه تو و خواهر تو ندارد

من و سال ها جستجویت، حسین جان

من و منت گفتگویت، حسین جان

مگر می شود من به پایت نیفتم

من و سجده بر خاک کویت حسین جان

من عادت ندارم شبی بی تو باشم

من و هیئت کو به کویت حسین جان

گلوی تو عادت به نیزه ندارد

به قربان زیر گلویت، حسین جان

چقدر آه گفتی جوابت ندادند

چقدر آب گفتی و آبت ندادند[[22]](#footnote-22)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

خوش به حال دل من مثل تو آقا دارد

بر سرش سایه ی آرامش طوبا دارد

با شما آبرویی قدر دو دنیا دارد

پای این عشق اگر جان بدهم جا دارد

آدم تو شده ام با تو سر افراز شدم

یعنی از موهبت داغ تو آغاز شدم

چه کسی گفت پریشان نشدن خوب تر است

مدیون لب جانان نشدن خوب تر است

دم به دم گریه ی باران نشدن خوب تر است

ظرف یک ثانیه توفان نشدن خوب تر است

هر کسی گفته غم نام ترا نشنیده

حرفی از سلسله احکام تو را نشنیده

قبل از این که برسی اشک همه در آمد

یعنی از معجزه ات کوثر دیگر آمد

بر سر بال و پر سوخته ها پر آمد

شاه از در نرسید این همه نوکر آمد

دست بر سینه به فرمان نگاهت دارند

سر روی آینه ی تربت راهت دارند

ما که هستیم تو را قلب خدا می خواهد

خوب ها هیچ که هر بی سر و پا می خواهد

اشک حاجت که بهانه است تو را می خواهد

پشت در هم بروی باز گدا می خواهد

چشم پر شرم کرم خانه خرابش بکند

وای یکبار شده یار خطابش بکند

ای مناجات پر از عاطفه های عرفه

دست بالا ببر ای مرد خدای عرفه

تا که شرمنده شود جای به جای عرفه

از صدای سخن عشق دعای عرفه

خوشتر از صوت دل انگیز ترا نشنیدیم

یادگاری است که در هیچ کجا نشنیدیم

من اگر در حرم روضه نبارم چه کنم

دست من نیست که از فصل بهارم چه کنم

از ازل خدمت تو شد سر و کارم چه کنم

تا محرم شب و روزم نشمارم چه کنم

همه اجداد من آواره ی آل تو شدند

یک به یک ایل و تبارم همه مال تو شدند

وسط روز دهم زمزمه ی باران بود

جنگ بین همه ی کفر و همه ایمان بود

کار تو منجی انسانیت انسان بود

کار تو کار نبوده است که کارستان بود

نور حق از افق خاک تو در می آید

فقط از دست تو این معجزه بر می آید

داغ چشمان تو گل های معطر داده

کربلا سوخت ولی از نفست بر داده

دست هایت به خدا اکبر  و اصغر داده

به سر نیزه بی حوصله هم سر داده

سر به داری که شبیه تو شود آخر کیست

هیچ کس پیش تو محبوب تر از زینب نیست

سر به زیرند پس از بی سریت گردن ها

بعد عریانی تو وای به پیراهن ها

خاک بر حال و به فردا به همه بعداً ها

اف بر این زندگی مرده به این آهن ها

بعد تو هیچ نداریم علم را بفرست

منتقم صاحب آن تیغ دو دم را بفرست[[23]](#footnote-23)

\*\*\*\*\*\*\*\*8\*\*\*\*8\*\*\*\*\*\*\*\*\*8\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*8\*\*\*\*8\*\*\*

دل من با حسین می باشد ذکر من یا حسین می باشد

کار با من ندارد هیچ کسی صاحبم تا حسین می باشد

پی کارم به عرصه ی محشر صبح فردا حسین می باشد

ما مقامات عشق فتح کنیم تا که با ما حسین می باشد

اولین حرف کودکان بعد از آب، بابا، حسین می باشد

عبدِ دربار تو شدیم حسین ما گرفتار تو شدیم حسین

چه صفا دارد این گرفتاری روزها دارد این گرفتاری

ریشه در اشک های لیلای کربلا دارد این گرفتاری

گر مقرب شوی تو پشت سرش هی بلا دارد این گرفتاری

ابروی یار کار خود بکند شهدا دارد این گرفتاری

خواه ناخواه عاقبت راهی تا منا دارد این گرفتاری

گره خورده دلم به زلفِ حسین مانده ام زیر دینِ لطفِ حسین

با تو بودن ضرر نخواهد داشت این طریقت خطر نخواهد داشت

طالب تیغ تو شود هر کس احتیاجی به سر نخواهد داشت

تو نخواهی اگر بدون شک التماسم اثر نخواهد داشت

ننشینی تو روبروی کسی در غمت چشم تر نخواهد داشت

هر که یک بار آمده حرمت از جهنم گذر نخواهد داشت

آرزوی تمام مایی تو پدر نه امام مایی تو

دامنت را به دست ما برسان عطر سیبی به این هوا برسان

تا نمردیم تا جوان هستیم پای ما را به کربلا برسان

وقت هیئت بیا به دنبالم نوکرت را به روضه ها برسان

تربتی هم بیار همراهت و بر این زخمِ دل، شفا برسان

من که بی آبرویم ای ارباب آبرویی به این گدا برسان

اعتبارم فقط غلامی توست افتخارم فقط غلامی توست

گل زهرا فقط تو را دارم منِ تنها فقط تو را دارم

هم به عقبی تویی هوادارم هم به دنیا فقط تو را دارم

خواب دیدم به شام اول قبر من در آنجا فقط تو را دارم

همه جز تو مرا رها کردند خوب...حالا فقط تو را دارم

گفتی از من جدا نشو، نشدم گفتم آقا فقط تو را دارم

اینکه من نوکرت شدم صد شکر خاکبوس درت شدم صد شکر

گل ریحانه ی علی هستی نمکِ خانه ی علی هستی

زینت و گوشواره ی عرشی دُرِ یکدانه ی علی هستی

می شوی تو خود نبی، وقتی به روی شانه ی علی هستی

نفس فاطمه به تو جاری است روح جانانه ی علی هستی

کوثر از گریه بر غمت پُر شد اصل می خانه ی علی هستی

مصطفی حنجر تو می بوسد شبی هم دختر تو می بوسد[[24]](#footnote-24)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*8\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

نوری به نسل ساقی کوثر اضافه شد

ماهی به روی دامن مادر اضافه شد

مولودی آمد و نمک نان خلق شد

بر رزق سفره ها دو برابر اضافه شد

وقتی که پا به روی زمین زد خدای عشق

از این به بعد واژۀ نوکر اضافه شد

امروز با ولادت ارباب یک نفر

بر شافعان عرصۀ محشر اضافه شد

از معجزات نور وجود حسین بود

بر بال های فطرس اگر پر اضافه شد

با دیدن حسین، حسن افتخار کرد

بر میوه های قلب پیمبر اضافه شد

این شد که ما به نان و نوایی رسیده ایم

از برکت حسین به جایی رسیده ایم

آدم ز گریه بر غم او آبرو گرفت

امشب مسیح از دم او آبرو گرفت

هر کس که گریه کرد برایش عزیز شد

از روضه ها و ماتم او آبرو گرفت

موسی عصا به دست رها کرد طور را

آمد و از محرم او آبرو گرفت

خضر نبی که زندگیش جاودانه شد

از قطره های زمزم او آبرو گرفت

دنیا ز اعتبار مسیح و کلیم و نوح

یا از نگین خاتم او آبرو گرفت؟

من مطمئنم هر که به بالا رسیده است

از ریشه های پرچم او آبرو گرفت

این واژه در تمام جهان نقش پرچم است

ارباب ما معلم عیسی بن مریم است

از آسمان به سوی زمین این ندا رسید

مژده به هم دهید که خون خدا رسید

تکمیل شد حدیث بلند رسول عشق

یعنی که تک ستارۀ اهل کسا رسید

در ازدحام خیل گدا می شود شنید

سلطان عشق، پادشه کربلا رسید

حال و هوای مستی ما بی دلیل نیست

امشب حسین فاطمه ارباب ما رسید

جذب خودش نموده تمامی خلق را

مثل پیمبری که ز غار حرا رسید

امشب تبرکی ز درش خاک می برند

آنان که هر کدام به قومی پیمبرند

حساس بود فاطمه بر گریه های او

بر بوسۀ نبی به تن و دست و پای او

پروانه های سوختۀ دور شمع او

جبریل می شوند همه از دعای او

صدها مسیح دم همه بیمار او شدند

حلقه زدند بر در دار الشفای او

ثابت شود به خلق ازل تا ابد که نیست

خاکی شبیه تربت کرببلای او

ما که بهشت را همگی لمس کرده ایم

هر شب میان گریه و در روضه های او

وقتی که ذره پروری اصل صفات اوست

پس سینه زن شدن یکی از معجزات اوست

بر سینه غیر نام تو را حک نمی کنیم

از بین سینه عشق تو منفک نمی کنیم

هر کس که در مقابل تو صف کشیده است

ما به حرامزادگی اش شک نمی کنیم

خود را به پیش هیچ کسی جز خود شما

آقا به جان فاطمه کوچک نمی کنیم

ما سیب سرخ سینه خود را حسین جان

با معصیت به عشق شما لک نمی کنیم

لطف تو بود بر دل مسکین پناه داد

ما را رقیه ات سر این سفره راه داد[[25]](#footnote-25)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

چه سایه سار پر از لطف و رحمتی داری!

به جمع سایه نشینان عنایتی داری

غبار تربت تو با دم مسیح یکی ست

عجب دوای عجیبی چه تربتی داری!

در آن جمال علی وار و نور زهرایی

عجب شکوه و جلالی چه هیبتی داری!

به عشق تو همه عالم شده حسینیه

چقدر مجلس روضه، چه هیئتی داری!

بدون این که عتابم کنی، عطا کردی

چقدر خوب و کریمی چه عادتی داری!

چقدر بنده نوازی چقدر آقایی!

چقدر حضرت آقا شبیه زهرایی!

کبوتر دل من پر زده به سوی حرم

مگر که اوج بگیرد دوباره روی حرم

خدا کند که بیایم دوباره پا بوست

خدا کند که نمیرم در آرزوی حرم

اگر چه خیر ندیدی تمام عمر ز من

وجود من زده لطمه به آبروی حرم ...

... تو را دوباره قسم می دهم به عبّاست

تصدّقی سرِ حضرتِ عموی حرم

بده اجازه شبی باز زائرت باشم

و روی خاک بیافتم به روبروی حرم

منی که خاک توام دلبر ثریّایی

تویی در اوج، که آقا شبیه زهرایی

در اعتکاف نشستم به پای چشمانت

منی که بوده دلم مبتلای چشمانت

هزار بار بگردان مرا به دور سرت

فقط به خاطر درد و بلای چشمانت

اشاره ای نه، نگاهی نه، من دلم راضی ست

به یک بهم زدن پلک های چشمانت

تو آمدی و علی و پیمبر و زهرا

شدند زائر کرب و بلای چشمانت

تو یک نگاه کن آقا ببین که بعد از آن

هزار بار بمیرم برای چشمانت

علی تو را بغلت کرد و مات روی تو شد

صدا زد ای گل بابا فدای چشمانت

و خیره ماند روی چشم های رویایی

به اشک شوق صدا زد شبیه زهرایی

تمام محو تماشا شد عالم ایجاد

دمی که قابله قنداقه را به زهرا داد

مدینه سبز شد و خانه سبز و دنیا سبز

و با حضور تو شد این جهان حسین آباد

شب تولدت آقا تولد گریه ست

شبی که پرده ز چشمان مادرت افتاد

تو را گرفت غریبانه بین آغوشش

به روی دست شریفش تو را تکان می داد

و دید لحظه ی تلخ غروب عاشوراست

شکست بین گلوی شریف او فریاد

هوا ز باد مخالف چو قیرگون می شد

حسین فاطمه از اسب بر زمین افتاد

و دید جسم تو را که میان صحرایی

به سینه می زد و می گفت: عشق زهرایی[[26]](#footnote-26)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

روز ازل که قسمت ما را نوشته اند

ما را به نام حضرت دریا نوشته اند

کار جنون ما به تماشا کشیده است

ما را غبار محمل لیلا نوشته اند

بر روی بال های تمام فرشتگان

از سرگذشت عاشقی ما نوشته اند

یوسف کجاست تا سر خود را فدا کنیم

ما را ز دودمان زلیخا نوشته اند

گیرم نوشته اند که ما هم کسی شویم

تنها به خاطر دل زهرا نوشته اند

روز ازل مقابل اسمی که تا ابد

یک یا حسین گفته مسیحا نوشته اند

هم چون تو را حسین دو عالم ندیده است

مثـل تو را به خاک دو دنیا ندیده اسـت

آن جلوه ای که نور تو را آفریده است

در پیش خویش قبله نما آفریده است

حتی تمام بود و نبودی که هست و نیست

محض گل جمال شما آفریده است

یک کعبه را برای خودش خلق کرده است

شش گوشه را به خاطر ما آفریده است

تا قبله را برای همیشه نشان دهد

در خاک خویش کرببلا آفریده است

جبریل زیر پای تو فهمیده است غیب

این بال را برای کجا آفریده است

مردم خدا شنیده ولیکن ندیده اند

ما دیده ایم آن چه که مردم شنیده اند

تو انتهای جاده قالوا بلی شدی

زهرا شدی علی شدی و مصطفی شدی

روزی که هر فرشته بر آدم به سجده رفت

ای سرّ ناگشودۀ حق بر ملا شدی

در سایه سار جلوه ات عباس قد کشید

یعنی چقدر بی حد و بی انتها شدی

ما قسمت همیم خدا خواست این چنین

ما بر تو مبتلا تو به ما مبتلا شدی

ما قسمت همیم که با عمر روزگار

ما دردمند عشق و تو دارالشفا شدی

دیدی که بی کسیم و نداریم دل خوشی

همسایۀ قدیمی این چشم ها شدی

چون فطرسیم گر چه به زنجیر می شویم

شکر خدا به پای شما پیر می شویم

روز الست، روز ازل، لحظه های عشق

روزی که آفریده شد عالم برای عشق

روزی که آفرینش گیتی تمام شد

آغاز شد به دست خدا ماجرای عشق

بودیم گر چه در دل سر گشتگان ولی

کم کم شدیم بین همه آشنای عشق

چشمی میان آن همه ما را سوا نمود

دل را ربود و داد دلی مبتلای عشق

دستی به روی شانۀ مان خورد و ناگهان

ما را صدا نمود کسی با صدای عشق

روز الست لحظه ی آغاز عاشقی

ما را خدا نمود اسیر خدای عشق

عکس خدا نشسته بر آیینه هایمان

روز ازل حسینیه شد سینه هایمان

هستی بهانه بود كه سِرّی بیان شود

مستی بهانه بود كه ساقی عیان شود

خلقت ادامه یافت و رازی گشوده شد

تا معنی وجود زمین و زمان شود

با دست غیب برق ظهورت نوشت عشق

وقتش رسیده نوبت دیوانگان شود

قلب مدینه می طپد از خاك پای تو

جارو كش همیشه ی این آستان شود

حتی بهشت با سر مژگان رسیده است

تا قبله گاهِ وسعت هفت آسمان شود

تو حیدری، تو فاطمه ای، تو پیمبری

سوگند بر خدا كه خداییش محشری!

بی تو هزار گوشه ی دنیا صفا نداشت

اصلاً خدا بدون تو این جلوه را نداشت

گیرم هزار کعبه خدا خلق می نمود

چنگی به دل نمی زد اگر کربلا نداشت

حتی ز معجزات مسیحا خبر نبود

مشتی اگر ز خاک قدوم شما نداشت

بی تو هوای خانه ی زهرا گرفته بود

این قدر جلوه جاذبه ی مرتضا نداشت

شکر خدا که خانۀ تان هست روی خاک

ور نه زمینِ تیره که دارالشفا نداشت

مجموعه ی خصائل بی انتها شدی

یك جا تمام سلسله ی انبیا شدی

گیرم بهار نیست دمی جان فزا که هست

گیرم بهشت نیست غبار شما که هست

بر خشت خشت كعبه نوشتند با طلا

گیرم كه قبله نیست ولی كربلا كه هست

در ازدحام خیل گدا جا اگر کم است

تشریف آورید دو چشمان ما که هست

جایی اگر نبود خدا را صدا کنید

باب الجواد و سایه ی ایوان طلا که هست

کوتاست سقف عالم اگر وقت پر زدن

غم نیست روی گنبد و گلدسته ها که هست

خوش گفته اند قطره که دریا نمی شود

هر یوسفی که یوسف زهرا نمی شود

تو آمدی قیامت کبری رقم زدی

بر تارُک همیشه ی عالم علم زدی

می خواستی كه رَشك بَرَند دیگران به من

زلف مرا گره به نسیم حرم زدی

حس می کنم میان دلم بوی سیب را

از آن زمان که در حرمِ دل قدم زدی

می خواستی که شعله بگیریم بی امان

آتش به جان هر غزل محتشم زدی

با شیر، طعم روضه تان را چشیده ام

وقتی سری به چشم ترِ مادرم زدی

مجنون کوچه های غمم دست من بگیر

دل تنگ دیدن حرمم دست من بگیر

تو تشنه و دریغ ز یک جرعه آب، آه

تو تشنه و تمامی صحرا سراب، آه

در زیر نیزه های شکسته نهان شدی

با زخم های تازه تر و بی حساب، آه

یک سو صدای العطش آرام می رسید

یک سو صدای هلهله ها در شتاب، آه

یک سو صدای ضجه ی زینب بلند بود

یک سو صدای مادرت اما کباب، آه

یک سو علم به خاک و علمدار غرق خون

یک سو به روی نیزه عزیز رباب، آه

كم كم نگاه بر بدنت سخت می شود

كم كم نفس زدنت سخت می شود[[27]](#footnote-27)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

جهان گردیده دریای كرامت شب جشن است یا صبح قیامت

تو گویی ملك نامحدود هستی چراغانی ست از نور امامت

ملك، جن، آدمی بستند امشب سراسر بر نماز شكر قامت

بهشت وحی، آبادِ حسین است مبارك باد، میلاد حسین است

عروج کل هستی تا حسین است محمد گرم شادی با حسین است

تمام آرزوهای محمد تمام هستی زهرا حسین است

نماز شكر خلقت، شادمانی دعای آفرینش، یا حسین است

محمد در بغل آیینه دارد علی قرآن به روی سینه دارد

سلام الله بر قدر و جلالش خدا را چشم بر ماه جمالش

پر جبریل می‌سوزد به برقی كند گر قصد معراج كمالش

زمان تا حشر با مهرش هم آغوش قیامت هم بود صبح وصالش

لبش سرچشمۀ نوش محمد عروجش بر سر دوش محمد

لبش با دوست در راز و نیاز است ولای او قبولی نماز است

میان انبیا تا صبح محشر محمد زین ولادت سر فراز است

ز كوی او همه درهای رحمت به روی انس و جان پیوسته باز است

قیامت، در قیامت بندۀ اوست شفاعت لاله زار خندۀ اوست

به شعبان المعظّم ماه دادند بشر را رهبری آگاه دادند

به جسم آفرینش جان تازه به چشم دل چراغ راه دادند

به ثارالله، ثارالله دیگر به وجه‌الله، وجه‌الله دادند

محمد نقش لبخندت مبارك علی میلاد فرزندت مبارك

دل عالم گرفتار حسین است محمد محو دیدار حسین است

به بازار محبت صحنه صحنه دوصد یوسف خریدار حسین است

خدا با دست قدرت تا قیامت علم گیرو علمدار حسین است

دو عالم سایه‌ای از پرچم اوست محرّم نه، زمان ماه غم اوست

تو خون در جسم توحید آفریدی تو بانگ ارجعی از حق شنیدی

تو قرآن را ز نوك نیزه خواندی تو مقتل را به مهد ناز دیدی

تو عزّت را، شرف را، روح دادی تو ذلّت را سر از پیكر بریدی

تو وقتی بر شهادت خنده كردی تمام انبیا را زنده كردی

شهادت بوسه زد بر پیكر تو ولادت یافت خون از حنجر تو

چهل منزل به دنبال خدا رفت به نوك نیزة دشمن سر تو

به حلق تشنه‌ات، قرآن هماره خورد آب حیات از ساغر تو

شهادت می‌دهم نزد خدایت تو خون دادی، خدا شد خونبهایت

تو خود احیا گر اسلام نابی درون تیرگی‌ها آفتابی

تو در رگ‌های قرآن خون پاكی تو بر گلزار سبز وحی آبی

تو در هر فصل ایمان را بهاری تو در هر نسل روح انقلابی

تو با هر زخم فریاد خدایی تو روی نیزه هم یاد خدایی

شهادت خطّ سرخ خامۀ ماست خط تو، مشی تو، برنامۀ ماست

پس از هیهات منّا الذّلة تو كفن پیراهن و خون جامۀ ماست

هزار و نهصد و پنجاه زخمت به موج خون زیارتنامۀ ماست

تو حجّی، تو صلاتی، تو زكاتی تو اسلام محمد را حیاتی

خوشا آنانكه در خون پا فشردند به عشقت از دل و جان سر سپردند

به دین زندۀ ما مرده آن است كه گوید كشتگان عشق مردند

همیشه میوه‌های نخل میثم ز خون عاشقانت آب خوردند

ویَبقی وجه ربّك دولت تو است تمام آفرینش ملت تو است[[28]](#footnote-28)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امشب شب نزول تمام ملائک است

باور کنید بخت، به کام ملائک است

هم کوثـر ولایـت و هم بادۀ بهشت

پیوسته بحر بحر به جام ملائک است

بــارد بـرات عفــو الهـی ز آسمـان

صبح قیامت است، قیام ملائک است

بر هـر ملک کـه می‌نگرد از چهارسو

چشمش به ماه روی امام ملائک است

امشب ز صد هزار شب قدر، بهتر است

قنداقـۀ حسین بـه دسـت پیمبر است

ملک وسیـع حـق، یـم عفو عنایت است

لبریــز، آسمــان ز فـروغ ولایـت است

هر سوره‌ای که می‌نگرم صورت حسین

هر آیـه در ولادت او یـک ولایت است

نور حسین، ارض و سما را به بر گرفت

این نور، همچو نور خدا بی‌نهایت است

دوران تیـرگی و ضلالت بـه سر رسید

امشب شب طلوع چراغ هـدایت است

این شمع جمع محفل اولاد آدم است

این کشتی نجـات غریقان عالم است

پیغمبـران همـه شـده محو نظاره‌اش

صف بسته‌انــد دور و بـر گاهـواره‌اش

این است آن سپهر ولایت که وقت صبح

خورشید و ماه گشته به دور ستـاره‌اش

خلـق زمیـن و اهـل سمـاوات، تـا ابد

مرهون لطف و مرحمت بـی‌شماره‌اش

بالله عجیب نیست که در روز رستخیز

دوزخ بهشت گـردد بـا یـک اشاره‌اش

در روز حشر با کَرَم خود چه‌ها کند

ترسـم ز نار، قاتل خود را رها کند

ملک وجود بسته به یک تار مـوی او

گل کرده بوسه‌های محمّد به روی او

این است کعبـه‌ای که تمامی کائنات

بگرفته‌انــد دست توسـل به سوی او

صورت نهد به خـاک قدم‌هـاش آبرو

تـا کسب آبــرو کنــد از آبــروی او

هرجــا کـه انبیـا بنشیننـد دور هـم

باشد چراغ محفل‌شان گفت‌وگوی او

باید نـدا دهیم کـه عالم حسینی است

بالله قسم! رسول خدا هم حسینی است[[29]](#footnote-29)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

در معرکه ی عشق عجب حال و هوایی ست

در محفل عشاق چه شوری چه صفایی ست

دل ها ز نوایی به طرب آمده امشب

آوای خوش عشق رسیده، چه نوایی ست

در پشت در خانه ی مولا چه خبر هست

هر کس که می آید به کفش ظرف گدائی ست؟

در کون و مکان بوی خوش سیب می آید

دل ها همه سرمست می کرببلایی ست

از نور وجودش همه جا تحت شعاع است

این جلوه فقط جلوه ی انوار خدایی ست

امشب همه لیلاصفتان غرق سجودند

مجنون شده ی صورت ارباب وجودند

از مشرق و از مغرب عالم همه امشب

چون فطرس پرسوخته در زمزمه امشب

به به چه خبر گشته شب شهر مدینه

در سینه ی یثرب شده غم خاتمه امشب

در عالم بالا همه مستند و خرابند

بر عرش رسیده بخدا قائمه امشب

رخسار نبی، روی علی، صورت زهرا

در صورت او گشته نمایان همه امشب

در خانه پر عشق علی گشته نمایان

لبخند خدا روی لب فاطمه امشب

نه یوسف و نه یونس و نه نوح و نه آدم

سرمست حسین است تمامی دو عالم[[30]](#footnote-30)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

برسانند اگر تربت دلداران را

در می آرند ز هر دلهره بیماران را

همه سرمایه ی یك اهل كرامت كرم است

احتیاجی به دِرَم نیست، كرم داران را

یوسف آن است كه از تخت تنزل نكند

بارها گر بفرستند خریداران را

در بهشتِ تو چرا حرف جهنم بزنیم

قلم عفو بگیرید گنه كاران را

سر كه گرم است پی كار تو دل هم گرم است

باز دلگرم تو كردند سرِ یاران را

كورتر كن گره ام را، نكند باز كنی

وا مكن از سر خود جمع گرفتاران را

گریه تا هست حرام است نماز باران

چه خیالی است بگیرند اگر باران را

بعد از این پیرهنی با یقه ی تنگ مپوش

خون مكن این جگر سرخِ هواداران را

×××

رب الارباب شد، الله صفاتی كه رسید

شد حسین ابن علی جلوه ی ذاتی كه رسید

بود منظور همان گریه برای ارباب

اندر آن ظلمت شب آب حیاتی كه رسید

ظاهرش كرب و بلا، باطنش عرش الرّحمان

اذن معراج شد آن برگ براتی كه رسید

كرمت دست نینداخت مرا دست گرفت

طیب الله به كشتی نجاتی كه رسید

بیشتر از همه تو گردن ما حق داری

به دلیل همه ی این بركاتی كه رسید

لبم از مهریه ی فاطمه سیراب نشد

تشنه تر كرد مرا آب فراتی كه رسید

×××

بال فطرس به عنایات تو پر می گیرد

تا غلام تو شود بال سفر می گیرد

دل ما خرج كه شد قیمت آن بالا رفت

سنگ در كنج حرم، قیمت زرّ می گیرد

بهترین سود همین است كه در چشم تر است

به تو دل می دهد و چند گُهر می گیرد

چقدر زود درِ خانه ی تو ریخته اند

وقت خیرات، گدا زود خبر می گیرد

بین فرزند و غلامت نگذاری فرقی

كرم تو همه را مدِّ نظر می گیرد

چقدر فاطمه تشنه ست در این شش ماهه

انَا العطشان تو انگار جگر می گیرد

×××

اَرنی گفتنم از هر سخنم می آید

ولی از سمت تو هر بار لَنی می آید

كاروان راه مینداز، بمان تا برسم

دارد از راه اُویس قرنی می آید

تا زمین های یمن مِهر علی را دارند

به قنوت تو عقیق یمنی می آید

كرم ذاتی دست تو از آن جانب در

قبل هر گونه عرق ریختنی می آید

رنگ هر آن چه ببافد به تنت سرخ بُود

به تو از فاطمه هر پیرهنی می آید

پیرهن نیز به جسم تو افاقه نكند

به تو انگار همان بی كفنی می آید[[31]](#footnote-31)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم، میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)**

گر غم به دلت داری، غمخوار اباالفضل است

دل را نده بر هر کس، دلدار اباالفضل است

مجموعه ی تقوا و ایثار اباالفضل است

در لشکر ثارالله، سردار اباالفضل است

آری ادبش را او از ام بنین دارد

صد خادم درباری چون روح الامین دارد

از قامت او پیدا روی پدرش باشد

هر خصم فراری از تیغ و سپرش باشد

نذر پسر زهرا دستان و سرش باشد

خورشید حسین است و این هم قمرش باشد

شد ماه بنی هاشم تنها لقب عباس

مهتاب خورَد غبطه، بر خال لب عباس

تیغ و علمِ حق است تیغ و علم عباس

لرزه به جهان افتد با هر قدم عباس

در پای نهال دین چون ریخت دم عباس

محشر به کف زهراست دست قلم عباس

تا دست جدای او در حشر عیان گردد

هر عبد گنهکاری بخشیده به آن گردد

ای کاش بیایم من تا به حَرَمت ساقی

بر مادر تو زهرا دادم قسَمت ساقی

یک روز بمیرم من زیر قدمت ساقی

بنما نظری گردم سیراب یمت ساقی

از باده ی تو امشب مستم من و آشوبم

سر بر در میخانه از عشق تو می كوبم[[32]](#footnote-32)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بهانه شد که دوباره گدای تو بشویم

خدا کند که همیشه برای تو بشویم

تمام هستی خود را دهیم جا دارد

که زائر حرم باصفای تو بشویم

چه می شود که به ما هم دهند، پر که فقط

کبوتر روی گلدسته های تو بشویم

خدا کند که به ماهم اجازه ای بدهند

که مثل ماه و ستاره فدای تو بشویم

بیا به خاطر زینب نگاه کن ما را

که صید هر شبه چشمهای تو بشویم

خدا گواست که ما خاک پای مان عرش است

اگر به لطف خدا خاک پای تو بشویم

تو صاحب علم کربلای اربابی

عموی تشنه لب بچه های اربابی

امام ما سپری مثل تو نخواهد داشت

شب غمش سحری مثل تو نخواهد داشت

حسین مثل پیمبر، تو هم مثال علی

و شهر عشق دری مثل تو نخواهد داشت

اگر که سینه دریا پر از صدف باشد

بدون شک گهری مثل تو نخواهد داشت

شجاعت علوی را تو ارث بردی چون

که مرتضی پسری مثل تو نخواهد داشت

رسیدی و شب ما مثل روز روشن شد

چون آسمان قمری مثل تو نخواهد داشت

دو دست دادی و جایش خدا به تو پر داد

نه، جبرئیل پری مثل تو نخواهد داشت

تو عشق زینبی و تا همیشه ماه حسین

نوشته اند تو را حیدر سپاه حسین

فرات مشک تهی و تویی که دریایی

تو ماه ام بنینی ز نسل زهرایی

جمال هاشمیان در مدینه معروف است

میان هاشمیان واقعا تو زیبایی

همین که پیش علی راه می روی آقا

چقدر هیبت تو می شود تماشایی

علی ست ساقی کوثر، تو ساقی عشقی

رقیه عشق حسین و به عشق سقایی

همه رعیت عشقیم و پادشاه تویی

خوشا به حال تو آقا چقدر آقایی

اگر چه مُهر امامت نخورده در لوحت

ولی به کل خلائق امیر و مولایی

ببند گردن من را به پای زنجیرت

بیا بزن سر من را حلال شمشیرت

علی که دید تو را یاد خیبرش افتاد

به یاد نغمه الله اکبرش افتاد

میان چشم تو مولا چه صحنه ها که ندید

نگاه او به رخ سیب نوبرش افتاد

کسی که تیغ کشید و به جنگ تو آمد

سرش بریده شد و در برابرش افتاد

تو نعره می زدی و لشگری به هم می ریخت

رجز که خواندی حسین یاد مادرش افتاد

اگرچه تیغ نبردی ولی همه دیدند

به تیغ ابروی تو دشمنت سرش افتاد

کسی ندیده چنین تیغ تیز برانی

تو با صدای علی می کنی رجز خوانی[[33]](#footnote-33)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

الا ملائکه ریزید بر زمین گل یاس

برید سجده به بیت الولای خیر الناس

کنید بوی خدا در فضای آن احساس

سپس تمام بگویید با درود و سپاس

سلام یوسف زهرا به حضرت عباس

که نور داده ز حسنش به دیده ی سه امام

بهشت آرزوی مرتضی ثمر داده

خدا به حضرت ام البنین پسر داده

شجاعت و ادب و عشق را پدر داده

بگو به حیدر خود حیدری دگر داده

هر آنچه وصف کنم باز خوبتر داده

که در کنار دو خورشید ، اوست ماه تمام

خصال و خلق و سجایای او تمام، حسین

کمال و معرفت و منطق و مرام، حسین

شب ولادت ، ذکر خوشش سلام، حسین

از او گرفته به هر حال احترام، حسین

به روی لوح دلش حک شده امام حسین

که بی حسین نمی گشت لحظه ای آرام

سلام بر شب فرخنده ی ولادت او

درود حضرت معبود بر عبادت او

پس از ائمه ندارد کسی سیادت او

شب ولادت او حاکی از شهادت او

کرم سجیه و احسان و جود عادت او

چنان که مهر کند بذل نور خویش مدام

قدش قیامت کبری رخش چراغ هداست

جمال شیر خدا در جمال او پیداست

دو دست کوچک او بوسه گاه دست خداست

به هر نفس طپش قلبش این خجسته نداست

که دست و دیده ی من وقف سید الشهداست

مرا لباس شهادت خوش است بر اندام

تمام عمر مرا یا حسین زمزمه بود

به جز حسین وجودم بریده از همه بود

ز تیر و نیزه و خنجر مرا چه واهمه بود

که از نخست دلم در کنار علقمه بود

هماره گوش دلم را صدای فاطمه بود

که می نمود به فرزندی اش مرا اعلام

چه افتخار از این به که در برابر من

عزیز فاطمه گوید به من برادر من

هماره سایه ی او مستدام بر سر من

کنیز مادر او بود و هست، مادر من

چه قابل است سر و دست و جان و پیکر من

که اوفتد به قدمهای آن امام همام

مراست با لب خشکیده فیض دریایی

غلامیم به حسین است اوج آقایی

گرفتم از کرمش افتخار سقایی

از آن هماره رخم را بود شکوفایی

که بوده مادر من از نخست زهرایی

حضور زینب او نیز می نمود قیام

سلام بر تو که خالق به خلقتت نازد

سلام بر تو که قرآن به عصمتت نازد

سلام بر تو که حیدر به غیرتت نازد

قمر هماره به خورشید طلعتت نازد

فرات بر ادب و صبر و همتت نازد

تو عبد صالحی و از خدات باد سلام

سلام جود و کرم بر تو و کرامت تو

سلام بر تو و ایثار و استقامت تو

سلام بر ادب و غیرت و شهامت تو

پس از ائمه امامت بود امامت تو

به روز حشر قیامت بود قیامت تو

که راست شد به قیام تو قامت اسلام

تو از تمام شهیدان حق سری عباس

تو از مدیحه و توصیف برتری عباس

تو دست و بازو و شمشیر حیدری عباس

تو ساقی حرم و میر لشکری عباس

تو بر سفینه ی توحید لنگری عباس

سلام بر تو و بر این همه جلال و مقام

تو باب حاجت و ماییم سائل کرمت

هماره مرغ دل ماست زائر حرمت

تمام کرببلا زیر سایه ی علمت

فرات بوسه زده موج موج بر قدمت

به فیض دائم و لطف و عطای دم به دمت

به «میثمت» کرمی ای کرامت از تو تمام[[34]](#footnote-34)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بـاد از جــانـب صـــحرا خـــبری آورده

آسـمان قـید نزولش خدمه باران است

ابرهامان همه در معرض اشک شوق اند

و زمیـن چـشم به راه قـدم بـاران اسـت

بر روی خـاک پر و بـال ملـائـک پـهن اسـت

از مـسـیر گــذر اُمِّ بـنین آمــده انــد

هـمه دور سـر ایـن مـاه پسـر می گـردند

دسـت بـوس پـسر اُمِّ بـنین آمـده انـد

در توان چه کسی هست که با آمدنش

خلق را وجه ی او سر به سجود آورده

فاطــمه بـنت اسـد اُمِّ اسـد گــردیــده

کودکــی هــای علــی را بـه وجــود آورده

خــانه با آمدنــش رونق بـــسیار گــرفت

باغ را عــطر گل یـــاس بـــهاری کـــرده

ســـالها منتـــظر آمدنـــش زیــــنب بود

روی او فــــاطمه ســـرمایه گــذاری کرده

نه فقـــط شیـــعه به او بــاب حـوائج گوید

از دخیل نگــهش گـَـبر مســـلمان گــردد

دســــت او پنجـره فولاد همه ادیان است

او اشـــاره کــند ایران هـمه سلمان گردد[[35]](#footnote-35)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

حیدر امشب دوباره بابا شد طفلی آمد و زود آقا شد

مادری با ادب پسر آورد خوش به حال دل گداها شد

از همان بچگی مؤدب بود نوکر بچه های زهرا شد

تا دم آخرش حسینی ماند تا قیامت به هر دلی جا شد

"یا حسین" اولین کلامش بود بی زبان حرف زد، مسیحا شد

دل ربود از تمام دریاها بی عصا زد به آب، موسی شد

آب ها عشقشان همین شده است پسری که رسید و سقا شد

قمر آمد به پیش پاهایش کلِّ هفت آسمان زجا پاشد

تا ببوسد جمال رویش را فلکِ قد کشیده هم تا شد

تا نخندیده بود ابو فاضل خنده زیبا نبود، حالا شد!

خنده کرد و حسین هم خندید بَه که این صحنه ها چه زیبا شد!

آن طرف پشت کفر می لرزید بچه شیری رسید و غوغا شد

کوری چشم حرمله امشب چشم ناز اباالادب وا شد!

دیگر اینجا غزل کم آورده مثنوی عهده دار معنا شد

چند سالی گذشت این آقا شد شبیه جوانیِ بابا

حیدری، مرد، مردِ آب آور یک طرف او، مقابلش لشکر

تا ازین وَر اباالادب می رفت دشمن آن سو عقب عقب می رفت

رفت و برگشتِ تیغِ او می کشت زره اش مثل مرتضی بی پشت

"یک نفر آمد و دوتا برگشت" با هم آمد جدا جدا برگشت

خنجرش عرصه را به هم می ریخت دست و پا و سر و قدم می ریخت

خنجرش نه، فقط غضب می کرد و حریفش ز ترس تب می کرد

قصه آمد رسید آنجا که ظهر روز دهم و سقا که ...

حیدر آماده کرده بود او را تا بماند برای عاشورا

آفریده شده برای حسین دست و چشم و سرش فدای حسین...[[36]](#footnote-36)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

باز انگار جهان حادثه در سر دارد

شهر یثرب سبدی یاسِ معطر دارد

جبرئیل است که تکبیر مکرر دارد

کودکی آمده که هیبت حیدر دارد

چه جمالی چه کمالی چه قد وبالایی

ماه مجنون و تو لیلا تر از لیلایی

وصف اوصاف تو از عقل فراتر باشد

چون که مدح تو فقط کار برادر باشد

عاشق آن است که آیینه دلبر باشد

یعنی عباس خودش یک تنه حیدر باشد

تیر ما گر بخورد کنج هدف خوب تر است

کربلایی شدن از راه نجف خوب تر است

آمدی با دل دریا که تو دریا باشی

آمدی نور دل حضرت مولا باشی

میر و سردار و پناه دل آقا باشی

تا که بر تشنه لبان حضرت سقا باشی

یاد دادی به همه شیوه ی جانبازی را

از تو آموخته ام غیرت و سربازی را

راهی علقمه سقا شده ماشاالله

دشت در دشت چه غوغا شده ماشاالله

جنگ خیبر شده٬ مولا شده٬ ماشاالله

بیش از پیش چه زیبا شده ماشاالله

تیغ می راند و تکبیر اباعبدالله

ذکر لاحول ولا قوة الا باالله[[37]](#footnote-37)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای نخل ادب ثمر مبارک وی بحر شرف گهر مبارک

ای شمس ولا قمر مبارک ای طور علی شجر مبارک

ای عشق و وفا پدر مبارک ای شیر خدا پسر مبارک

میلاد حسین دیگر آمد الحق که دوباره حیدر آمد

این کیست؟ برادر حسین است این شیر دلاور حسین است

این پاره ی پیکر حسین است این ساقی ساغر حسین است

این روح مطهر حسین است فرمانده ی لشکر حسین است

این ماه امیرمؤمنین است این صورتِ صورت آفرین است

حیدر گل و این پسر گلاب است مه بر سرِ دستِ آفتاب است

از نور به صورتش نقاب است سر تا به قدم ابوتراب است

سردار رشید انقلاب است در دست پدر به پیچ و تاب است

اشکش همه جاری از دو عین است چشمش همه حال بر حسین است

شیرین لب و شور آفریده از دیده و دست، دل بریده

مرغ دلش از قفس پریده آوای حسین را شنیده

خون در دل و اشک در دو دیده پیراهن صبر را دریده

آهنگ وصال یار دارد با خون خدا قرار دارد

آغوش علی بود مقامش از حضرت فاطمه سلامش

ما سائل و او کرم مرامش او ساقی و چشم ماست جامش

عشق و ادب و وفاست نامش بگرفت چو در بغل امامش

دیدند دو مهر منجلی را رخسار محمد و علی را

عباس همان عزیز زهراست عطشان لب او همیشه دریاست

او ماه ستارگان صحراست فرمانده و پاسدار و سقاست

دور از شهدا اگر چه تنهاست تا حشر، چراغ انجمن هاست

دل، مُشت گِلی ز کربلایش جان، زائر گنبد طلایش

دریا چو کَفَش کَرم ندارد بی او که حرم حَرم ندارد

اسلام به کف عَلَم ندارد تا هست، حسین غم ندارد

در بین سپاه، کَم ندارد باک از عرب و عجم ندارد

او شیر خدای را بود شیر فرزند کرامت است و شمشیر

ای حیدر حیدر ولایت ای صاحب سنگر ولایت

ای حامی و یاور ولایت سر لشکر بی سر ولایت

فرزند و برادر ولایت عباسِ دو مادر ولایت

تو چار امام را معینی از روز نخست یار دینی

ماه شهدا به نی سر توست قرآن حسین پیکر توست

باب همه انبیاء درِ توست آغوش حسین سنگر توست

دریا نگهش به ساغر توست خون گلوی تو کوثر توست

سردار سپاه دین به هر عصر تنها رجز تو سوره ی نصر

ای بحر ز آتش تو بی تاب ای آب هم از خجالتت آب

سر تا قدمت حقیقت ناب ابروی تو عشق راست محراب

ما بنده ی کوچک و تو ارباب دریا گوید: مرا تو دریاب

من آبم و تشنه ی تو هستم سقای حرم بگیر دستم

ما و کرم تو یا اباالفضل طوف حرم تو یا اباالفضل

خاک قدم تو یا اباالفضل دریای غم تو یا اباالفضل

مرهون دم تو یا اباالفضل زیر عَلَم تو یا اباالفضل

ای عالم و آدمت سپاهی بر «میثم» خویش هم نگاهی[[38]](#footnote-38)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

دست عاقل ز در میکده ات کوتاه است

ز رموزش دل دیوانه فقط آگاه است

مادرت ام بنین نذر حسینت کرده

سرنوشت تو گره خورده به ثارالله است

قمرت خوانده عرب لیک نمی دانسته

شمس هم سائل نورانیت این ماه است

طی صد مرحله بی همرهی خضر کنم

تا مرا رایت عباس حوالت گاه است ...

مکتبت زینبی و دین تو ثاراللهی

اشهدش ناله و قد قامت آن با آه است

عنصر غالبه ی خلقت تو احساس است

آخرین ذکر سلام همه یا عباس است

مذهبت عشق حسین است و کلامت عشق است

نفست عشق، دمت عشق، کلامت عشق است

تا ابد خلقت تو راز مگو خواهد ماند

خاک در طینت تو نیست تمامت عشق است

آب شد آب ز شرمندگی لب هایت

آن چه معنا شده با خشکی کامت عشق است

در ازل پرتو حسن تو تجلی کرده

آن چه آن روز سند خورده به نامت عشق است

بر جبین تو نوشته است«انا عبدالزهرا»

آن چه وامانده به توصیف قیامت عشق است

پسر فاطمه و فخر علی می باشی

همه مست تو که بین المللی می باشی

همه ی سوته دلان سائل لطف و کرمت

کهکشان ادبی کعبه ی دل ها حرمت

مومنون آمده در وصف تو و ایمانت

صابرون آمده در شان ثبات قدمت

قسم حق شده با روی تو با والقمرش

رایت عرش خدا بوده و باشد علمت

قال حق: "حبّ علی جَنّة" و انت جَنّة

ذوالفقار علوی در کف دست قلمت

ناله اِنکَسر ظهری آن شاه شهید

کوه صبر است که خم شد ز مصیبات غمت

گفت زینب که اخا کاش شود چشمم کور

که چنین پاره بدن غرق به خون ننگرمت

ساقی بی مثلی معنی عشق ازلی

آخر معرفتی حضرت عباس علی

نور می گیرد از آن چره ی زیبا خورشید

محو و حیران شده هر کس که رخ ماهت دید

داده در دست تو ایزد علمش را زیرا

"آسمان بار امانت نتوانست کشید"

شیوه ی چشم شما خانه خرابم کرده

هر که شد اهل غمت، دل ز غم غیر برید

تا ابد ریزه خور خوان توام ای سقا

که ندارم به دو عالم به کسی چشم امید

قبله ی مشترک جمله ی ادیان و فِرق

نیست جز مرقد زیبای اباالفضل رشید

فیض روح القدسی در تو تجلی کرده

که چنین باب حوائج شده ای شاه شهید

قطره ی اشک خداوند جلی گر دل شد

قطره ی اشک علی شیر و ابوفاضل شد[[39]](#footnote-39)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم، میلاد حضرت زین العابدین(علیه السلام)**

سلام! ای سلام خـدا بـر سـلامت!

درود! ای کـلام الهــی، کــلامت!

تو هم سجده؛ هم سیدالساجدینی

که قلب حسین است بیت‌الحرامت

مسلمـان نباشم نبـاشم نبـاشم

ندانـم اگـر بـر خـلایق امـامت

سلام خدا بـر سجـود و رکوعت

درود خـدا بـر قعــود و قیـامت

حجر بر در خانه‌ات قطعه سنگی

مقـام آورد سـر بـه پای مقامت

تو حَجّی صلاتی زکاتی جهادی

تو ممدوح بـا نامِ زین العبادی

تو در تیرگــی‌ها سـراج المنیری

تو همچون پیمبر، بشر را بشیری

سمـاوات و عرشند در اختیـارت

تـو آزادۀ عالمـی، کـی اسیـری؟

تو در کنـج ویرانه‌ها هـم بهشتی

تو در زیــر زنجیرهـا هـم امیری

به پای تو سر کرد خم «سربلندی»

تو تنها به نزدِ خدا سر به زیری

یمِ هشت بحری و درِّ سـه دریا

ولـی خداونــد حــیّ قدیـری

تو «قدر» و «تبارک» تو «فرقان» و «نوری»

تو عیسـی تـو گردون تو موسی تو طوری

تو با خطبه‌ات شام را شـام کردی

تو همچون علی فتح اسـلام کردی

تو از شـام، پیغـام خـون خـدا را

به هر عصر و هر نسل، اعلام کردی

تو بـر روی دشمـن نمـودی تبسّم

تو حتی به «مروان» هم اکرام کردی

تو دل پیش زخـم‌ زبان‌هـا گشودی

تو دعـوت ز سنـگِ لبِ‌ بـام کردی

تو در کوفه یک لحظه دخت علی را

بـه اوج خروشیــدن آرام کــردی

تو با صبر و با حلم و با استقامت

بـه قـرآن بقـا داده‌ای تا قیامت

تو زمزم، تو مروه، تو سعـی و صفایی

تو فرزنـد کعبـه، تـو خیـف و منایی

تو قرآن، تو احمد، تو حیدر، تو زهرا

تـو در حُسـن، آیینـۀ مجتبــایی

امامـی و پیغمبــری از تـو زیبد

کــه تنهــا پیــام‌آورِ کــربلایی

کلامت بوَد وحیِ صاعد چه گویم

تــو از پــای تـا سر کلامِ خدایی

دعـا بــر دهـان و لبت بوسه آرد

همانــا همانــا تــو روح دعـایی

چه بهتر که «میثم» ثنای تو گوید

بـرای تـو خوانـد، بـرای تو گوید[[40]](#footnote-40)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

وقتی که فروغ ازلی دیدن داشت

انوار خداوند جلی دیدن داشت

با دیدن فرزند عزیزش سجاد

لبخند حسین بن علی دیدن داشت

شادی و طرب به دست غم بند زده است

دل را به سرور و عشق پیوند زده است

دیدند زمین و آسمان نورانی است

گفتند مگر حسین لبخند زده است

محبوب حریم حق تعالی آمد

تفسیر گر نور و تجلا آمد

درفصل شکفتنش سروشی می گفت

سجاده نشین عرش اعلا آمد[[41]](#footnote-41)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای اهل دعا! روح دعا باد مبارک

در دیـده تجلای خدا باد مبارک

این عید مبارک، به شما باد مبارک

لبخند امـام شهدا بـاد مبـارک

جان در بدن عالم ایجاد مبارک

آمد به جهان حضرت سجاد، مبارک

ای بانوی ایران پسر آورده‌ای امشب

ای طوبی عصمت ثمر آورده‌ای امشب

در بیت ولایت قمر آورده‌ای امشب

الحق که حسینِ دگر آورده‌ای امشب

بی پـرده ببینید جمـال ازلـی را

تبریک بگوئید «حسین ابن علی» را

حجر و حجر و حلّ و مقام و حرم است این

دریای خروشندۀ جود و کرم است این

در مجمع خوبان دو عالم، علم است این

دردانۀ شه بانوی ملک عجم است این

گردیـد عیـان کوکب اقبـالِ محمّد

چشم و دلتـان روشن، ای آل محمّد

این ماه تمام است، تمام است، تمام است

فرزند قیام است، قیام است، قیام است

ذکر است و سلام است و سلام است، سلام است

بر خلق، امام است، امام است، امام است

این گوهر رخشنده دامان سه دریاست

چارم وصی ختم رُسُل، یوسف زهراست

ایـن ماه، چراغ مـه شعبان حسین است

این بضعۀ ثارالله و این جان حسین است

این لالـۀ خنـدان گلستان حسین است

این آیه بـه آیـه همه قرآن حسین است

این جان حسین است بـدانید بـدانید!

قرآن حسین است بخوانیـد بخوانیـد!

خیزید که از اشک و شعف آینه شوئیم

چون لالۀ خندان سر هر شاخه بروئیم

پرواز کنان تـا حرم الله بپـوئـیم

مانند فرزدق بخروشیم و بگوئـیم

ریزد بـه ثنایش دُر نـاب از دهن ما

تا شام شود روز «هشام» از سخن ما

این است که توحید از او یافت ولادت

دارد بـه وجودش حـرم الله ارادت

داده بـه مقامش ز ازل کعبه شهادت

کردند به مهرش همه حجاج، عبادت

این سیـد و مولا و امام حرمین است

این سبط نبی، پور علی، نجلِ حسین است

این سورۀ قدر و زُمر و یوسف و طاهاست

این سیـد بطحا پسر سیـد بطحاست

این نـور دل فاطمـۀ ام‌ابیـهاست

این نوح و خلیل است و کلیم است، مسیحاست

رخشنده چراغ دل هر انجمن است این

سر تـا بـه قدم آینۀ پنج تن است این

ای یـوسف زهرا شده مبـهوت کمالت!

ای عرش خدا گوشه‌ای از قصر جلالت!

یـادآور خُلق نبـوی، خلق و خصالت

بـا آنکه بـود حلقـۀ زنـجیر مدالت

با آنکه بـه گردن اثـر سلسله داری

آقائی و اشراف بـه هر سلسله داری

غیر از تو که در شام بلا خطبه بخواند

در حلقۀ زنـجیر، عـدو را بـکشانـد

در کاخ ستم یکسره آتش بفشاند

بـر خاک مذلت همگان را بنشاند

تو صاحبِ فریـادِ تـمامِ شهدایی

بر جان ستمگر، شرر خشم خدایی

غیر از تو که در سلسلۀ سخت اسارت

بـر فرق ستمکار زنـد مشت حقارت؟

ویـرانـه کند کاخ ستم را بـه اشارت؟

تـازد بـه سپاه ستم و ظلم و شرارت؟

در خطبۀ تـو خشم خدای ازلی بـود

فریاد خروشان خدا صوت علی بـود

ای سر زده از سینۀ هـر نسل نـدایت

ای زمزمۀ وحی خداونـد، صدایـت

اسلام، رهیـنِ نـفسِ روح فزایـت

در سلسله پیوسته به لب ذکر خدایت

روزی که نبودی خبری از گِل"میثم"

شد بسته بـه زنجیر ولایت دل"میثم"[[42]](#footnote-42)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

از سکوتم صدا درست کنید ذکر یا ربنا درست کنید

ببرید و بیاورید مرا بلکه از من گدا درست کنید

در دلم گر بناست خانه کنید اول این خانه را درست کنید

می شود سنگ دستتان بدهم می شود که طلا درست کنید

هر چه میل شماست تسلیمیم یا خرابم و یا درست کنید

فقر ما را کسی درست نکرد ای کریمان شما درست کنید

بعد از آن که مدینه ام بردید سفر کربلا درست کنید

از لب ما دعا نمی افتد کربلا، کربلا نمی افتد

این قبیله همه شبیه هم اند این کرم زاده ها چه با کرم اند

چه نیازی است تا بزرگ شوند در همان کودکی مسیح دم اند

زنده ام می کنند مثل مسیح بر تن مرده ام اگر بدمند

همه آماده ی بلا هستند جاده های عروج، پیچ و خم اند

عاشقان بیشتر پی نامند عاشقانی که عاشقند کم اند

عاشقان در نگاه آل علی گر اسیرند باز محترم اند

دختران قبیله های عرب خادم شهربانوی عجم اند

عجمی کرده اند جانان را آبرو داده اند ایران را

ای مناجات تا خدا رفته عرش را تا به انتها رفته

کیسه کیسه به شانه نان برده خانه خانه سوی گدا رفته

بی تو معراج هم کسی برود بی وضو محضر خدا رفته

بس که در حال سجده افتاده رنگ پیشانی شما رفته

برکت می رسد، غلامت اگر... سر سجاده ی دعا رفته

چاره ای کن برای ما ور نه رمضان، آبروی ما رفته

آبرو دار پنجم شعبان دارد از راه می رسد رمضان

ای مناجاتی سرای حسین! ذکر آمین ربنای حسین

ای تمام صحیفه ات شرحِ آخرین ناله و دعای حسین

مقتل تو صحیفه ات باشد داده ای شرح کربلای حسین

کاش مثل تو روضه خوان بشویم تا اقامه کنیم عزای حسین

به زبانِ دعا بیان کردی چه کشیدند بچه های حسین

آه تیر سه شعبه و حلق طفل معصوم بی خطای حسین

الامان از حکایت زینب وای از روز ماجرای حسین

چقدر کریه می کنی یعقوب مژه ات ریخته برای حسین

بعد از آن که بدن مرتب شد سر بنه روی بوریای حسین

روی قبرش نوشتی یا مظلوم لک روحی فدا اباالمهموم[[43]](#footnote-43)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سلام عطر خوش دلپذیر سجاده

سلام دلبر سجده، امیر سجاده

سلام سفرۀ پر نعمت دعا خوانی

سلام سفرۀ مهمان پذیر سجاده

سلام تازهٔ شعر و شعور و احساسم

سلام تازه مریدی، به پیر سجاده

چقدر دست مرام من از تو خالی شد

شبی که دور شدم از مسیر سجاده

پیاده می شوم این جا کنار اشکم تا

بیفتم از سر خجلت به زیر سجاده

و یطعمون علی حبه شما هستید

منم یتیم و فقیر و اسیر سجاده

منم فقیر شما یک عطا به من بدهید

مرا اسیر کنید و خدا به من بدهید

شبی كه مثل همیشه خدا تو را می دید

و داشت عرش نمازت ستاره می بارید -

چقدر حجم حضورت وسیع و ناپیدا

که لحظه لحظه در آن جز خدا نمی گنجید

همان شب از نفس سجده های پر نورت

که داشت قامت ابلیس روح می لرزید

به شکل افعی خشمی در آمد و آمد

به گرد پای حضور تو داشت می چرخید

و نیش هم زد و تا از حضور درآیی

ولی چگونه شود نور منفک از خورشید

تو هم علیِّ خدایی و محو محو خدا

که تیر و نیش ندارد به عشق تو تردید

و ناگهان پس از آن اتفاق رویایی

عبای سبز خودش را خدا به تو بخشید

چنان به رحمت خود موج زد به خاطر تو

که بر سواحل پیشانیت صدف پاشید

و بعد روی صدف ها به رنگ آب نوشت

از این به بعد شما زین العابدین هستید

از این به بعد نه، از قبل عالم ذر بود

که سجده های تو در ساق عرش محشر بود

بهشت قطعه ای از تربت زمینت بود

و عرش آینه ای از دل یقینت بود

فرات کوفی، ابوحمزۀ ثمالی ها

زیاد از این صُلَحا توی آستینت بود

صدای آیۀ ترتیل تو که می آمد

خدا هم عاشق اصوات دلنشینت بود

هزار رکعت، هر شب نماز می خواندی

نماز یکسره مهمان شب نشینت بود

هزار دسته ملک در صف عبادت تو

گدای روز و شب زین العابدینت بود

همیشه خاطره عمه در دلت می سوخت

و عکس قافله در چشم نازنینت بود

در آن غروب که عمه اسیر اعدا شد

دل تو خون و شد و سجاده تو دریا شد

چقدر آیه بریزد خدا به نام شما

چقدر معرفت آرد همین سلام شما

مرورتان به خدا از همیشه تازه تر است

برای هر که بخواند به احترام شما

کنار جادۀ دنیا پیاده گردیدم

فقط برای عبودیت مقام شما

به احترام شما از خدا طلب کردم

مرا برد به بهشت پر از کلام شما

کنار مادرتان هم غذا نمی خوردید

چقدر درس ادب دارد این مرام شما

اگر کرامت عالم به دست های شماست

منم گدای شما و منم گدای شما

منم گدای شما و گدای مادرتان

شوم فدای شما و فدای مادرتان

رسیده اید از آن سوی باور ایمان

به روی دوش گرفتید سورۀ انسان

منم که سورۀ افتاده از نگاه توام

منم که دور شدم از نگاه الرحمان

چه می شود که نگاهی به ما کنید آقا

که اسم ما بخورد بر کتیبۀ باران

که یک نفس بزنی تا دلم بهشت شود

که یک نفس بزنی تا دلم بگیرد جان

صحیفه های دعا را به من بیاموزان

که از دل کلماتت در آورم قرآن

خدا که اسم تو را یاد داد بر آدم

منم صدات زدم، صدا زدم با آن –

دو اسم ناز و قشنگت یکی به نام علی

یکی به نام حسین، یابن سید العطشان

علی ترین پسر کربلا نگاهم کن

مرا ستاره ستاره اسیر ماهم کن[[44]](#footnote-44)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

در رحمت ز عرش تا وا شد پر پروازمان محیا شد

رخ یوسف نشانمان دادند دل مجنونمان زلیخا شد

صفحات صحیفه ی نوری ورقی خورد و عشق معنا شد

نفسی زد کسی و بعد از آن تن دنیای مرده احیا شد

رخ خود را نشان عالم داد همه ی اعتبار دنیا شد

قلمم استعاره کم آورد رخ زیباش تا هویدا شد

به زمین ماه مشرقین آمد علی دوم حسین آمد

شب اربابمان سحر دارد به روی دامنش قمر دارد

همه از شوق نو رسیده ی او به لبش خنده ای اگر دارد

شب رویاست نخل امید پدر و مادری ثمر دارد

دل بابا عجیب پر شور است و خدا از دلش خبر دارد

ز نگاهش عموی بی تابش نتوانست چشم بردارد

سر بوسیدن لبان پسر درش میل بیشتر دارد

و به کوری چشم بد نظران پدری باز هم پسر دارد

به دعایش دخیل بسته شده پری از جبرئیل بسته شده[[45]](#footnote-45)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

بیایید عشق را عبادت كنیم

به سجاده عرض ارادت كنیم

در این خشك سال صداقت شبی

دو ركعت محبت تلاوت كنیم

«تمام عبادات ما عادت است

به بی عادتی كاش عادت كنیم»

بیایید نوبت بگیریم و بعد

صف عاشقی را رعایت كنیم

همین كه در این صف نشستیم پس

بیایید شكر ولایت كنیم

شب سوم عاشقی های ماست

دوباره كمی عشق نیت كنیم

مجال عبادت به عالم رسید

بهار مناجاتیان هم رسید

به چشم زمین تا كه مهمان شدی

به عمر پدر راحت جان شدی

تو از مادری آریایی نژاد

و از ما و فرزند ایران شدی

عجم با تو شانی دگر یافت چون

تو فامیل با شهر سلمان شدی

پر از لحظه های ركوع و سجود

و تندیس خاكی ایمان شدی

تو هستی؛ قناعت چه معنا دهد

مگر نه كه لبریز احسان شدی

كریمانه ما را بخر حضرتا

تو كه آبروی كریمان شدی

نوشتم كه مهتاب من آمده

علی ابن ارباب من آمده[[46]](#footnote-46)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

تو آمدی معنا کنی معنا شدن را

زیبا کنی زیبایی و زیبا شدن را

وقتی خدا می خواست با تو گُل کند، تو

ترسیم کردی گل شدن را وا شدن را

تو آمدی تا حضرت آدم نخواهد

زین پس اسیر جذبه حوّا شدن را

آرامش چشم تو یاد نوح داده است

کشتی نشستن را و بر دریا شدن را

تو آمدی هنگام از دریا گذشتن

موسی بیابد علت موسی شدن را

عیسی، مسیحا بودنش را از تو دارد

حتی دلیل حضرت عیسی شدن را

ای نور چشم آل طاها! آمدی تا

برخود ببالد فاطمه زهرا شدن را

تو آمدی تا دختر حیدر بخواند

در چشم هایت زینب کبری شدن را

وقتی لبانت را مکید از شوق، عباس

فهمید آنجا حکمت سقا شدن را

تو خنده کردی و حسین بن علی یافت

در خنده هایت لذت بابا شدن را

تو افتخار و زینت عُبّاد هستی

ابن الحسینی حضرت سجاد هستی

دست قنوتت ربّنا را نور داده است

شور تو اهل آسمان را شور داده است

چشم تو خورشید تمام کهکشان هاست

از هر کجا تا نا کجا را نور داده است

طرز رکوعت، شیوه ذکر و سجودت

دست عبادت پیشه گان منشور داده است

این، دانه های اشک یا تُنگ شراب است

آن چشم ها انگار که انگور داده است

می خواست تا قسمت کند حق مستیت را

هر جام را اندازه مقدور داده است

نطق مرا در وصف تو گویا نموده است

اصلاً زبان را هم به این منظور داده است

غارت مکن قلب مرا با چشم هایت

زخمی است این دل بس که نیشابور داده است

من، بد، ولی در بین خواهان تو ایزد

هم وصله های جور هم ناجور داده است

تو آمدی بانگ مبارک باد برخاست

از قدسیان فریاد یا سجاد برخواست[[47]](#footnote-47)

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***

**فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)**

باز هم آسمان این خانه شب پر رفت و آمدی دارد

باز هم کوچه‌ی بنی هاشم بوی عطر محمدی دارد

کار چشم تو مبتلا کردن خاک را با نظر طلا کردن

این زلیخای نفس ما یوسف! عاشق توست هر بدی دارد

خَلق تو خُلق تو تعالی الله! چه شکوهی ست در تو یا الله!

این علی تا که می‌رسد به خدا صلوات محمدی دارد[[48]](#footnote-48)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

این خانواده یوسفان بی بدیلند

هر یک برای خویش خورشیدی جمیلند

جاری ترین رودند در رگ های دنیا

بهتر بگویم صد هزاران رود نیلند

فرقی ندارد سنّ شان کم یا زیاد است

کم سن و سالش عمر صد نوح و خلیلند

بر هر نخ موی علی های قبیله

صدها فرشته با وضو هر شب دخیلند

بی پرده گویم کمترین هاشان مسیحند

در معرفت استاد درس جبرئیلند

در این میان یک تن شبیه مصطفی بود

او هم علیِ خانه ی ارباب ما بود

امشب زمین را عرش اعلی کردی اکبر

با مقدمت یکباره غوغا کردی اکبر

لبخند تو در سینه ها قند آب کرده

با خنده لب ها را ز هم وا کردی اکبر

از بس که مثل مصطفی جذاب هستی

در هر دلی خود را عجب جا کردی اکبر

وقتی که چشم خویش را از هم گشودی

اول تو سقا را تماشا کردی اکبر

تو آمدی و پادشاه کربلا را

با مقدمت امروز بابا کردی اکبر

زیباترین نام جهان را بر تو بگذاشت

بعد از تو این دنیا دوباره یک علی داشت

امشب همه بر پای تو سر می گذارند

در باطنت خُلق پیمبر می گذارند

امشب به یُمن مقدم پاک تو آقا

در سفره ی عشاق کوثر می گذارند

از بس که تو والا مقامی و بزرگی

بر نام تو پسوند اکبر می گذارند

بر کاسه ی اسپند خورشیدی عمه

اسپند نه! هر لحظه اختر می گذاردند

وقتی در آغوش اباالفضلی ملائک

بر پایتان از شوق شه پر می گذارند

بعد از تو آقا در صف زیبا جمالان

بیچاره یوسف را در آخر می گذارند

ای شاه زاده شاه را بی تاب کردی

خورشید را هم از خجالت آب کردی

با دیدنت خون خدا لبخند می زد

هر لحظه بوسه بر رخ فرزند می زد

وقتی که جبرائیل لب های تو را دید

با شهد لب های تو زین پس قند می زد

تا ریشه هایت را در عالم دید ارباب

این ریشه ها را با علی پیوند می زد

می خواست تا پیروز میدان باشد عباس

نام تو را در صفحه ی سربند می زد

وقتی که خاک زیر پایت را زمین دید

قید تمام عرش را سوگند، می زد

خورشید از دامان لیلا سر زد امروز

پیغمبر و حیدر به دنیا آمد امروز

آئینه ی پیغمبر اکرم تو هستی

هر کس نداند من که می دانم تو هستی

ساقی کوثر حضرت مولاست اما

از روز اول ساقی زمزم تو هستی

هم حیدر کراری و هم مصطفایی

با این وجود عشق همه عالم تو هستی

شمشیر پیغمبر علی روحش حسین است

در دست او انگشتر خاتم تو هستی

تو آمدی تا عشق در عالم بریزی

کرببلا را با دمت بر هم بریزی

رفتی و زینب بعد تو چشمان تر داشت

دستی به پیشانی و دستی بر کمر داشت

داغ تو سنگین بود که ارباب افتاد

زخم عمیقی از غمت روی جگر داشت

رفتی و گفتی من علی، عشق حسینم

این بردن نام علی خیلی خطر داشت

می خواست با مرگ تو مولا هم بمیرد

وابستگیت را به بابایت خبر داشت

فهمید که نامت علی بن الحسین است

سنگین ترین تیری که آورده ست برداشت

رفتی و بابای تو خیلی غصه می خورد

عمه نمی آمد یقین پیش تو می مرد[[49]](#footnote-49)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

شب ولادت تو عید سیدالشهداست

دلم خوش است كه میلاد اكبر لیلاست

تو آمدی كه بگویی حسین تنها نیست

و تا قیام قیامت حسین پا برجاست

همین كه چشم تو وا شد مدینه روشن شد

به یمن خاك كف پای تو كه عرش خداست

مسیح خانهٔ اربابمان تویی آقا

چرا كه در رگ تو خون حیدر و زهراست

ستاره ها همه امشب به خاك می ریزند

و مقصد همه پایین پای كرببلاست

خدا به روی تو امشب گلاب می ریزد

برای این كه لبت مشك حضرت سقاست

برای مادر تو كعبه ای بنا كرده

دو چشم زمزم این گونه ها كه سعی و صفاست

شب ولادت تو بوی یاس می آید

یقین بدان تو كه مادر بزرگ تو این جاست

تو در حوالی بالاترین دنیایی

چرا كه مهد تو آغوش زینب كبراست

تویی كه راه نجات از نگات معلوم است

و تار موی تو تا روز حشر پرچم ماست

تو هم شبیه علی افتخار میكده ای

علیِّ خانه اربابمان خوش آمده ای

لب تو وا شد و تاریخ را مصفا كرد

تو را خدای تو تقدیم دست لیلا كرد

تو را برای حسین آفرید و ‌كرببلا

و بعد صحنه جنگ تو را مهیا كرد

برای این كه تو عین پیامبر باشی

تو را شبیه پیمبر امیر دل ها كرد

رخ تو را ز رخ مصطفی كشید خدا

و بازوان تو را بازوان مولا كرد

اذان كه گفت درِ گوش تو امیر عرب

تو را هوائی دیدار روی زهرا كرد

به روی سینۀ تو تا كه بوسه زد زینب

فضای قلب تو را مثل طور سینا كرد

به بازوان تو وقتی نظر نمود حسین

دلاوری تو را هم تراز سقا كرد

همین كه روی تو واشد از آسمان، خورشید

نشست روی قشنگ تو را تماشا كرد

تویی كه در نفست یك جهان غزل داری

به روی باغ لبت كوهی از عسل داری

كسی مثال تو آئینۀ پیمبر نیست

و یا شبیه تو مثل علی دلاور نیست

تو آمدی و شبیه ولادت زهرا

خدا نوشت به دل ها حسین ابتر نیست

تمام عرش اگر روی كفه ای باشند

به تار موی گدای درت برابر نیست

همیشه تیغ تو چون رعد و ‌برق می برید

چرا كه تیغ تو از ذوالفقار كمتر نیست

هزار لشگر جنگی هزار فرمانده

حریف ضربۀ دست علیِ اكبر نیست

مرا به خاك درت نوكری ست اربابی

چرا كه خاك درت كمتر از ابوذر نیست

ز خاك پای تو جوشید چشمۀ كوثر

مقام حضرت لیلا كه مثل هاجر نیست

تو آمدی كه اذان نمازها باشی

تو آمدی كه گل یاس كربلا باشی

منم گدای قدیمی دست های شما

من آفریده شدم تا شوم گدای شما

تو بوتراب حسینی پیمبر لیلا

مسیر سبز بهشت است چشم های شما

ز روی مأذنه امشب اذان بگو آقا

كه خلق بیمه شوند از دم صدای شما

اگر مقام تو گویم به خلق می میرند

هزار یوسف مصری نشسته پای شما

كرامت تو شبیه امام دوم بود

مدینه سیر شد از نان سفره های شما

معلمان ادب راویان مكتب عشق

گرفته اند همه یك نخ از عبای شما

بیا مرا برسان مثل حضرت فطرس

پری بده بپرم باز در هوای شما

به جان مادرت آقا صداقت است اگر

شبی مرا برسانند كربلای شما

وضو گرفته و ذكر حسین می گیرم

به سر زنان وسط گریه هام می میرم[[50]](#footnote-50)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

می‌آیی و لیلا شده مجنون عطر و بوی تو

دستی به رویت می‌کشد، یک دست بر گیسوی تو

نه بر نمی‌دارد کسی یک لحظه چشم از روی تو

یک چشم زینب بر حسین آن چشم دیگر سوی تو

هم باده نوش کوثری، هم مست از جام علی

باز، ای محمد! می‌رسی، این بار با نام علی

یا رب و یارب ساغرت، یا حق و یا حق باده‌ات

از مستی لب‌های تو میخانه شد سجاده‌ات

یک دم علی گل می‌کند در آن لباس ساده‌ات

یک دم محمد می‌رسد با زلف تاب افتاده‌ات

می‌آید از در مصطفی امشب که مستم با علی!

حالا که تو هر دو شدی پس یا محمد! یا علی!

تسبیح زیبایت دل روح الامین را می‌برد

آن قد و بالایت دل اهل زمین را می‌برد

ناز قدم هایت دل سلطان دین را می‌برد

موج نگاهت کشتی اهل یقین را می‌برد

غرقند قایق‌های ما در بهت اقیانوس تو

بال ملک می‌سوزد از «یا نور و یا قدوس» تو

وقتی رجز خوان می‌شوی، انگار حیدر می‌رسد

یک لافتای دیگر از نسل علی سر می‌رسد

ای نسخه دوم! ـ که با اصلش برابر می‌رسد ـ

پیش تو می‌لرزد زمین، گویی که محشر می‌رسد

صف می‌کشد یک شهر تا شاید تماشایت کند

مه می‌رسد تا یک نظر در صبح سیمایت کند

شهزاده! دل را می‌بری از شهر با یک گوشه لب

ای مرد! تو یا یوسفی یا احمدی، یا للعجب!

چشم انتظارت کوچه‌ها، ای ماه زیبای عرب!

صبح یتیمان می‌رسد تا می‌رسی تو نیمه شب

دستان تو میراثی ست از دست کریم مجتبی

اصلاً تو گلچینی شدی از گلشن آل عبا

تا پرده‌های خیمه را ماه جوان وا می‌کنی

هم دشمن و هم دوست را غرق تماشا می‌کنی

با شرم و خواهش یک نظر در چشم بابا می‌کنی

از او چه می‌خواهی؟ چرا این پا و آن پا می‌کنی؟

ای کربلایی این تو و این لحظه‌ی دلخواه تو

ای شیر مست هاشمی این جاست جولانگاه تو

می‌خواستت در خاک و خون اصلاً خدای کربلا

اصلاً سرشتت از گِلی خونین برای کربلا

تا باز باشی بهترین، در روضه‌های کربلا

اما در این توفان امان از ناخدای کربلا

با خواهش چشمان تو تا اذن میدان می‌دهد

با رفتنت آرام جان! دارد پدر جان می‌دهد[[51]](#footnote-51)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه(سلام الله علیها)**

زمین دوباره پر از آیه های کوثر بود

تمام شهر پُر از بوی عود و عنبر بود

به ناز مقدم یاسی به عطر دل کش سیب

تمام پهنه ی ارض و سما معطر بود

به گرد ماه وجودش ستاره می گردید

مهی که یک سر و گردن ز ماه هم سر بود

برای آن که قدم روی خاک نگذارد

فرشته ریخته بود و زمین پُر از پَر بود

عجیب نیست که این قدر شاه بوسیدش

به جان فاطمه خیلی شبیه مادر بود

سروده شد غزل عاشقانه ی ارباب

رسید باب حوائج به خانه ی ارباب

دوباره فاطمه ای پای در رکاب زده

کرشمه کرده طعنه به ماهتاب زده

برای آن که مبادا نظر کنند او را

حسین فاطمه بر چهره اش نقاب زده

مسیر آمدنش را زد عمه جان جارو

به اشک شوق عمو، خاک کوچه آب زده

بگو به ماه فلک دیده ی حسودت کور

که بوسه بر روی این ماه آفتاب زده

سه سال آمد و پر زد از آن زمان تا حال

فلک به خاطر رؤیاش سر به خواب زده

سروده شد غزل عاشقانه ی ارباب

رسید باب حوائج به خانه ی ارباب

کلید کار گشائی است بین دستانش

شمیم یاس گرفته تمام دامانش

فدای آن حرم کوچک و تماشائیش

که جبرئیل نشسته است روی ایوانش

از این طرف به هیاهوی شام و از آن سو

به سمت عرش خدا می رود خیابانش

سه ساله است ولی می شود زیارت کرد

به جای فاطمه و آن مزار پنهانش

به دست خالی و آه دل و به رشته ی عشق

دخیل بسته دلم بر ضریح چشمانش

سروده شد غزل عاشقانه ی ارباب

رسید باب حوائج به خانه ی ارباب

دلم به پیش حضور تو اعتکافی شد

که عشق های دگر پیش من خرافی شد

سه صفحه خورد ورق از کتاب تو اما

نشان فاطمه بر جلد آن صحافی شد

سه ساله بودی و یاد آور غم زهرا

وَ لحظه لحظه ی آن روضه مو شکافی شد

تمام کینه ی حیدر به روی بابایت

وَ بغض فاطمه روی سرت تلافی شد

غلاف و سلسله و تازیانه بود اما

سنان و کعب نی و خار هم اضافی شد

طواف حاجیه خانوم سیدالشهدا

به دور کعبه ی سر بود عجب طوافی شد

سروده شد غزل عاشقانه ی ارباب

رسید باب حوائج به خانه ی ارباب[[52]](#footnote-52)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

داشت آن روز زمین قصه ای از سرمی خواند

قصه ی دیگری از یاس معطر می خواند

رخ مولود چنان با رخ مادر می خواند

که پدر زیر لبی سوره ی کوثر می خواند

خانه غوغا شده، انگار زمان برگشته

نکند حضرت زهرا به جهان برگشته

نه فقط دور و بر خانه ی او همهمه است

عرض تبریک به ارباب برای همه است

زینب آیینه به کف بر لبش این زمزمه است

به خدا خون علی در رگ این فاطمه است

دختری که نفسش جلوه ی زهرا دارد

پدرش بوسه به دستش بزند جا دارد

فاطمه پر زده اما برکاتش باقی است

راه باز است ببینید صراطش باقی است

هم خدا هست هم این قوم حیاتش باقی است

حال اگر نیست پیمبر صلواتش باقی است

کار خورشید به ناخواه درخشندگی است

کار هر لحظه ی این طایفه بخشندگی است

تو که بالای سرت نور امامت داری

جزء این طایفه ای دست کرامت داری

محشری گشته به پا باز قیامت داری

چون که بر دوش اباالفضل اقامت داری

وقت پرواز تو افلاک به هم می ریزد

تا می آیی به زمین خاک به هم می ریزد

آمدی نازترین یاس معطر باشی

در دل خسته ی ما عاطفه پرور باشی

آمدی چند بهاری گل اکبر باشی

نفسی هم شده هم بازی اصغر باشی

باز لبخند بزن عشق خریدار تو است

کاشف الکرب اباالفضل شدن کار تو است

تو که در دلبری ازما مثَل بابایی

اسم بابا که می آری غزل بابایی

چشم بد دور چه شیرین بغل بابایی

ساده، شیرین و صمیمی، عسل بابایی

دم به دم می وزد از هر نفست بوی بهشت

دختر حضرت اربابی و بانوی بهشت

زائری آمده در قلب تو جا می خواهد

صحن زیبای تو را دیده، صفا می خواهد

یک نفر آمده و اذن دعا می خواهد

او مسیحی است ولی از تو شفا می خواهد

باز با شوق یکی چادر کوچک آورد

دختری نذر نگاه تو عروسک آورد[[53]](#footnote-53)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم، میلاد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

باز هم روح الامین دارد غزل می آورد

صنعت ایهام و تشبیه و بدل می آورد

تا شود ابیات شعر من کمی دلچسب تر

واژه واژه بر لبم جام عسل می آورد

شعر شیرین مرا شور عجیبی داده است

واژه ی نابی که در چندین محل می آورد

چیست آن واژه که همراه ادایش جبرییل

جمله ی «حیّ علی خیرالعمل» می آورد

در میان شعرهای شاعران اهل بیت

دائماً این بیت را ضرب المثل می آورد:

یوسف مصری کجا و یوسف زهرا کجا؟!

جلوه ی قطره کجا و جلوه ی دریا کجا؟!

کوچه های شهر را امشب چراغانی کنید

عرش را و فرش را آیینه بندانی کنید

آمده نور دل انگیزی به سمت سامرا

باید امشب کوچه ها را خوب نورانی کنید

طبق رسم فصل حج، مثل تمام حاجیان

جان ما را پیش پای یار، قربانی کنید

از خَم ابروی او صدها خُم می، می چکد

باید امشب خلق را انگور مهمانی کنید

دیدن روی سلیمان کار آسانی که نیست

باید اوّل خوب از این مُلک، دربانی کنید

هر که باشد نوکر تو زود آقا می شود

خود به خود با یک نگاه تو مسیحا می شود

یوسف زهرا تویی حُسن ختام اهل بیت

نام تو زیباست ای مرد قیام اهل بیت

السّلام ای حُجّةَ الله ای امامَ منتظَر

لحظه لحظه می رسد بر تو سلام اهل بیت

از پیمبر تا امام عسگری، در عصر خود

نقل کردند این که هستی التیام اهل بیت

می رسد آن روز که با ذوالفقار مرتضی

می رسی تا که بگیری انتقام اهل بیت

مرتضی، زهرا، حسن، خون خدا، پیغمبری

می بری با جلوه ات دل از امام عسگری

نیمه ی شعبان که می گردد عیان، صاحب زمان

می کند گل بر لب پیر و جوان، صاحب زمان

اشهَد انّ که هستی تو امام آخرین

می وزد از هر مناره این اذان، صاحب زمان

تشنه هستم تشنه ی یک جرعه ی دیدار تو

وعده گاه ما شبی در جمکران، صاحب زمان

می رسی یک روز ای خورشید پشت ابرها

می کنی پیدا مزار بی نشان، صاحب زمان

با ظهورت می شود خوشحال زهرا مادرت

پیش مرگت می شود آن لحظه آقا نوکرت

العجل آقا! بیا چشم انتظاری ها بس است

در فراقت اشک ها و بی قراری ها بس است

اشک ها ی ما که یک لحظه به درد تو نخورد

ناله ها و ضجّه ها و گریه زاری ها بس است

تا به کی جمعه به جمعه ذکر ندبه سر دهیم

ندبه و خون دل و شب زنده داری ها بس است

معصیت، پاکی دوران جوانی را گرفت

ما جوان ها را کمک کن، شرمساری ها بس است

باید آقا درد غربت را فقط فریاد کرد

گوشه گیری های ما و راز داری بس است

با ظهور خود بیا و مادرت را شاد کن

قلب ویران مرا با مقدمت آباد کن[[54]](#footnote-54)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

سینه ام آباد گل نرگس است دل خوش امداد گل نرگس است

یاد خدا یاد گل نر گس است شب شب میلاد گل نر گس است

دل به ولای گل نرگس ببند بهر ظهورش صلواتی بلند

محو تماشای تو بودن خوش است غرق تمنّای تو بودن خوش است

واله و شیدای تو بودن خوش است خاک کف پای تو بودن خوش است

گر که لب یار دلم وا شود صد گره از کار دلم وا شود

ای که ولای تو شده یاورم خاک سر کوی تو تاج سرم

ناز تو را با دل و جان می خرم ای به فدایت پدر و مادرم

کاش شوم مورد تایید تو مست شوم از مِی توحید تو

غنچه به یاد تو شکوفاتر است دل به امید تو شکیباتر است

گفته نبی عشق تو گیراتر است مهدی من از همه زیباتر است

باعث آرامش دل ها تویی عشق علی یوسف زهرا تویی

ای که ولای تو مرا دین شده قلب من از عشق تو آذین شده

عاشق عشق تو خدا بین شده زمزمه روز و شبم این شده

منتظران را به لب آمد نفس ای شه خوبان تو به فریاد رس

ای که جمال تو نصیبم نشد دیدن خال تو نصیبم نشد

وصف کمال تو نصیبم نشد گر چه وصال تو نصیبم نشد

صبح و مسا رو به خدا می کنم بهر ظهور تو دعا می کنم

دل شده شیدای تو یابن الحسن غرق تمنای تو یابن الحسن

خانهٔ دل جای تو یابن الحسن گریه شب های تو یابن الحسن

برده قرار از دل افلاکیان بی خبر از حال تواند خاکیان

یوسف دل ترک سفر کی کنی؟ کاخ ستم زیر و زبر کی کنی؟

باز درِ فتح و ظفر کی کنی؟ شام غم هجر، سحر کی کنی؟

صوت دل آرای تو بشنیدنی ست خیمه سبزت به خدا دیدنی ست

کاش که من از تو خبر داشتم از غم تو دیده ی تر داشتم

کاش که در پای تو سر داشتم بر رخ ماه تو نظر داشتم

کاش که در دولت هم عهدیت بشنوم آوای انا المهدیت[[55]](#footnote-55)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ای آخریـن امید رسـالت خوش آمدی

خورشید آسمـان عـدالت! خوش آمدی

سر تا به پات قدر و جلالت! خوش آمدی

بنیان‌کن اساس ضلالت! خوش آمدی

با مقدم تو گشت زمین رشک آسمان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

اسلام بـا ولادت تـو بـاز جـان گرفت

روی ندیـدۀ تـو دل از آسمـان گرفت

دیـن بـا ولایتت شرف جاودان گرفت

«حسنت به اتفاق ملاحت جهان گرفت»

جاء الحقت رسید بـه گوش جهانیان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

ای از خدا سلام به جسم و به جان تو

آوای وحـی می‌شنــوم از زبــان تو

دل‌بـرده از پـدر ز مـلاحت بیان تو

قرآن بخوان که بوسه زند بر دهان تو

ای عمر وحی از نفست گشته جاودان

عجل علـی ظهورک یا صاحب‌الزمان

میـلاد تو ولادت خوبان عالم است

عید هزار موسی و عیسی‌بن‌مریم است

میـلاد اهـل‌بیت رسول مکرم است

میـلاد دیگـر شهـدای مکرم است

میـلاد سیدالشهــدا را دهـد نشـان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

بازآ که اولیای خـدا چشم‌شـان به توست

یـاران سیدالشهــدا چشم‌شـان به توست

سرهای تشنه گشته جدا، چشم‌شان به توست

مکه، مدینه، کرب‌و‌بلا چشم‌شان به توست

کعبه گشوده چشم به راه تو همچنان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

ما از تو دور و جای تو پیوسته بین ماست

روی ندیـده‌ات همـه جا نور عین ماست

چشم انتظار ماندن ما دین و دِین ماست

جمعـه گــواه نالـۀ ایـن الحسین ماست

یک جمعه این سوال نیفتاده از زبان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

تو خود شبان و این رمه در انتظار توست

چشم جهانیـان همـه در انتظار توست

مولا! بیـا کـه فاطمـه در انتظار توست

خورشید نهـر علقمـه در انتظار توست

بر بازوی عموی خود این جمله را بخوان

عجـل علی ظهـورک یا صاحب‌الزمان

تو غایبی و خلق جهان در حضور توست

ملک خـدای عزوجـل غـرق نـور توست

جای تو خالی است و جهان پر ز نور توست

آقـای عیدهــا همـه روز ظهــور توست

از چشم ما نهانی و در عالمی عیان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

بی تـو شـب سیــاه شـده روزگار ما

بی ‌تو شده است خنده گل نیش خار ما

رنـگ خـزان گرفتـه سراسر بهـار ما

بــازآی ای قــرار دل بـی‌قــرار ما

بازآ که ذکـر مـا شده الغوث الامان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

کی می‌شود که پای به چشم بشر نهی؟

عمامــۀ رسـول خـدا را به سر نهی

بر قلب دشمنـان ولایت شـرر نهی

تا یک نظر به جـانب اهل نظر نهی

رخ بر تمـام منتظـرانت دهـی نشان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

ای زخــم پیکـر شهــدا بی‌قرار تو

چشم علی به دست تو و ذوالفقار تو

فریـاد انتقـام شهیـدان شعـار تو

لبخند می‌زند عموی شیرخوار تو

کای دست انتقـام خداونـد لامکان!

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

دست حقّی و کاتب لوح و قلم تویی

بهـر ظهـور، بیـن امامان علم تویی

بگشای رخ که هادی کل امم تویی

مـولا! بیـا! بیـا! کـه امام حرم تویی

گویـد بـلال بـر تـو به بام حرم اذان

عجل علی ظهورک یا صاحب‌الزمان

ای دست اولیــای الهـی به دامنت

جوشن کبیر در صف پیکار جوشنت

پیـــراهن حسیــن، بـرازندۀ تنـت

«میثم» تمام چشم شده بهر دیدنت

چشمش بود به راه تو، اشکش به رخ روان

عجـل علـی ظهورک یا صاحب‌الزمان[[56]](#footnote-56)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

تا که گردیدم آشنای سحر شد دلم وادی صفای سحر

بین سجاده تربتم گِل شد با نم اشک و گریه های سحر

دست خالی نمی رود هرگز آن کسی که شده گدای سحر

تو امام شکسته دل هایی صاحب سفرۀ عطای سحر

بوی وصل تو می کنم احساس از نفس های جان فزای سحر

چشم امید ما گنه کاران بوده بر سوز یک دعای سحر

ریشۀ مشکلات ما این است دلمان نیست مبتلای سحر

گره از کار وا کند بی شک ناله های گره گشای سحر

شب شب هم زبانی یار است درد ما غفلت از تو دلدار است

بی جهت نیست در نوایی تو ما چه کردیم تا بیایی تو

این نشد رسم انتظار فقط نعره ها می زنم کجایی تو

تو ز اجداد خود غریب تری بی کس و یار و آشنایی تو

بارها سر زدی به غفلت ما شاهد کوه ادعایی تو

دست ما را گرفتی و رفتی چون کریم و گره گشایی تو

هم چونان مادرت تمامی شب تا سحر دست بر دعایی تو

بر گنهکارها دعا کردی بس که آقا و با وفایی تو

شک ندارم که هر شب جمعه زائر دشت کربلایی تو

تحت قبه چه ناله ها بکنی خود برای فرج دعا بکنی

جلوات پیمبری داری از همه خلق برتری داری

بین اولاد حضرت زهرا دلربایی دیگری داری

نقش بازوی توست جاء الحق تا بگویی چه محوری داری

ذوالفقار از تو جان بگیرد باز چون تجلیِّ حیدری داری

کرم تو گدا نواز بود دست اکرام مادری داری

از تمام پیمبران خدا یک نشان بهر رهبری داری

از همه برگزیدگان خلق در رکابت تو لشگری داری

تو کجا و عزیز مصر کجا چون خداوند مشتری داری

تویی حُسن ختام اهل البیت بر تو باشد سلام اهل البیت

سامرا از تو آبرو دارد حرف ناگفته در گلو دارد

در و دیوار خلوت سرداب با نم اشک تو وضو دارد

کاسۀ چشم مانده بر راهت باده ای ناب در سبو دارد

تو گل نرگسی و عرش دلم با نفس هات رنگ و بو دارد

چه کنم این دل گرفتارم دیدن رویت آرزو دارد

بین محراب و نیمه های شب دل من با تو گفتگو دارد

نیمه شد ماه، ماه من برگرد رحم بنما به آه من برگرد

پسر ناز حضرت نرجس قبله راز حضرت نرجس

روزی خویش بردم عمری از سفرۀ باز حضرت نرجس

ذکر تسبیحتان به گهواره بال پرواز حضرت نرجس

بارها دیده ام به زندگی ام دست اعجاز حضرت نرجس

خواستگاری فاطمه سندی ست بهر اعجاز حضرت نرجس

آمد از عرش تک کنیز خدا تا کشد ناز حضرت نرجس

روح توحید جلوه ای بنمود گاهِ ابراز حضرت نرجس

مادرت هم ردیف لیلا شد آخرین نو عروس زهرا شد

نیمه شب بود یا که وقت سحر مادر آمد ولی به دیدهٔ تر

آمد و دید بین گهواره جای تو خالی است ای دلبر

رو به سوی امام کرده و گفت : پسرم نیست چاره ای آخر

پاسخ آمد که غم مخور نرجس گشته مهمان حضرت داور

بال جبریل بالش سر اوست در طوافش ملائکه یک سر

جای او امن و کام او پر شیر السلام علی (علی اصغر)

مادری بین خیمه می چرخید دست بر روی سر، دل مضطر

هاجر کربلا چه چاره کند سینه بی شیر... انتظار پسر

ناگهان در حرم به خود لرزید می کند از چه هلهله لشگر

چون که هر بار هلهله کردند به هدف خورده تیرهای سه پر

دختری زد صدا رباب بیا پشت خیمه به پاشده محشر

وقتی آمد که قبر حاضر بود غرق خون طفل روی دست پدر[[57]](#footnote-57)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

امشب خبر ز عالم بالا رسیده است

زیباترین ستاره ی دنیا رسیده است

امشب حکیمه باش و ببین پور عسکری

با هیبت و شمایل طاها رسیده است

در او خلاصه گشته خِصال پیمبران

موسی رسیده است، مسیحا رسیده است

جبریل با هزار فرشته از آسمان

کرده نزول، بهر تماشا رسیده است

سر را بُرید یوسف کنعان به جای دست

وقتی شنید یوسف زهرا رسیده است

امشب دلم به مأذنه این گونه داد اَذان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

در پیش سَرو قامت تو، تا شدن خوش است

در فصل غیبت تو شکیبا شدن خوش است

دست کسی به دامن نرجس نمی رسد

وقتی صدف به گوهر یکتا شدن خوش است

روزی امیرزاده و روزی کنیز شد

حالا عروس حضرت زهرا شدن خوش است

ما ذرّه ایم و کار شما ذرّه پروری است

در زیر آفتاب تو پیدا شدن خوش است

وقتی شناسنامه ی ما مُنتسَب به توست

در سایه سار مهر تو معنا شدن خوش است

هر کس شنید نام شما را قیام کرد

در راه بندگیّ تو آقا شدن خوش است

در شرح وصف تو چه برآید از این زبان؟!

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

ای که کرم سجیّه و لطف است عادتت

بالاتر است از همه عالم سیادتت

حالا هزار و یکصد و هفتاد و هفت سال

بگذشته ای عزیز خدا از ولادتت

پنهان شدی اگر چه تو در پشت ابرها

هر دم رسیده است به دل ها عنایتت

هر صبح وعده ی من و تو در دعای عهد

هر عصر جمعه زمزمه های زیارتت

آقا سلام ما به رکوع و سجود تو

آقا درود بر تو و ذکر و عبادتت

کِی می رسد ندای أنا المَهدی ات به گوش؟

بالاتر از تمام عَلَم هاست رایتت

کانون عدل و داد شود با تو این جهان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

بار فراق یوسف زهرا کشیدنی ست

گر وصل او به جان بخَرم من، خریدنی ست

ای آن که طعنه میزنی ـ آقای تو کجاست؟ـ

روز ظهور منجی عالم رسیدنی ست

آن روز ذوالفقار علی دست او بود

یعنی که رنگ از رُخ کافر پریدنی ست

یا فارس الحجاز!، من از مشهد الرّضا

بیتی بیاورم ز شفق، که شنیدنی ست

سوگند می خورم گل باغ تو چیدنی ست

چشم سیاه و خیمه ی سبز تو دیدنی است

ای آخرین امام من، ألغوث ألاَمان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

وقتی که نیستی تو، خزان است روزگار

وقتی که می رسی، همه جا می شود بهار

تقصیر ماست این که بیابان نشین شدی

محروم مانده ایم ز درک حضور یار

ما از چه نیستیم شب و روز یاد تو؟!

وقتی که هست أفضل أعمال انتظار

وقتی که بیست مرتبه حج رفت، کسب کرد

إذن طواف خیمه ی تو، پور مهزیار

آقا چقدر جمعه گذشت و نیامدی!

دیگر نمانده است برای دلی قرار

این اشک ماست کز غم هجران شده روان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

ای هر غریبه ای همه جا آشنای تو

این بند را مدینه سرودم برای تو

این شهر بوی غربت خورشید می دهد

این کوچه هاست منتظر ردّ پای تو

رفتم به پشت پنجره های بقیع و بعد

خواندم به اشک چشم زیارت به جای تو

گویا هنوز مادر تو درد می کِشد

در بستر است چشم به راه دوای تو

وقتی کِشی ز قبر تن آن دو را برون

باشیم کاش ما همه زیر لَوای تو

ای شاد از ظهور تو بانوی بی نشان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان

ای مظهر صفات خدا أیها العزیز!

بی تو چه عیدی و چه عزا؟!، أیها العزیز!

امسال نیز نیمه ی شعبان رسید و رفت

مجلس تمام گشت، بیا أیها العزیز!

تو خود کریم هستی و از نسل ذوالکِرام

پُر کن دو دست خالی ما أیها العزیز!

یک نَظرَةً رَحیمَة بر این قلب پر گناه

کافی ست با نگاه تو، یا أیها العزیز!

فرموده اند نیمه ی شعبان بگو: حسین

ما را ببر به کرب و بلا أیها العزیز!

یک روضه از اسارت زینب بیا بخوان

عَجِّل عَلی ظُهُورکَ یا صاحبَ الزّمان[[58]](#footnote-58)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

آماده می شوم غزلی را بنا كنم

در شور عشق، قافیه ای دست و پا كنم

باز از شرابِ دوست شدم مست و بی قرار

باید كه پیر میكده ها را صدا كنم

میخانه ای برای دلم جور كرده ام

تا رازِ سرخوشیِّ خودم بَر مَلا كنم

رازی كه گفتنش همه را مست می كند

وقتش شده بگویم و خود را رها كنم

پس اهل میكده! همه سر تا به پای، گوش

تا خوب حقِّ مطلب خود را ادا كنم

از راه آمده قمرِ آخرالزَّمان

یعنی امام عصر، همان حیدرالزَّمان

از راه آمده ست رسانَد پیام عشق

از راه آمده ست كه باشد امام عشق

یاایهاالعزیزِ دو دنیای من، سلام

گفتم سلام و اوست علیك السلام عشق

وقتش رسیده سوی كلامم خودت شوی

چون حرف با شما شده حُسن ختام عشق

هركس كه پای بزم شما بود، زنده ماند

ای عشق بادوام، تویی با دوام عشق

تا زنده ام گدای سرِ سفره ی توﺃم

آری، امیرعشق تویی، من غلام عشق

اَلحَق كه شاه هستی و ارباب زاده ای

تو یوسفی ترین پسر خانواده ای

صاف و زلال، آینه ی ناب آسمان

تابیده است در شب مهتاب آسمان

تابیده است حضرت ماه چهارده

بر صفحه ی دوازده قاب آسمان

این نور با ﺗﻸﻟﺆِ صاحب زمانی اش

آرامشی است بر دل بی تاب آسمان

جبریل با ترانه ی عشق محمّدی

گوید خوش آمدید به ارباب آسمان

امشب برای عرض ارادت به مَقدَمش

نیكو نوشته اند روی باب آسمان

حق، نقشه ی عدو صفتان را بر آب كرد

تا حضرت امام زمان انقلاب كرد

ای چشم من به راه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

آدینه در پناه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

ای واژه ی جمال خدا جلوه گر شود

در قاب روی ماه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

صبح ظهور تو فرج عاشقان توست

خورشید من پگاه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

این قلب تیره، روشن و شفّاف می شود

با گوشه ی نگاه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

از دوری تو ثانیه هایم تباه شد

من عبد روسیاه تو، ﺃدرِك ﺃسیرُكَ

((دارد زمان آمدنت دیر می شود))

تقصیر ماست این همه ﺗﺄخیر می شود

ای آخرین بهانه ی دنیا ظهور كن

ای آشنای غربت فردا ظهور كن

باید كه چند روضه بخوانم برای تو

ای چشم تو خلاصه ی دریا ظهور كن

می خوانم از حوادثِ آن كوچه های تنگ

آقا قسم به پهلوی زهرا ظهور كن

آتش، خیام، سیلی و غارت، چه گویمت؟

آقا به داغِ زینب كبرا ظهور كن

قرآن به روی نیزه و تفسیرها به خاك

آقا بیا به حقِّ بدن های چاك چاك[[59]](#footnote-59)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

مثل شروع یک جریان در مسیر رود

افتاد راه آخرمان در مسیر رود

دارد خبر ز آمدنی می دهد نسیم

لب بسته باش و باز بمان در مسیر رود

با ناز می رسد کسی آغاز می شود

پایان غصه های جهان در مسیر رود

از مأذنه همین که صدای اذان رسید

شدت گرفت بغض زمان در مسیر رود

ای آخرین بهار دل یخ زده ببین

با تو شکست پشت خزان در مسیر رود

یک شهر تا به من برسی عاشقت شده است

ای سیب سرخ غلت زنان در مسیر رود

نام تو را خدا چه قدر بی نشان نوشت

با دست خود به صفحه تقدیرمان نوشت

از هول دام و دانه دلم چون کبوتر است

این روزها دعای فرج خواندنی تر است

آقا بساط قتل مرا جور کرده ای

مژگان توست تیر و دو ابروت خنجر است

با آن شمایلی که به ارباب رفته است

رویت هزار مرتبه از یوسفان سر است

اصلا عجیب نیست قیامت به پا کنی

این کار دست گرمی اولاد حیدر است

وقتی قرار نیست که فردا ببینمت

جان دادنم برای تو امروز بهتر است

بوی مدینه می رسد از انتظار تو

چشم انتظار آمدنت چشم مادر است

در چشم توست ساحل دریای کربلا

در دست توست پرچم سقای کربلا

عادت به خاک پای تو کرده جبینمان

برگرد بی تو غصه شده هم نشینمان

از کوچه های تنگ دل ما عبور کن

امشب ببار بر جگر آتشینمان

چشم انتظار آمدنت حلقه های چشم

پا در رکاب کن که تو هستی نگینمان

با دست کفر یک شبه تحریم می شویم

آقا فقط بدون تو مانده همینمان

ما سرزمینمان متعلق به فاطمه است

بیمه شده به دست علی سرزمینمان

ای آخرین دلیل نفسهای آسمان

شد رازدار بغض گلو آمینمان

داریم از نیامدنت پیر می شویم

از جمعه ها بدون تو دلگیر می شویم

با رفتنت شروع شده ماجرای اشک

جاری شد از دو چشم ترم چشمه های اشک

برگرد و جان بده به تن مردگان عشق

لبخند هدیه کن به زمین در ازای اشک

دنبال ردپای توام بسکه سالها

مانده به روی صورت من رد پای اشک

دور از تو مانده ایم که نزدیک غربتیم

دور از توئیم خون جگر و مبتلای اشک

از یک دل شکسته فقط آب می خورند

هر جمعه با نیامدنت قطره های اشک

برگرد و با اذان علی اکبری خود

ما را ببر زیارت کرببلای اشک

دارد همیشه ای گل زهرا نشان ما

شبهای جمعه علقمه بوی تو را بیا[[60]](#footnote-60)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش پنجم، گلچین مجالس مداحان**

**فصل اول، میلاد امام حسین(علیه السلام)**

ترک01ـ شعر[[61]](#footnote-61)

دلبری که خرید دلها را تا نگاهش کشید دریا را

آسمان داشت میل عطر زمین و زمین داشت میل بالا را

پر پرواز من شکست امروز تا بگیرد شفای فردا را

فطرسانه دخیل می گیرم پر قنداق طفل زهرا را

کودکی آمده رقم بزند سهم دیوانگی دنیا را

عقلم از اختیار ساقط شد مثل مجنون که دید لیلا را

می رود تا به آسمان فریاد آسمان نه بگو حسین آباد

شب تاریک در به در شده است روشنی آمده سحر شده است

گفته پیغمبر از حسینم من جمع ما هر دو یک نفر شده است

فاطمه مادرانه می خندد مرتضی باز هم پدر شده است

با بغل کردن حسین خودش آتش شوق شعله ور شده است

لب او را چقدر می بوسد بین خانه حسین تر شده است

کوری چشم مردمان حسود دومین طفل هم پسر شده است

بوی کرببلا گرفته زمین در مدینه نزول عشق ببین

به سر زلف تو گرفتارم از همان کودکی تویی یارم

تا زمانی که سر به تن مانده به دم تیغ تو بدهکارم

به هوای تو می پرم امشب و به سودای تو سری دارم

منتظر مانده ام اشاره کنی تا سرم را به تیغ بسپارم

من یکی از رعیتان توام سالیانیست این شده کارم

که برای تو سینه زن باشم در فراق تو اشک می بارم

تو حسینی و تکیه گاه منی فصل بارانی نگاه منی

دل من تا که مبتلای تو شد به تو وابسته شد گدای تو شد

هرچه در چنته داشت نوکر تو به خدا خرج کربلای تو شد

مادرت گریه کن صدایم کرد ابر چشمان من برای تو شد

آمدی خانه شد حسینیه خانه درگیر ماجرای تو شد

بوی گودال خانه را پر کرد صحبت از درد و غصه های تو شد

از همان روز قاتل مادر غم انگشتر و عبای تو شد

قسمت این شد بدون پیرهنی بین گودال دست و پا زدنی[[62]](#footnote-62)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ شعر[[63]](#footnote-63)

باز امشب اختران از دور سوسو می کنند

گرد ماه از آسمان سوی زمین رو می کنند

اهل بالا هلهله با ذکر یا هو می کنند

با نثار گل فضا را باغ مینو می کنند

آی مردم پادشاه دولت عشق آمده

عاشقان تبریک امشب حضرت عشق آمده

با صدای خوش سرود عشق را آواز کن

لحظه ای را با پر و بال خیال اعجاز کن

از همین جا تا مدینه یک نفس پرواز کن

چتر خود در کوچه های آل هاشم باز کن

از همان جا نور می تابد به قلب عالمین

این همه نور از کجا می تابد از نور حسین

آری امشب درب های نعمت حق وا شده

غرق اقیانوسی از نور خدا دنیا شده

خاتم پیغمبران مسرور سر تا پا شده

حضرت صدیقه مادر مرتضی بابا شده

دلبر و دلدار بی همتای دلها آمده

هیاتی ها حضرت ارباب دنیا آمده

این حسین است آن که می خوانند سرها سرورش

این حسین است آن که می گویند دلها دلبرش

این حسین است آن که می گویند از گل بهترش

این حسین است آن که می گردد فلک دور سرش

این بُود سرچشمه دریایی از آب حیات

ناخدای عشق سکان دار کشتی نجات

گویی از اول حساب او حساب دیگری است

در گل کرببلای او گلاب دیگری است

نور او در آسمان از آفتاب دیگری است

در وجود نهضت او انقلاب دیگری است

الغرض خلقت حساب ویژه دارد با حسین

می زند نبض دل عالم به ذکر یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شعر [[64]](#footnote-64)

پسر فاطمه ای دسته گل سرخ محمد

همه ی هستی احمد ولی خالق سرمد

به تو پیوسته سلامم به تو هر لحظه درودم

که تویی دار و ندارم که تویی بود و نبودم

رخ تو آینه غیب و شهودم تو قیامم تو قعودم

تو رکوعم تو سجودم به فدای تو سراپای وجودم

تو همه هستی مایی تو امام شهدایی تو مصباح هدایی

تو رکوعی تو صلاتی تو کشتی نجاتی

تو تمام حسناتی تو دعا تو صلواتی

تو یم جود سخایی تو دوایی تو شفایی تو همان خون خدایی

به خداوند دو عالم که تو هم قبله و هم قبله نمایی تو شه کرببلایی

چه بگویم تو حسینی که نبی گفت منم از تو

تو از منی ای بوسه گه ختم رسالت

همه اعضات سر و صورت و چشم و لب و اندام

سراپای تو از بوسه ختم رسل انداخته گل

او که به هر عضو تو دیده ز ازل زخمِ بسی نیزه و شمشیر جفا را

منم و کعبه کویت منم و قبله رویت

منم و جام و سبویت چه بخواهی چه نخواهی نروم از سر کویت

همه شب ریخته از دیده من خون گلویت

بپسندی نپسندی به کسی کار ندارم

تو گواهی که به غیر از تو دگر یار ندارم

که تو را دارم و بیم از شرر نار ندارم

چه کنم عاشق و مجنون تو هستم به خدا دل به تو بستم سر راه تو نشستم

تو به من چهره گشودی که خدا را بپرستم

به خدا پیش تر از آمدنم سلسله عشق تو می بود به دستم

نه تو آنی که مرا لحظه ای از خویش برانی

نه من آنم که شوم دور ز درگاه تو آنی

ز همان لحظه که من چشم گشودم

به تو سوگند ندانسته گرفتار تو بودم

چه ولادت چه به طفلی چه جوانی چه به پیری

چه دم مرگ تو را داشتم و دارم و غیر از تو ندارم

نکند روز قیامت ز نظر دور نمایی من افتاده ز پارا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ شعر[[65]](#footnote-65)

الا ملائکه الله انس و جان تبریک

تمام خلق زمین اهل آسمان تبریک

پیمبران خدا عیدتان مبارکباد

ولی امر خدا صاحب الزمان تبریک

ولادت پسر فاطمه امام حسین

به ذات پاک خداوند لا مکان تبریک

خبر دهید به عالم که عید عید خداست

ادب کنید که میلاد سیدالشهداست

خدا به حضرت زهرا پسر عطا کرده

بگو به عالم خلقت پدر عطا کرده

برای عفو گنهکارها به پیغمبر

قوی ترین سند معتبر عطا کرده

شکفته لاله لبخند بر لب احمد

خدا به نخل امیدش ثمر عطا کرده

جمال غیب خداوند دیده شد امشب

فروغ نامتناهی دمیده شد امشب

زند رسول خدا بوسه بر لب و دهنش

نه بر لب و دهنش بلکه عضو عضو تنش

درود نور به نور جمال زیبایش

سلام روح به آیات مصحف بدنش

به جای جامه درد قلب خویش را یوسف

اگر به مصر برد باد بوی پیرهنش

مسیح تشنه لبهای روح پرور اوست

تمام جان محمد درون پیکر اوست

تمام عالم خلقت یم کرامت اوست

و پای مکتب توحید در امامت اوست

مرا ز روز قیامت کسی نترساند

قیامتی که خدا گفته عکس قامت اوست

به شیعیان علی می خورم قسم صد بار

که درس شیعه همان درس استقامت اوست

اگرچه گریه ما در شب شهادت اوست

شب شهادت او هم شب ولادت اوست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شعر[[66]](#footnote-66)

به کسی کار ندارم که بهشتم لیلی است

بت بتخانه و رهبان کهشتم لیلی است

خاک من خاک جنون است سرشتم لیلی است

هرچه در مکتب استاد نوشتم لیلی است

جز به این نام ندارد قلم من میلی

دفترم پر شده از لیلی لیلی لیلی

می نویسم لیلی تا که بخوانیم حسین

تا جنون را به نهایت برسانیم حسین

آن که بی او نفسی هم نتوانیم حسین

وقت یک ذکر همه هم ضربانیم حسین

نفس رفته ما وقف حسین بن علی است

دل بشکسته ما وقف حسین بن علی است

لبم از هرچه به جز نام امامم خاموش

آتش عشق نشد یک دم از این دم خاموش

گرچه یک لحظه نبودست به عالم خاموش

از قدومش شده یک روز جهنم خاموش

در امالی خودش شیخ صدوق آورده است

شب میلاد حسین آتش دوزخ سرد است

تا که او آمده از رونقِ ماه افتاده

دل من در پی یک نیم نگاه افتاده

رفته ام بادل در بحر گناه افتاده

پای کشتی نجاتی که به راه افتاده

کشتی آرزوی نه فلک آمد امشب

همه گفتند که کوه نمک آمد امشب

آنکه نامش شده بر چوبه دل کنده حسین

بذر عشقش همه جا هست پراکنده حسین

علت غایی هر گریه و هر خنده حسین

اولین بار خدا گفت به یک بنده حسین

روی دستان علی روی قمر دیدنی است

بابی انت و امی پدر دیدنی است

در پناهش همه هستند مهیمن ها هم

متوسل به نگاهش شده ضامن ها هم

نه فقط عالم ربانی کاهن ها هم

وقت آنست که گویند موذن ها هم

وقت شرعی اذان بر سر گلدسته ماه

اشهد انَّ حسین بن علی ثارالله

عشق کشتی نجاتم شده با نام حسین

اشک من آب حیاتم شده با نام حسین

انتهای صلواتم شده با نام حسین

سیئاتم حسناتم شده با نام حسین

کیمیا هم نکند آنچه که با خاکم کرد

نام او برده نبرده نفسش پاکم کرد

یک نفر نیست بگوید که در عالم آمد

چه بساطی است که در جشن فراهم آمد

شب میلاد چرا بوی محرم آمد

باز هم روضه گودال به یادم آمد

خواهری داد زند پیرهنش را نبرید

مادرم آمده اینجا بدنش را نبرید

وقتی پیغمبر آمد، دید دخترش داخل حجره است کسی هم نیست، اما داره با کسی حرف می زنه، سوال کرد سببش چیه؟ عرضه داشت یارسول الله: طفلی که در رحم دارم با من حرف می زنه، پیغمبر تبسم کرد فرمود: خودت هم همینطور بودی، در رحم مادر، مادرُ دلداری می دادی؛ عرضه داشت یا رسول الله اما این بچه با من فرق داره، چند روزه داره یک حرفهایی می زنه، جگرمُ آتیش زده، گاهی می گه: وا اماه انا المظلوم! گاهی صدا می زنه وا اماه انا الغریب! بابام امروز حرفش عوض شده، با هر روز فرق داره، می گه: وا اماه انا العطشان!... جبرئیل نازل شد، روضه رو خواند، پیغمبر فرمود: دخترم قصه اینه، طفلی که تو رحم داری اسمش حسینه، یک روزی با لب تشنه کربلا می کشنش، گریه فاطمه بیشتر شد، چند تا سوال کرد، گفت بابا اون روزی که داری می گی کربلا تو هستی پسرمُ یاری کنی؟ گفت نه! باباش هست؟ نه! من هستم ؟ داداش حسنش چی؟ گفت: نه عزیز دلم، گفت پس کی می خواد پسرمُ یاری کنه؟ دو تا حرف زد، اول گفت: خدا یک خواهر مهربونی بهش می ده اسمش زینبه، سایه به سایه دنبال حسینه، تو گودال هم حسین امر کرد زینب بره، ابی عبدالله فرمود برو خواهرم، برگشت تو خیمه لحظاتی بعد دید داره زمین کربلا می لرزه، اومد خدمت زین العابدین، چه خبر شده؟ فرمود: عمه جان، پرده خیمه رو کنار بزن می بینی، نگاه کرد وسط میدان: سری به نیزه بلند است در برابر زینب...

پیغمبر نوید داد، دید هر کاری می کنه داره گریه می کنه، فرمود دخترم یک روزی می آد دوستان ما دور هم حلقه می زنند، برا غریبی حسینت اشک می ریزند، یک وقت دیدند گریه اش مبدل به خنده شد، عرضه داشت یا رسول الله: منم قول می دم به گریه کن حسین: روز قیامت می گردم تو صف محشر، یک به یکشونُ پیدا می کنم، تا آنها وارد بهشت نشن من وارد نمی شم...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شعر [[67]](#footnote-67)

دلم امشب به آسمان پر زد در دارالولایه را در زد

مثل فطرس پری گرفت از شوق در بهشت مدینه پرپر زد

از کویر تعلق دنیا لب خود بر زلال کوثر زد

شد سراپا دخیل و خود را بر پر قنداق عشق حیدر زد

اسدالله خانه ات آباد قدم نوگلت مبارک باد

می طراود ترانه از سخنم لرزه عشق در تن و بدنم

ذره ای در هوای عشق علی خاک راه حسینم و حسنم

گفت ساقی که کیست جان در کف پیش پای نگار گفتمش که منم

بعد مرگم بیا دمی بنگر می دمد یا حسین از کفنم

انَّ قلبی لدیک ثارالله السلام علیک ثارالله

عشق پیغمبر خدا آمد روح پهلوی مرتضی آمد

گوهر بحر حیدر کرار پسر سید نسا آمد

آمد و با نگاه چشمانش شور در عرش کبریا آمد

جبرئیل آمده ز عرش برین گوییا وحی از خدا آمد

یا نبی روح عالمین است این آفرین آفرین حسین است این[[68]](#footnote-68)

کاش دل را غمش غریقه کند مادرش را به من شفیقه کند

کاش یک جرعه ای ز آب فرات حق به دلداه اش رهیقه کند

کاش این اشکهای چشم مرا روز محشر خدا وثیقه کند

یا پیمبر یه یمن مقدم او پیش پایش مرا عقیقه کند

گر شوم کشته زیر دینم من عبد قربانی حسینم من

دارم امشب هوای شش گوشه بی قرارم برای شش گوشه

به خدا هیچ جای دنیا نیست به صفای صفای شش گوشه

من چگونه بهشت دنیا را بپذیرم به جای شش گوشه

می کشد عاقبت مرا آقا غصه روضه های شش گوشه

زده آتش به زخم های دلم داغ پایین پای شش گوشه[[69]](#footnote-69)

حب الحسین رشته تحصیلی شماست

دانش سرای عشق و جنون شهر کربلاست

در رشته حسین شناسی موفقید

موضوع بحث سینه زدن پای روضه هاست

تا روز حشر مدرکتان را نمی دهند

برگ قبولی همه در پوشه خداست

پایین کارنامه هر کس نوشته است

این مهر سرخ شهنشاه کربلاست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ سرود

هو الکریم سائلُکم یُجیبُنی حب الحسین حب الحسین اجنَّنی

ای روح ایمان حسین دردی و درمان حسین

تمام قرآن حسین ای بهتر از جان حسین

سفینه النجاتی و قبله دل به سوی تو

یه عمریه مُحرِم عشق شدم به سوی کوی تو

هم مروه ای هم صفا ای دلبر و دلربا

به جان عباس آقا ببر ما رو کربلا

همیشه دل پر می زنه به سوی بین الحرمین

ذکر تپش های دلم هر لحظه و هر دم حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ سرود

امشب عاشقا لیلا اومده افتخار حق زیبا اومده

امشب سحر دلها اومده عین و شین و قاف دنیا اومده

سرور اومده دلبر اومده انگار دوباره حیدر اومده

آفتاب اومده مهتاب اومده تربت بیارید ارباب اومده

امشب گره ها واشد کشتی به دریا شد

فطرس رو دیدم می گفت کرببلا امضا شد

دلدار منه حسین سالار منه حسین غمخوار منه حسین

من نوکر و اربابم کس و کار منه حسین

دنیای منه حسین عقبای منه حسین رویای منه

دیروز و امروز و فرادی منه حسین

ارباب هواییم کن کرببلاییم کن

امشب آسمون با صفا شده از حضرت عشق رونما شده

امشب تو فلک رفت و آمده چون باب الحسین افتتاح شده

دل طلا شده بی هوا شده هیاتهای شهر کربلا شده

شب اول شینه مخصوص حسینه جشن تولد بین الحرمینه

شاه و امیره دستم می گیره آقام دلیره

هرکی که حسینی نیست بهتره بمیره

عیوالله داره وجه الله داره عین الله داره

به به آقام ُ عشقه ماشاالله داره

ارباب هواییم کن کرببلاییم کن

امشب زائرا آروم ندارند کربلاییا تا صبح بیدارند

امشب شلوغه بین الحرمین کوچه می زنند پرچم می آرند

امشب تو حرم هی قدم قدم تکبیر می کشند می آرند علم

زمزمه می آد همهمه می آد نیمه های شب فاطمه می آد

هر دم می خونند محکم می خونند خادما می گند عاشقا می گند زائرا می گند

ارباب هواییم کن کرببلاییم کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ سرود[[70]](#footnote-70)

سر در بهشت نوشته یا حسین ذکر امشب همه دلا حسین

پر زده دلم ز سینه تا حسین قلب عاشقم بهشته با حسین

ذکر قلب خسته یا حسین با دل شکسته یا حسین بر لبم نشسته یا حسین

ثارالله مرغ قلب عاشقم نشسته روی بام تو به عشق نام تو منم غلام تو

آرزومه تا بذارم این سرُ به پای تو شدم گدای تو منم فدای تو

ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین

امشب عالمین بهشت عاشقاست سینه سپهر صحیفه ولاست

شور عاشقی میون دل به پاست قبله دلم ضریح کربلاست

کعبه دل همه حسین شور عشق عالمه حسین نور چشم فاطمه حسین

ثارالله تو امیر و من اسیر گوشه نگاه تو من و پناه تو سرم به راه تو

دل همیشه مبتلای جلوه عطای تو من و سخای تو من و وفای تو

ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین

با نگاه تو بهاریه دلم عشق تو شده تموم حاصلم

ذکر نام تو بهشت محفلم با تو حل شده تموم مشکلم

عشق و آرزوی من حسین رنگ و آبروی من حسین نیت وضوی من حسین

ثارالله عرش حق شد از طلوع جلوه تو غرق نور ز شوق این حضور گرفته دل سرور

ای دخیل زلف تو همه دلای عالمین همه به شور و شین به ذکر یا حسین

ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ سرود[[71]](#footnote-71)

چشمامُ می بندم تا تودلداری خستم از این همه روزای تکراری

تو شبای سختی تنها تو دلداری

اربابم دریابم

کربلارویای شیرین شبهامه کربلا هم عشق و هم دین و دنیامه

کربلا می خونم پای تو میمونم همه هستیمُ من به تو مدیونم

یا اباعبدالله

آسمون چشمامون خیس بارونه خوش به حال اونکه علقمه مهمونه

دوباره می رم دم یه سقاخونه

یا اباالفضل

همه دنیا انگاری روبروشه وقتی رقیه روی دوش عموشه

کربلا کی می رم بهترین تقدیرم اینه که علقمه پیش تو بمیرم

سیدی اباالفضل

سومین پسر زهرایی اباالفضل پرورده دست مولایی اباالفضل

پهلوون پهلوونایی اباالفضل

یا اباالفضل

ماه آسمونا و شاه زمینی تو نمک سفره ام البنینی

مست علمدارم عشق حرم دارم به خدا مثل اربابم دوست دارم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ سرود[[72]](#footnote-72)

چراغونی کنید خیابونا رو آب و جارو کنید صحن دلا رو

بهترین شب عشاق الحسینه ببوسید دست پیرغلام ها رو

غمُ غربال کن شادیُ دنبال کن بگو یا حسین و فاطمه رو خوشحال کن

یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله

نوکرا شب شب شور و شینه دلم امشب تو بین الحرمینه

نصف قلبم شده وقف اباالفضل نصف قلبم گرفتار حسینه

غصه کمیاب شد قند تو دلم آب شد حال و روزم خوشه چون شب ارباب شد

یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله

بهترین گل، گل ام البنینه چون برا رهبرش عزیز تزینه

هرکی ادعای نوکری داره بره تو علقمه دوره ببینه

شب میلاده یار سر به سر غم نذار جون هرچی مرده دستاتو بالا بیار

یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله

کوری چشم حضار سقیفه بساط محفل شادی ردیفه

یه چیزی کم داره حیفه نگیری لعن بر سعود و آل خلیفه

خدا وهابی رو الهی لعنت کنه بعد از اون دسته جمع مدینه قسمت کنه

یا حسین یا ثارالله یا وجیها عندالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ سرود[[73]](#footnote-73)

همه جا همه وقت می خونیم یا حسین تا خدا بده عمر می مونیم با حسین

با حسین مستم با حسین شادم با حسین هر شب تار من مث روزه

با حسین خوبم با حسین ماهم با حسین جام تو دل فاطمه محفوظه

غلامتم ارباب

سایه کرم این خونه است رو سرم آرزوم همینه بمیرم تو حرم

تو حرم دریا تو حرم خورشید تو حرم سیب بهشتی چه فراوونه

تو حرم اعجاز تو حرم پرواز تو حرم دیدن انبیا چه آسونه

غلامتم ارباب

ندیدم تو عالم خوبتر از تو آقا آخرش می گیرم من ازت کربلا

کربلا نوره کربلا عشقه کربلا مرکز فرماندهی دنیاست

کربلا جنت کربلا فردوس کربلا می خونه عشیره زهراست

غلامتم ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ سرود[[74]](#footnote-74)

ای همه هست حیدر گل سرمست حیدر نور چشمان زهرا عصای دست حیدر

دلم پیشت گیره آروم نمی گیره نوکر اگه اربابشُ نبینه می میره

مهتاب من ارباب من یا حسین مولا

ای همه دلخوشیم به خدا می کشیم منُ دنبال خودت به کجا می کشیم

ای گوهر نابم صاحب و اربابم عمریه که به عشق گنبد تو بی تابم

سالار من دلدار من یا حسین مولا

شده ام مست ولی از شراب ازلی ضربان قلب من یا حسین بن علی

دل شده آوارت اسیر و بیچارت بال ملائک شده سایبون گهوارت

ماه منیر نعم الامیر یا حسین مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ سرود[[75]](#footnote-75)

عشق دلای بی تاب اومد تو شب تیره مهتاب اومد

قبله قلب احباب اومد بیاید گداها ارباب اومد

ارباب ما گداهای در خونتیم ارباب همه مادر زادی دیوونتیم

ارباب سالاری آقایی دلبند زهرایی

اومدی و عاشقی پا گرفت زیر سایت آسمون جا گرفت

برا نوکری درگاه تو خدا از انبیا امضا گرفت

یا اباعبدالله الحسین

عاشورا اصل فرهنگ ماست منشور خط یک رنگ ماست

تا زنده ایم این آهنگ ماست دشمن رهبر تو چنگ ماست

لبیک یا قتیل العبرات یا حسین لبیک مالک اشتر پیر خمین

لبیک ثارالله یا مولا سیدالشهدا

ما همه مور و سلیمان تویی همه منظور قرآن تویی

از این آب و خاک گرفتی عرووس دوماد کشور ایران تویی

یا اباعبدالله الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ سرود[[76]](#footnote-76)

آی همه عالم شب حسینه خوش به حال اون که تو بین الحرمینه

به خدا مست مستم می کوثر به دستم

چی می خوام بهتر از این سر سفرت نشستم

اونور دنیا هم باشه کربلا به عشق دیدنش میام به والله

اباعبدالله یا ثارالله

هرچی که دارم آقا برا تو خدا بیامرزه تموم نوکراتو

واسه عشقت می میرم دامنت رو می گیرم

به خدا تو بهشتم تو نباشی نمیرم

هیچکی رو دستت نیومد تو مردی دستمونُ گرفتی ول نکردی

اباعبدالله یا ثارالله

خیره شدم باز به پرچم تو کاشکی که زودتر برسه محرم تو

نمکت رو که خوردم همش اسمت رو بردم

خودمُ از جوونی به جوونت سپردم

آسمونُ دیدم که مهتابشی قربون هر کی که تو اربابشی

اباعبدالله یا ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ سرود[[77]](#footnote-77)

اگه عاشق شدی دلتُ بزن به دریا اگه مجنون شدی سرتُ بذار به صحرا

هرجوری شد امشب برو یه سفر مدینه ببین آقاتُ که خوابیده رو دست زهرا

خدای عشق و عاشقی هامون اومد قیامت محشر دنیامون اومد

پاشید دیوونه ها که لیلامون اومد

آقامون اومد

خونه همه ما حرم حسینه سر ما همه زیر قدم حسینه

من بنده ام آقامه حسین تا زنده ام آقامه حسین

آقامه حسین مولامه حسین

کوچه های شهر مدینه منور شده شب شور و مستی شب می و ساغر شده

علی باز پدر شد فاطمه مادر شده حسن بن علی صاحب برادر شده

کشکول عاشق شده پر از توشه هرکسی کربلایی در خروشه

بار سفر می بنده امشب مدهوشه

پای شش گوشه

خونه همه ما حرم حسینه سر ما همه زیر قدم حسینه

ای سوگند هر روز و شبم میونه اسمت روی این لبم

آقامه حسین مولامه حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک17ـ سرود[[78]](#footnote-78)

میلاد ثارالله اکبر آمد مصداق قرآن پیمبر آمد

جان پیغمبر خوش آمد حجت داور خوش آمد

کشتگان راه حق را سید و سرور خوش آمد

یا حسین عیدت مبارک

میلاد ایثار و شهادت آمد خورشید تابان سعادت آمد

این شهیدان را امام است رهبر خون و قیام است

عشق و ایمان و شهادت بی ولای او حرام است

یا حسین عیدت مبارک

پیغمبر پیغمبر چشم تو روشن یا حیدر حیدر چشم تو روشن

جانی و جانانه داری در بغل ریحانه داری

ای یم فرزند و کرامت در بغل دردانه داری

یا حسین عیدت مبارک

ای ماه تابان چرخ هدایت منجی انسانها شمس ولایت

تو علی را نور عینی تو چراغ عالمینی

تو تمام هست احمد تو حسینی تو حسینی

یا حسین عیدت مبارک

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 18ـ سرود[[79]](#footnote-79)

دیوونت به والله هستم تا همیشه من نوکر تو ارباب بهتر از این نمی شه

با کرببلا گل از گل دنیا شکفته اسم یا حسین از رو زبونم نمی افته

کربلاتُ عشقه زائراتُ عشقه

چایی ریز و کفش جفت کن هیاتاتُ عشقه

حسین اربابم

باز امشب چه مستم از این بوی سیبت عشق ُ یاد گرفتم از جون و حبیبت

با دست خودش نوشته این جمله رو سقا شیش گوشه تو شیش گوشه بهشته آقا

وای حرم چه دوره این دلا صبوره

با امام رضا کرببلامون دیگه جوره

حسین اربابم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک19ـ سرود[[80]](#footnote-80)

مستم و مستی شده بهونه تو این دوره زمونه حالمُ کی می دونه

مستم و دیگه دل دیوونه حس می کنم میونه زمین و آسمونه

دل خرابه می نابه یکی منُ ببینه صورت یار داره انگار تو پیاله می شینه

شور پریدن دوباره سر می گیره وقتی که فطرس دوباره پر می گیره می خونه

ترانه همیشه روی لب عاشقا حسین می خری می بری یه سحری دلُ تا کجا حسین

داره دلای ما هوای شبای کربلا حسین

حسین ارباب من

غم نخور پاشو حالمُ دریاب واسه دلای بی تاب دیگه رسیده ارباب

شب شد و به زیر نور مهتاب چه زیبا رفته در خواب پسر ابوتراب

همه اهل آسمونا به دور و بر حسین حلقه بستند واسه شوق طواف سر حسین

شوری دوباره به دل عالم افتاد وقتی که اشک مادرش نم نم افتاد رو گونه

می پیچه صدای لالایی حالا تو خونه علی وقتی که امشبم مهمون خدا تو خونه علی

هرکسی که اومد شد حاجت روا تو خونه علی

حسین ارباب من

با ملک باز این دل در به در تا می گیره بال و پر زودی می شه هم سفر

ای صبا هرجا می ری تا سحر منُ با این چشم تر بیا با خودت ببر

تو این شبها دل عاشق زیر رحمت خداست

به خدا این بی قراری بازم نعمت خداست

پاشو دوباره کوله بارت رو بردار خوبه یه سر هم بزنیم به علمدار مستونه

به اذن ساقی همه مستی این شبای ما شور عشق اباالفضلُ نوشته خدا به پای ما

آخرم به دست خودش امضای کرببلای ما

حسین ارباب من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک ـ20شور

امشب دل تنگم زده پر تا حرم تو چشمم بُود ارباب به عطا و کرم تو

از عشقت زنده ام در قلبم کنده ام در راهت بنده ام ثارالله

شاهنشاه جلیل ارباب بی بدیل مولانا الدخیل ثارالله

ثارالله یا حسین بن علی وجه الله یا حسین بن علی

مجنون شده قلبم به هوای کوی ارباب حسرت به غلامت می برم من منُ دریاب

عشقت توی سرم عمریه نوکرم راهیم کن تا حرم ثارالله

حسینی مذهبم در تاب و درتبم مدیون زینبم ثارالله

ثارالله یا حسین بن علی وجه الله یا حسین بن علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک21ـ شور

عکس ضریح تو می آد همه شب در خوابم به شوق کربلای تو به خدا بی تابم

امشب دل دیوونه تا صبح می خونه حسین یا مولا

آقا جوونیم فدات ببر کربلا حسین یا مولا

ببین از عشق بی حدت بی تابم آقای مهربون منُ دریابم من غلامم فقط تویی اربابم

فطرس دلُ شیدا کن پرت رو واکن که اومد ارباب

امشب می خنده حیدر کنار مادر که اومد ارباب

نور زهرا از آسمون تابیده شب میلاد حضرت خورشیده بوی سیب توی کربلا پیچیده

آقا به تو دلدام نبر از یادم اباعبدالله اهل حسین آبادم بُود فریادم اباعبدالله

به نخ پرچم حرم دل بستم تربت کربلا بریز رو دستم که بازم مست مست مست مستم

من عبد حسین بن علی هستم و مستم تا عشق حسین هست منم هستم و هستم

ذکر تو زینت هر مومن برده جنتُ آقا زیر دین

می ریزه رحمت حق آقا هر جایی که باشه نام حسین

تا زندم نوکرت می مونم از عشق کربلات می خونم

آقا جون دعوتم کن تا من یک وقت آرزو به دل نمونم

با یاد تربت و شش گوشه از زیر عشقت آقا می جوشه

نوکرت بال و پر می گیره وقتی که ذکر تو رو می گیره

پرچمت توی عالم بالاست خاک ما تربت کربلاست

دعوت نامه همه نوکرها به امضای مادر تو زهراست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک22ـ شور[[81]](#footnote-81)

چشمه چشمه دل زلال لحظه لحظه خواب و خیال

اومد شب وصال خونم شده حلال

دل اسیری میاره دل سر موی یاره این کار عشقه

دل دیوونگی داره دل خونه نگاره این کار عشقه

وقتی که می گفتم ذکر قالوا بلی تو قلبم جاری شد عشق خون خدا

حسین یا ثارالله

نغمه نغمه شور حجاز سجده سجده سوز و گداز

وقت راز و نیاز فطرس می خونه باز

شب شب شفاعته شب شب عنایته تو آبرومی

شب شب زیارته شب شب عنایته تو آرزومی

بال و پر می گیرم سمت حرم تو باز امشب می شینم پای علم تو

حسین یا ثارالله

عالم عالم گدای تو دسته دسته به پای تو

آقا برای تو می شن فدای تو

از نگاه تو آقا از پناه تو آقا دل شده لایق

با دعای تو آقا با عطای تو آقا من شدم عاشق

شش گوشت قبله قلب شاه و فقیر ارباب با وفا دست منُ بگیر

حسین یا ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک23ـ شور[[82]](#footnote-82)

یه حس عاشقونه داره ته دل من می خونه امشب شب جنونه

یه حس عاشقونه داره منُ به تو می رسونه امشب شب جنونه

بازم هوای عشقه قلبم برای عشقه

عالم همه می دونند آقا خدای عشقه

امشب با تو خدایی می شم مرغ ایوون طلایی می شم حتما کرببلایی می شم

ثارالله ثارالله ابی عبدالله

دلم رو دست دریا بده عشق منی عشق دلها عشق علی و زهرا

به عشق بی بی زهرا بد ه برات زیارت ما باشم حرم آقا

ذکرت دم مسیحا شور دلای شیدا

هستم همیشه مجنون وقتی تو باشی لیلا

پای عشق شما می میرم توی کرببلا می میرم پای ایوون طلا می میرم

ثارالله ثارالله ابی عبدالله

خیلی باز ستاره داره می باره حرم دوباره به به چه حالی داره

دلی که بی قراره داره منُ سر شوق میاره به به چه حالی داره

این دل حرمتونه این از کرمتونه

شکر خدا که قلبم زیر علمتونه

قبل از شروع هیات خوردم یه ذره تربت

مستم دوباره دارم می رم برا زیارت

باز می خوردم و نیت کردم شش گوشت رو زیارت کردم امشب عرض ارادت کردم

ثارالله ثارالله ابی عبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک24ـ شور[[83]](#footnote-83)

باز امشب مست می نابم مجنون و خراب و بی تابم

شکر حق که توی این دنیا در زیر سایه اربابم

از عشقت دیده بهاریه اشکم از شوق تو جاریه

با حکم خدا تو گردیدی فرماندار شهر ماریه

همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو ارباب

با تو از عشق خدا مستم بی مهر تو من بد و پستم

تاج سلطنت به سر دارم تا وقتی گدای تو هستم

پرگیرم به روی بام تو چون مرغی اسیر و رام تو

وقتی اومدم به دنیا شد شش دنگ دلم به نام تو

همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو ارباب

باز قلبم اسیر لیلا شد چشمام از عشق تو دریا شد

بازم زیر پرچم عباس انگار که کربلام امضا شد

از عشقت بی سر و سامونم مجنون تر ز هرچه مجنونم

از بس خوبی و کرم داری از لطفت همیشه ممنونم

همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک25ـ شور[[84]](#footnote-84)

امشب ابر چشام بارونیه عکس آیینه ها حیرونیه

امشب از عشق ارباب دلها کار لیلاها مجنونیه

مولا مولامن از ازل اسیرتم مولا مولا تا به ابد فقیرتم مولا مولا عاشق سر به زیرتم

یابن الزهرا مدد یا مولا

نقش تو روی دلم افتاده تو دلدار منُ من دل داده

نغمه لبهای بی بی زهرا هرکس شد بنده تو آزاده

مولا مولا دلم به زیر دینته مولا مولا به شوره و شینته مولا مولا ذکر لبم حسینته

عشق من حسین عشق من

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم، میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)**

ترک01ـ شعر[[85]](#footnote-85)

مرشدم گفت که امروز طرب باید داشت

مثل تسبیح فقط ذکر به لب باید داشت

نرسی پای پیاده نفسی تا معراج

رهرو راه خدا مرکب شب باید داشت

ای که سلمان شده و در پی مِنّا شدنی

بر سر سفره ات از یار رُطب باید داشت

سائلی بر در این خانه تفاوت دارد

پیش ارباب کرم دست طلب باید داشت

از مقامات اباالفضل چنین دانستم

پیش از هرچه در این راه ادب باید داشت

هرکه از سیره سقاخبری داشت پرید

هرکه از راه ادب بال و پری داشت پرید

دل من حرف به اندازه دنیا دارد

هرچه امروز قلم حرف زند جا دارد

چشم طبعم به قد و قامت سروی خورده

که چنین قامت شعرم قد و بالا دارد

یا الهی به اباالفضل شده مشق شبم

لفظ بی صحبت از دوست چه معنا دارد

بین خورشیدترین های دو عالم امشب

ماهی از راه رسیده که تماشا دارد

شوق بانوی کلابیه از این است که حال

تحفه ای پیشکش حضرت زهرا دارد

جان به قربان کسی که ز امامش حکم

انّ العباس زقّ العلم زقّا دارد

پرورش یافته آل عبا عباس است

عالم غیر معلم به خدا عباس است

از دل تو به خدا نیست دلی دریاتر

از دو چشم تو ندیده ست کسی گیراتر

به خدا ماه شب چاردهم معترف است

نیست از ماه بنی هاشمیان زیباتر

در دل جنگ چنانی که همه می گویند

بعد مولا نبود از تو کسی مولا تر

آنکه گفته رفع الله به ما فهمانده

نیست از رایه العباس علمی بالاتر

گرچه سیراب دهد آب به تشنه ساقی

آنکه لب تشنه دهد آب بُود سقاتر

روز میلاد تو با حال خراب آمده ام

با لب تشنه پی جرعه ای آب آمده ام

دل من جز تو نبوده ست گرفتار کسی

نه گرفتار کسی نه پی دیدار کسی

مرغ باغ ملکوت توام و ننشینم

غیر دیوار تو یک لحظه به دیوار کسی

جز سر کوی تو جایی خبری نیست که نیست

مشتریت نرود بر سر بازار کسی

سر سال آمده و آمده ام محضر تو

راه انداختن من نبُود کار کسی

زیر دین احدی نیستم الا عباس

نشوم غیر تو یک لحظه بدهکار کسی

دلم از بس که ندیده ست تو را سنگ شده

به هوای حرم علقمه دلتنگ شده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شعر[[86]](#footnote-86)

بین شک کردگان اگر انداخت

چهره در چهره قمر انداخت

سلسله کوه هاشمی شد چون

دست در بازوی پدر انداخت

زلف را ریخت روی شانه باد

باد را بین دردسر انداخت

اکثر دشمنان خود را او

نه که با تیغ با نظر انداخت

از کمانی که داشت در دستش

مژه اش تیر بیشتر انداخت

یکی از ترس او سپر برداشت

یکی از هیبتش سپر انداخت

آمد عباس نصف لشکر را

از تکاپو همین خبر انداخت

ظهر فهمید طعم مردن را

هرکسی را که در سحر انداخت

شیر را کرد شیر در کاسه

تا بنوشد در او شکر انداخت

شب میلاد تو میلاد به هم می ریزد

این جهان علی آباد به هم می ریزد

خیره بر بازوی شاگرد خودش با بوسه

اشک می ریزد و استاد به هم می ریزد

شب قبل از تو حسین تو شب بعد از تو

سر بازوی تو سجاد به هم می ریزد

چه نیازی ست بپوشی زره و جنگ کنی

به تماشای تو صیاد به هم می ریزد

مثل این رود که از دست تو موجی شده است

کار هرکس به تو افتاد به هم می ریزد

چون که برقعده گشاید دل آب آب شود

زلف آشفته کند باد به هم می ریزد

سین که شد حرف نهایی حروف عباس

از حسودیش به سین صاد به هم می ریزد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ سرود[[87]](#footnote-87)

گفتم و می گم بازم هزار بار فقط می میرم برا علمدار

به ضریحت دست زدم شدم سرمست نوکرتم در بست آقام اباالفضل

تا مست کوثر شدم غلام حیدر شدم

ابالفضلی بودم و اباالفضلی تر شدم

آقام آقام آقام اباالفضل

اومد عموی علی اصغر استاد رزم علی اکبر

دل و دلداره با اینکه سرداره چه ادبی داره آقام اباالفضل

به جنگ این نازنین علی گفت صد آفرین

همه مادرهای ما فدای ام البنین

آقام آقام آقام اباالفضل

بریم ایشالا با شور واحساس پیاده با هم تا کف العباس

باب حاجاته همیشه باهاته عموی ساداته آقام اباالفضل

تو محشر غوغا می شه تا وارد زهرا می شه

بهشتم با دستای علمدار امضا می شه

آقام آقام آقام اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ سرود[[88]](#footnote-88)

رسیده امشب از گلشن احساس به جان و دل شمیم لاله و یاس

می ریزه از سما بارون الماس مژده ایها الناس از مقدم عباس

دوباره آسمونا تموم کهکشونا

برای دلبر ام بنین شده چراغون

فرشته های بالا همه با اذن مولا

به عشق ماه زیبای علی شدن غزل خون

امشب دوباره زدم دلُ به دریا مست می کوثرم به عشق مولا دست من و دامن حضرت سقا

عباس اباالفضل

پیاله می زنم ز کوثر امشب با جام شوق عاشقی لبالب

تو آسمون دل رسیده کوکب اومد عشق زینب اینه واله رب

اینه ماه هدایت که حضرت ولایت

بوسه می زنه با اشک دو دیده به دستاش

اینه جلوه حیدر که با نگاه کوثر

دل می بره از چشم حسن دو چشم زیباش

عباس همیشه علمدار حسینه از گهوارم تا ابد یار حسینه میر و سپهدار و سردار حسینه

عباس اباالفضل

دلم می خواد گرفتار تو باشم هوادار هوادار تو باشم

تو یوسف من خریدار تو باشم من یار تو باشم غمخوار تو باشم

چی میشه با نگاهت همیشه در پناهت

به عشق پاک تو یه روز بشم منم فدایی

با باده ولایت با جلوه عنایت

تموم زندگیم بگیره آهنگ خدایی

دست من و لطف و بخشش و عطایت تا از نگاه تو از سر سعادت یک روز نصیب منم بشه شهادت

عباس اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ سرود[[89]](#footnote-89)

دیوونه ام دیوونه اباالفضل دارم همش بهونه اباالفضل

توی دلم شب غزل عشقه روی لبم ترانه اباالفضل

خدایی مست می کنه بوی اباالفضل وقتی داره می وزه از کوی اباالفضل

بیشتر از این مستی می خوای وقتی که حیدر داره نقاب می گیره از روی اباالفضل

ذکرش شده شعارم همه عشقم همه قرارم

منمُ دلمُ علمُ یک دونه دلبری که دارم

دلم ُ بیارید که دلدار اومده علمُ بیارید علمدار اومده

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ سرود[[90]](#footnote-90)

شب شب مستیمونه آسمونم می خونه

راه ابالفضل شاه اباالفضل ماه حریم حرم الله اباالفضل

اومد اونکه ذوب ولایته اومد اونکه شیر امامته

اومد اونکه معنی رحمته اومد اونکه دنیای رأفته

غصه ها رفته از یادم بین می خونه افتادم

من غلام اباالفضل و ساکن حیدر آبادم

شب قدر خونه حیدره اومد اونکه دلها رو می بره

نفسش دل گرمی خواهره ضربان قلب برادره

آسمون محو دستاشه مات اون قد و بالاشه

شرم مردونه چشماش عین چشمای باباشه

این دم اصرافیله نغمه جبرائیله

طور اباالفضل شور اباالفضل نور علی نور علی نور اباالفضل

یا اباالفضل سایه رو سرم یا اباالفضل چاره آخرم

یا ابالفضل بنده این درم یا اباالفضل وعده ما حرم

دل هوای زیارت کرد چشماشُ بست و نیت کرد

روبروی ضریح تو آرزوی شهادت کرد

سینه ها بی تاب امشب می خونه ارباب امشب

عشق اباالفضل یار اباالفضل دست علی حیدر کرار اباالفضل

شور مستی شیرینه نعره مستا اینه

روح اباالفضل جان اباالفضل شاه کلید دل سلطان اباالفضل

آب اباالفضل ناب اباالفضل جلوه اربابی ارباب اباالفضل

می وزه طوفان عشق آیه قرآن عشق

کمال اباالفضل زلال اباالفضل جلوه گر خدای ذوالجلال اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ سرود[[91]](#footnote-91)

با گذشت صبحی از شادی امید یه شب قشنگ و دیدنی تو راهه

می گند اصلا هدف غروب خورشید واسه خودنمایی حضرت ماهه

امشب آسمون رویایی می شه وقتی که زمین دریایی می شه

منصب ما از این به بعد سقایی می شه

خورشید و ماه با هم خلوت کردند از ما ستاره ها دعوت کردند

ارباب و نوکری رو قسمت کردند

زمین و زمون بازم داره می لرزه اسم غیرت خدا روی لب اومد

همه قربونی بشیم والا می ارزه آخه هستی حسین و زینب اومد

از راه اومده بی همتاترین شکل حیدره چشماشُ ببین

خدا بهت ببخشدش یا ام البینین

یاسی که بین گلخونه وا شد همسفره گلای زهرا شد

قمر عشیره لیلاها شد

کی دلش می خواد بره شاهُ ببینه اجازش فقط تو دستای وزیره

هرکی زیر سایه حسین می شینه این اباالفضله که دستشُ می گیره

تمثیل وفا سلطان ادب لیلای عجم سردار عرب

شهره شده به تکسوار حیدر غضب

رمز قیامت کبرا عباس صاحب لوای عاشورا عباس

تو بزرگ نوکرایی یا عباس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ سرود[[92]](#footnote-92)

خبر اومد یه پهلوون اومد برا دنیا یه سایبون اومد

دل دریا ترانه های عشقُ غزل عاشقی رو می خونه سر راهش

شب رویا دوباره شده شیدا خودشُ می رسونه به نسیم نگاهش

خدای کرم اباالفضله صاحب علم اباالفضله نقش پرچم بالای سرم اباالفضله

ام البنین می ریزه گل به پاش آقام حسین می گه جونم فداش

یا اباالفضل قمر بنی هاشم

همه نیا برات به صف می شن خاک راه شه نجف می شن

گل یاسه بارون الماسه دوباره باز امشب روی موجای دریا

خورشیده نوری که تابیده به دلامون امشب افق شب یلدا

آرزوی من اباالفضله آبروی من اباالفضله هیاهوی این دل خرابم اباالفضله

لطف نگاش چه بی کرون شده انگار علی بازم جوون شده

یا اباالفضل قمر بنی هاشم

آسمونا بازم غزل خونن قنداقش رو دارند می گردونند

تویی آقا قراردل مولا جمال زیباتون تکه تو این دنیا

عیوالله به این همه قدرت به این همه هیبت نداری دیگه همتا

فارس العرب اباالفضله معنی ادب اباالفضله قمر بنی هاشم لقب اباالفضله

دوست دارم آقا یه عالمه پر می زنم به سمت علقمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ شور[[93]](#footnote-93)

بوسه بزن دستای دست خدا رو کنار ارباب ببین شاه وفا رو

هرچی می خوای بگو با باب الحوائج بگیر ازش امضای کرببلا رو

می خوان کنار خورشید یه ماه بیارند برای دولت عشق سپاه بیارند

همون که آبروشو خرج می کنه تا گنه کارا به ارباب پناه بیارند

بسته دلی رو که شد مست علمدار به پرچمای ارباب دست علمدار

زندگی هرکسُ که با حسینه می سپاره زهرا فقط دست علمدار

یا ابوفاضل مدد یا اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ شور[[94]](#footnote-94)

پسر شاه بدرُ حنینی تو کلید دار باب الحسینی

تویی ساقی آب فرات و ناخدای کشتی نجاتُ

کاشکی بریم ما با شور و احساس پای پیاده تا کف العباس

لیلی و مجنون شیرین و فرهاد عاشقی رو از تو می گیرند یاد

در خونت هرکی رو می آره به خدا کارش نشد نداره

می آره زهرا روز قیامت دستاتُ عباس برا شفاعت

تویی تو عشق امیر کوفه ادبت عباس خیلی معروفه

حرم عباس حرم مولاست زائرش امشب حضرت زهراست

سر در جنت اینُ نوشته غلام سقا جاش تو بهشته

چه بی نظیره چشای مستت علم عشق میون دستت

ام النین که کنیز زهراست پسرش عباش عزیز زهراست

تو زائراتون بیا علمدار یه جا برای ماها نگهدار

الهی باشم با کرم تو شبای قدرُ تو حرم تو

آقام اباالفضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 11ـ شور

همه عشق حسین و ماه روی زمینه پسر ناز حیدر یل ام البنینه

ذکر تپش های دلم یار مسیحای دلم یا ابوفاضل

خجل از روی ماهش یوسفان سر به زیرند حاتم و صد سلیمان صله از او می گیرند

قوت قلب مرتضی ساقی دشت کربلا یا ابوفاضل

دست خالی نمیره کسی از باب عباس آخه شاگرد درس شاه و اربابه عباس

ای قمر هاشمیان ما رو به کربلا رسان یا ابوفاضل

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ شور [[95]](#footnote-95)

قدم بزن که دلهامون به زیر پاهای توئه علم بزن که آسمون نگاش به دستای توئه

حرف بزن که مرتضی کشته لبهای توئه

وقتی رقیه مشتتُ پیش همه وا می کنه به زیر انگشتر تو آسمونُ پیدا می کنه

تو قیامت وقتی روی تو پیدا می شه روز محشر تازه محشر کبرا می شه

شونه نزن زلفتِ که می ریزه دلها رو زمین پلک نزن با غمزه هات کشتن ماها رو ببین

ناز نکن آقا جان کنار کشته هات بشین

با عشق تو لب به لب جام شهادت می زنم به سینه در مکتب تو سنگ ولایت می زنم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ شور[[96]](#footnote-96)

یا اباالفضل که می گم عشقُ از سر می گیرم یا اباالفضل که می گم دلمُ زر می گیرم

یا ابالفضل که می گم به حرم پر می گیرم یا اباالفضل یا اباالفضل

یا اباالفضل که می گم اسم یک پهلوونه یا اباالفضل که می گم اسم رمز جنونه

یا اباالفضل که می گم دیگه می شم دیوونه یا اباالفضل یا اباالفضل

سرمستم پیاله به دستم دوباره نشستم به پای اباالفضل

دل مجنون زده به بیابون به نیت ایوون طلای اباالفضل

آقامه آقامه یا اباالفضل قشنگترین آوامه

یا اباالفضل که می گم پسر بوترابه یا ابالفضل که می گم علی اصغر می خوابه

یا اباالفضل که می گم نذر بی بی ربابه یا اباالفضل یا اباالفضل

یا اباالفضل که می گم تو دلم می شه محشر یا اباالفضل که می گم می رسه بوی محشر

یا اباالفضل که میگم بگو الله اکبر یا اباالفضل یا اباالفضل

ای دل پر بزن دور دلبر کبوتریم در هوای اباالفضل

سقاشه حسین به فداشه کی می تونه باشه به جای اباالفضل

آقامه آقامه یا اباالفضل قشنگترین آوامه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ شور[[97]](#footnote-97)

باز این دل در هوس یاره مجنون کوی علمداره

کاری کن برای من عباس قلبم در حسرت دیداره

کارم روز و شب شده فریاد تو صحن جامع و گوهرشاد

آخر کربلامُ می گیرم آقا از پنجره فولاد

همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو عباس

باز امشب به تو بدهکارم جونمُ دست تو می سپارم

جون مادرت قسم ارباب بی اندازه من دوست دارم

کی مثل تو انقدر آقاست کی مثل تو پرچمش بالاست

کی مثل تو کربلا داره کی مثل تو زائرش زهراست

همه هستم فدای تو دل من مبتلای تو شده ام خاک پای تو ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم، ولادت امام سجاد(علیه السلام)**

ترک01ـ شعر[[98]](#footnote-98)

روز میلادتان چه روزی بود

در مدینه هوا بهاری بود

موج می زد نگاهتان از عشق

وقت یک عکس یادگاری بود

روز میلادتان چه روزی بود

چشم عالم به دست آقا بود

سر تبریک گفتنِ به حسین

بین خورشید و ماه دعوا بود

روز میلادتان خدا خندید

فتبارک دوباره نازل شد

حضرت حق برای شیعه تو

امتیازات ویژه قائل شد

روز میلادتان زحل پا شد

غسل در آب حوض کوثر کرد

شادباشش به آسمانیها

گوش آل امیه را کر کرد

ای کلیم مدینه نبوی

مرد شب زنده دار سجاده

همه عرش تحت سلطه توست

حضرت شهریار سجاده

آسمانها به پات افتادند

هر زمانی به سجده افتادی

با زبور صحیفه ات آقا

درس دلدادگی به ما دادی

آمد ابلیس شکل یک افعی

نقشه ای شوم را رقم بزند

عددی نیست این فرومایه

که نماز تو را به هم بزند

پوزه اش را به خاک مالیدی

مرحبا آفرین چه پیکاری

تا سلاح البکاء به دستت هست

چه نیازی که تیغ برداری

خاک نعلین هایتان آقا

سرمه چشم حوریان بهشت

اشک های زلال نافله ات

عسل چشمه روان بهشت

بندگی را به من بیاموزی

نروم سمت لاابالی ها

کاش می شد بخواهی و بشوم

از ابوحمزه ثمالی ها

سید الساجدین دعایی کن

گره کور خورده در کارم

غیر از این جا بگو کجا بروم

با امید آمدم گرفتارم

سیدالعابدین نگاهی کن

بی پناهم مرا تو یاری کن

نوکرت کربلا نرفته هنوز

تا نمردم ز غصه کاری کن

کربلا گفتم و دلت خون شد

یاد گودال و دشنه افتادی

جگرت سوخت از عطش آقا

یاد اطفال تشنه افتادی

خنده نحس حرمله آقا

شده کابوس هر شبت ای وای

پیش چشم ترت به یغما رفت

چادر عمه زینبت ای وای

کاش می مردم و نمی خواندم

سر بازارها تو را بردند

نیزه داران عبای دوشت را

جای سوغات کربلا بردند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شعر[[99]](#footnote-99)

امروز را که میهمان آسمانم

در انتظار لحظه سبز اذانم

حتی شده از شوق با بال شکسته

خود را به سمت آسمانها می کشانم

امشب که گرم دادن خیرات هستند

خوب است تا وقت سحر اینجا بمانم

من تا گره را وا کنم از کارهایم

باید دعایی از صحیفه را بخوانم

سجاده ها تبریک آمد استجابت

تسبیح ها هو یا علی ورد زبانم

باید گدای حضرت سجاد باشم

طبق وظیفه نوکر این آستانم

آمد علی سوم این خانواده

ارباب عقیقه کرده و خیرات داده

می خواند در گوشش عمو لالاییش را

هرشب کنارش قصه سقاییش را

می شد بفهمی از گل لبخند ارباب

بار دگر حال خوش باباییش را

می دید چشم عمه پشت دود اسپند

سجاد را آن خنده رویاییش را

مشغول بازی با برادر بود اکبر

این گونه پر می کرد او تنهاییش را

یا حضرت سجاد می خواهد غلامت

هم آخرت هم حاجت دنیاییش را

سجادی و عرش خدا سجاده توست

از توست دارد این همه والاییش را

من را به نام نوکری خود صدا کن

در بین قربانی شدن هایت سوا کن[[100]](#footnote-100)

روح دعایت آبروی صد مسیحاست

از آبروی توست اینکه عشق زیباست

در چشم هایت موج می زد استجابت

آقا دخیل چشم هایت دست دریاست

در حالت سجده اگرچه روی خاکی

زیر پر و بالت تمام عرش پیداست

پرواز را با دست بسته یاد دادی

رد قدمهایت میان آسمانهاست

تو شهربانوزاده ای و سهم ایران

اصلا حرم سازی تو بر عهده ماست

وقتی اصالت دارد ایران از تو و او

با تو همیشه پرچم این خطه بالاست

ما قوم و خویش حضرت سجاد هستیم

ما از اهالی حسین آباد هستیم

از چشم تو رنگ دعا می رفت بالا

با جمله یا ربنا می رفت بالا

سرمست اهل آسمان پایین می آیند

وقت دعا تا دستها می رفت بالا

از گوشه سجاده ات حاجت گرفته

صدها فرشته بی صدا می رفت بالا

وقت مناجاتت همیشه نیمه شب

از خاک بوی کربلا می رفت بالا

آخر نفهمیدم از چه بعد گریه

آه از نهادت تا خدا می رفت بالا

زخمی ترین روح مناجات شبانه

در پیش چشمت نیزه ها می رفت بالا

تو سینه را با گریه ات بی تاب کردی

تصویری از کرببلا را قاب کردی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شعر[[101]](#footnote-101)

نشیب های دل من فراز می خواهد

فراز اشک مرا بر نماز می خواهد

مؤید است به روح القدس قلم اما

برای شعر سرودن نیاز می خواهد

اگرچه کرده دل من خیال پردازی

حقیقت است که عاشق مجاز می خواهد

برای سفره بازش نیامدم اینجا

گدای این در آغوش باز می خواهد

اگرچه این دوشب از جام کربلا مستم

ولی دوباره شراب حجاز می خواهد

پیاله ای بدهیدم که دم زنم حق را

دوباره زنده کنم خاطر فرزدق را

نسیم پنجم شعبان ز راه آمده است

صدای پای بهاران ز راه آمده است

ببین بدون پیمبر بدون جبرائیل

دوباره آیه قرآن ز راه آمده است

میان بیشه شیران هاشمی امشب

غزال عرصه ایمان ز راه آمده است

فقط نه اینکه ز راه آمده عزیر عرب

عزیز دختر ایران ز راه آمده است

شب تولد فرزند شاه دختر ماست

زبان مادری او زبان کشور ماست

کسی که شد ششمین نور سوره انسان

کسی که خسته شد از سجده های او شیطان

کسی که هست تجلی پنج تن در او

کسی که شد پدر هشت قبله ایران

کسی که با نفس یک غلام ساده او

نفس گرفته زمین مدینه از باران

کسی که موقع انفاق بین سائلها

ملقب است دل شب به صاحب انبان

به حق او حجرالاسودی شهادت داد

که جز به حق علی وا نکرده ست دهان

به حیرت است کنار حجر دو چشم هشام

ز اهتمام خلائق به احترام امام[[102]](#footnote-102)

بخوان که ضبط کند آسمان صدایت را

صحیفه پخش کند بعد از این نوایت را

برای آنکه بخوانیم لا تُعَدِّبنی

بخوان برای ابوحمزه ها دعایت را

تو با زبان خدا حرف می زنی آخر

چگونه یاد بگیریم ربنایت را

بیا و بعد دعا روضه هم بخوان امشب

بیا و شرح بده داغ کربلایت را

بیا بگو چه کشیدی تو در چهل منزل

بگو که بست به زنجیر دست و پایت را

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ سرود[[103]](#footnote-103)

فرشته داره باز خبر می آره بارون رحمت خدا می باره

می ریزه از آسمونا ستاره

بازم دوباره

شب شب تو شب من شب نور دل دوباره شده شاد و مسرور

بزم مستی دوباره شده جور

چشم حسود کور

نگاه تو منُ تا مدینه می کشونه دوباره می خونم صحیفتُ عاشقونه

آقاجون آقاجون دوست دارم یه عالمه آقاجون آقاجون هرچی بگم بازم کمه

نفس کشیدن بی شما حرومه بی شما عشق و عاشقی کدومه

اگه نگاه لطف تو نباشه

کارم تمومه

باز گرفته شب تو چشامُ زود بده روزی کربلامُ

من می گیرم به سمت تو آقا

دست دعامُ

دعاهای شما منُ خدایی می کنه نگاه تو منُ کرببلایی می کنه

آقاجون آقاجون دوست دارم یه عالمه آقاجون آقاجون هرچی بگم بازم کمه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ سرود[[104]](#footnote-104)

سر زده باز ستاره ارباب ما دوباره می خواد گل از خدا بگیره

تو آغوش کریمش بدون استخاره می خواد علی جا بگیره

قبله تقوا و یقین آینه حبل المتین پا می ذاره روی زمین

عاشق و دلداده علی سجده و سجاده علی جام می و باده علی

مددی زین العابدین ای شاه دین

دیدنیه نگاهش صورت قرص ماهش سیب دو نیمِ علیه

عطر خوش نمازش دستای باز بازش دست کریم علیه

چشمای بارونی داره مادر ایرونی داره سفره پر نونی داره

شکل و شمایل حیدره قول و عمل پیغمبره از همه عالم سره

مددی زین العابدین ای شاه دین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ سرود[[105]](#footnote-105)

دلها با صفا از روی دلبر سجاده گرفته عطر کوثر

می آید شمس عالمتاب هستی حضرت ارباب

یا مولا سیدی سجاد

وصلت می کنیم با آل زهرا دختر می دهیم به پور مولا

شه بانو خانه ات آباد نام تو آبرومان داد

یا مولا سیدی سجاد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ سرود[[106]](#footnote-106)

ای گل رعنای حسین علی علی مرهم دردای حسین علی علی

نغمه لبهای حسین علی علی

تو امیر دلهایی تو امام سجادی تو امیر دریایی عاشقی یادم دادی

تو به من گفتی خدا دوسم داره برا عاشق ابر رحمت می باره

هرکی با فاطمه یا علی می گه روز محشر دیگه ماتم نداره

اسم زیبات علیه علی علی قد و بالات علیه علی علی

دین و دنیات علیه علی علی

من که وجودم علیه علی علی بود و نبودم علیه علی علی

ذکر سجودم علیه علی علی

آسمونُ دیدم تا روی خاکت افتادم من هلاک ارباب و سینه چاک سجادم

هرکی معبودُ عبادت می کنه انگاری تو رو زیارت می کنه

دیگه هیچی جز خدا نمی بینه دل هرکی به تو عادت می کنه

تو دلا زمزمه ای علی علی نوه فاطمه ای علی علی

تو امید همه ای علی علی

تموم دنیا یه طرف علی علی عشق تو آقا یه طرف علی علی

ای نوه شاه نجف علی علی

با همین دل تا محشر دل به عشقت می بازیم با همین دستا یک روزگنبدت رو می سازیم

یه روزی می آد فدای تو می شیم راهی کرببلای تو می شیم

یه روزی از حرم ام بنین وارد صحن و سرای تو می شیم

وجناتت علیه علی علی سکناتت علیه علی علی

تو صفاتت علیه علی علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ سرود[[107]](#footnote-107)

ولادت امام العارفینه علی اومد دوباره تو مدینه

حسین فاطمه اسیر روی پسر بانوی ایران زمینه

عید شما مبارک روز خدا مبارک

امشب بگو که جشن ایرانیا مبارک

تاج سر اومده یا دلبر اومده

زهرا جاش خالیه باز حیدر اومده

نور الهی به زمین رسیده برا حسین یه جانشین رسیده امام زین العابدین رسیده

راهی واسه راز و نیاز آوردند یه دلیلی واسه نماز آوردند

اگه می خوای حاجتتُ بگیری بدو بیا که چاره ساز آوردند

عکس یه شاخ شمشاد تو چشم ارباب افتاد

امشب خدا برامون باز دسته گل فرستاد

زینب دونه دونه اسفند می سوزونه

شهربانو حالا شد شاه بانوی خونه

صدای تبریک حسن بلنده ام البنین داره حنا می بنده علی رو دستای علی می خنده

کنار سجاده زبون می گیره عرش خدا به خدا جون می گیره

خودش که هیچ اگه غلام سیاهش یه اشاره کنه بارون می گیره

حتی می گند فرشته با اینکه تو بهشته

هی از روی صحیفه اش تکلیف شب نوشته

ای تندیس دعا شاه اهل بکا

باتو ماه رمضون می ریم سمت خدا

با ابوحمزه ما رو آشنا کن به مناجات می ری ما رو دعا کن نصیبمون مدینه کربلا کن

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ شور[[108]](#footnote-108)

کسی که از دنیا بی نیازه اهل رازه تو بندگی وقتی سربه زیره سرفرازه

راه رسیدن بال پریدن خدا رو دیدن یه نمازه

بنده نگات آزاده عشقه زائر چشات تو جاده عشقه خاک زیر پات سجاده عشقه

یا زین العابدین مدد

گل افتاده صورت سپیده نورسیده بس که ابوفاضل از جمالش بوسه چیده

دلم می خونه شده دیوونه تو آسمونه شب عیده

جلوه نور علی تو نگاشه کعبه هرکجا همیشه باهاشه زندگی ما همه به فداشه

یا زین العابدین مدد

دلی که شوق مدینه داره دست یاره برای پابوسی و زیارت رهسپاره

یه جا می شینه روشُ ببینه عاشقی اینه بی قراره

داره می ره دل دیدار بقیعش وقتی می رسه کنار بقیعش سر می ذاره رو دیوار بقیعش

یا زین العابدین مدد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ شور[[109]](#footnote-109)

شب و دل بیتاب ستاره و مهتاب

یه علیه دیگه اومده تو خونه ارباب

دل آسمونی داره از علی نشونی داره هم وطنومنه آخه یه رگ ایرونی داره

عیدی می گیرم از حسین می رم تا بین الحرمین

علی علی علی بن الحسین

صحیفه مولا داره بوی تقوا

می گیره ازش روزی ماه رمضونُ دنیا

فدای سوز سحرش فدای چشای ترش دعا که می خونه می شه خیلی شبیه مادرش

شادند همه حسینیا اومد سفیر کربلا

علی علی علی بن الحسین

می گیره دلامون برای آقامون

الهی کنیم همچین شبی بقیعُ چراغون

مدینه با صفا می شه چه حرمی بپا می شه یه گنبد و ضریح و یک باب الحسین به پا می شه

قلبم به یاد تو شکست پشت در بقیع نشست

علی علی علی بن الحسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)**

ترک01ـ شعر[[110]](#footnote-110)

عاشقی را کمی خطر باید دل مجنون و دربه در باید

وصل بی دردسر گوارا نیست همره وصل دردسر باید

تا رسیدن به خانه لیلا بار بستن از این گذر باید

مهر اولاد را مجو از دل جستجو کردن از جگر باید

صدقه دادان پسر داران از همه هرچه بیشتر باید

این پدر را چنین پسر باید این پسر را چنان پدر باید

کربلا درس می دهد به همه زیر پای پدر پسر باید

السلام ای صفای شش گوشه عرش پایین پای شش گوشه

آمدی جذبه چمن باشی اسوه نسل سینه زن باشی

آمدی تا که غرق ذات خدا آمدی غرق خویشتن باشی[[111]](#footnote-111)

آمدی تا که بعد پیغمبر حاجت مردم قرن باشی

آمدی ای عصای دست حسین پسر دیگر حسن باشی

آمدی تا که نسل ابراهیم را تو مهتاب انجمن باشی

روح زهرا و مصطفی و علی سه نفر بین یک بدن باشی

با چه ظرفیتی توانستی یک تنه کل پنج تن باشی

لیله القدر در نزول اکبر اشبه الناس بالرسول اکبر

سدره المنتهی ثمر داده باغ آیین برگ و بر داده

نوکران را زخانه ارباب حضرت عشق تاج سر داده

خاک پای تو بر دل سنگم ارزش کیمیا و زر داده

حاجت مانده مرا ارباب با نگاه تو بیشتر داده

بسکه سرمست گشته اوگویی به حسن هم خدا پسر داده

مرتضی اشک شوق می بارد نوه داری چه لذتی دارد

یا دادی بهار بودن را نفس خود مهار بودن را

و تو آموختی چه خوب آقا از حسن سفره دار بودن را

دست تو هر سلاح و شمشیری حس کند ذوالفقار بودن را

به تو آموخته بوسه عباس فاتح کارزاز بودن را

وسط معرکه ندارد خصم چاره ای جز فرار بودن را

بال جبریل آرزو دارد زیر پایت غبار بودن را

یاد دادی به ما کنار پدر سر به زیر و کنار بودن را

یوسف اهل خانواده تویی در امامت امامزاده تویی

از نگاه تو سروری می ریخت معجزات پیمبری می ریخت

وجنات تو فاطمی بود و از تو رفتار حیدری می ریخت

زیر سجاده مناجاتت بال جبریل عجب پری می ریخت

سر بازار یوسف حسنت فقط از عرش مشتری می ریخت

از اذانت فقط نه از نامت سر الله اکبری می ریخت

همه وابسته تو در خانه بسکه از تو برادری می ریخت

یا علی زیر رقص شمشیرت سر یل های لشکری می ریخت

تا شود دور چشم هر بد دل صدقه می دهد ابوفاضل

از خداوندمان که می گویی از مسیر جنان که می گویی

دل بابا به وجد می آید دم مغرب اذان که می گویی

تو بیا و خودت مرا برسان به همان آسمان که می گویی

کاش باشم همان که می خواهی کاش باشم همان که می گویی

از غلامان حلقه بر گوشم به روی چشم آنکه می گویی

پشت پایت دعای بابا بود ربنا ربنای بابا بود

عطش تو مجال رفع عطش از لب و بوسه های بابا بود

خواهران بعد رفتنت گفتند علی اکبر عصای بابا بود

ولدی یا علی علی ولدی آخرین ناله های بابا بود

آن چه در بین خنده ها گم شد گریه بی صدای بابا بود

به پسر ارث می رسد ز پدر کفن تو عبای بابا بود

عمه و چشم دشمن و معجر آخرین ماجرای بابا بود

چشم تو روشن ای غیور حرم عمه آمد میان نامحرم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شعر[[112]](#footnote-112)

گرچه دارد بی عدد زیبا اثر نقاش تو

از تو زیباتر کجا دارد دگر نقاش تو

کرده با نقش تو خود را جلوه گر نقاش تو

با رخت بر رخ کشیده صد هنر نقاش تو

بس نمک خرج تو کرده با شکر نقاش تو

عاشقت باشد ز هر کس بیشتر نقاش تو

شد قیامت بسکه سیمای تو را محشر کشید

گوییا الله اکبر گو علی اکبر کشید

بر تو و بر آنکه نقشت را قلم زد آفرین

بر تو و سرپنجه های حی سرمد آفرین

آفرین هم بر تو و هم آل احمد آفرین

هریکی را در دو عالم باد بی حد آفرین

بیش از آن خلقی که هردم بر تو گوید آفرین

گفته صورت آفرین بر صورتت صد آفرین

جان خود دادن به جانان گشت رسم عالمین

از همان روزی که خالق هدیه دادت بر حسین

با تو بسته دست مهرو ماه و اختر را حسین

با تو رسوا کرده هر از ماه بهتر را حسین

با تو دارد احمد و زهرا و حیدر را حسین

در تو بیند حسنهای هر پیمبر را حسین

تا تو را دارد چه حاجت درّ و گوهر را حسین

قدر زر زرگر شناسد قدر اکبر را حسین

زاده لیلا که هر لیلاست مجنونت علی

هست مجنونت تمام عمر ممنونت علی

این که من هم از تو می خوانم ز آقایی توست

این که بر خوان تو مهمانم ز آقایی توست

مور اما با سلیمانم ز آقایی توست

آن که خود را از تو می دانم ز آقایی توست

گر بُود یک ذره ایمانم ز آقایی توست

این که جایی در نمی مانم ز آقایی توست

تا ملائک حلقه بر گوشان دربار تواند

نوکرانی همچو من یک عمر سربار تواند

جز به گلزار تو کی خاری چو من گل می کند

جز تو کوه صبر کی ما را تحمل می کند

جز تو بر کاهی چه کس کوهی تفضل می کند

بدتر از من را گل روی تو بلبل می کند

خوب داند دل اگر بر تو توسل می کند

استجابت را خدا با تو تقبل می کند

یا علی اکبر مرا گر آبرو باشد ز توست

گرچه حتی کمتر از یک تار مو باشد ز توست

این جوان کیست که سیمای پیمبر دارد

قد و بالای قیامت رخ محشر دارد

گاه عباس به میدان زده گاهی اکبر

چقدر آل نبی حمزه و حیدر دارد

بی شمار است به دورش ملک حلقه به گوش

نخورد چشم علی این همه قنبر دارد

سپر اهل حرم سینه سپر رهسپر است

خرم آن دل که چنین یار دلاور دارد

دل به دریا زده دریا دلی و چشم تر

به ترک های لب خشک برادر دارد

چشم بد دور که نزدیکی چشمه است علی

خوب پیداست که اکبر غم اصغر دارد

از جگر گوشه به گوش پدر از هر گوشه

دشت می گفت که دشتی علی اکبر دارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ شعر[[113]](#footnote-113)

دل حرم می شود سحرگاهی که شود صحن دیده تر گاهی

قطرۀ آب در مرور زمان می کند در حجر اثر گاهی

دل من سخت تر ز سنگ که نیست امتحان کن بر این جگر گاهی

ای خریدار بر رضای خدا جنس پس مانده را بخر گاهی

یعنی آن قدر بی بها هستم نیستم لایقِ نظر گاهی

بین سجاده دیده بر راهم نیمه شب می شود خبر گاهی

بنده ای را که دست و پا گیر است همرهت تا خدا ببر گاهی

قتلگاهی به پا کنی با ناز گر ازین جا کنی گذر گاهی

پسری که کریم زاده بود می کند جلوۀ پدر گاهی

تاج اصحاب یا علی اکبر یابن ارباب یا علی اکبر

تو مطهر شدی ز هر چه بدی تا بگوئی ز نسل لم یلدی

صد و ده بار هو کشم ز جگر که تو با کعبه زاده هم عددی

همه دلگرمی ام محبت توست یابن لیلا «علیک معتمدی»

گر تو شاگرد مجتبی هستی دست خالی نمی رود احدی

ناز تو فاطمی تر از همه است راه دل بردن از علی بلدی

نوۀ ارشد دو دریایی موجی از عشق گاه جذر و مدی

جای مادر بزرگ تو خالی زود پر زد به وادی ابدی

تو ز هر پنج تن نشان داری تو حدیث کسای مستندی

جز برای دل ابوفاضل پرده از روی خویش پس نزدی

تا خدا پرده از رخ تو کشید چشم عباس مرتضی را دید

تا که بابا تو را صدا می کرد محشری در حرم به پا می کرد[[114]](#footnote-114)

با نگاهی به قد و بالایت یاد پیغمبر خدا می کرد

تو که هستی که پیر میخانه با مناجات تو صفا می کرد

ای دل آرام خوش صدای حجاز مأذنه بر تو اقتدا می کرد

آتش روی بام خانۀ تو کوچه ها را پر از گدا می کرد

هر کسی داشت نذر پیغمبر به در خانه ات ادا می کرد

دور از چشم شور مردم شهر از رخ تو نقاب وا می کرد

بوسه ای از لب تو هر دردِ پدری پیر را دوا می کرد

گوشه ای می نشست و با زینب نظری سوی مجتبی می کرد

بعد می گفت این پسر غوغاست چقدر شکل مادرم زهراست

تو ز اجداد خود چه کم داری نسبی پاک و محترم داری

وارث آدم و کلیم و مسیح بهر احیای مرده دم داری

گشته شش گوشه این حرم یعنی تو جداگانه یک حرم داری

تو ز پایین پا ولایت بر کرسی و نون و والقلم داری

ما به نام تو سینه زن شده ایم حق شاهیِ بر عجم داری

تو که باب الحوائجی بی شک بس که آقایی و کرم داری

یک قدم تو عقب تر از عباس بر سر دوش خود علم داری

شانه هایت ز بس مودب بود دومین تکیه گاه زینب بود

خیز و شمشیر مرتضی بردار بزن ای شیر بر دل کفار

زره مصطفی بپوش علی در رکاب عقاب پا بگذار

نعره ای زن منم علی اکبر نوۀ حق حیدر کرار

هم چو شیری بزن به قلب سپاه تا بریزی به هم یمین و یسار

ضجۀ کوفه را در آوردی ای ابر مرد عرصۀ پیکار

هر طرف تاب می دهی تیغت پشته سازی ز کشتۀ بسیار

تشنگی را بهانه فرمودی رو نمودی به جانب دلدار

لب نهادی بر آن لبان خشک گفتی آهسته این سخن با یار

کی محاسن سپید در بندم دست خود از محاسنت بردار

تا که دل کنده از تو بابا شد بال های شهادتت وا شد

ناگه از دشت یک صدا آمد نالۀ ای پدر بیا آمد

پدر آمد ولی چه آمدنی چه کسی گفته روی پا آمد

پیرمردی کنار نعش جوان با سر زانو از قفا آمد

روضه ات گشته شرح موت حسین وسط هلهله نوا آمد

آن چنان نعره زد علی ولدی ناله اش بین که تا کجا آمد

دست خود را گرفته روی سر زینب از سوی خیمه ها آمد

شد حسین زنده با دم زینب پای معجر میان تا آمد

با تن ریخته به هم چه کند نوبت یاری عبا آمد

شب جمعه است بس کن ای شاعر چون که مادر به کربلا آمد

هر شب جمعه کربلا غوغاست فاطمه روضه خوان کرب و بلاست[[115]](#footnote-115)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ شعر

بین گهواره چو آرام گرفت آهسته

عشق از دست خدا جام گرفت آهسته

مستی آغاز شد از خنده مستانه یار

دور شد آینه در آینه شد خانه یار

دست لیلاست که دادست به عالم هیجان

یا که باز آمنه آورده محمد به جهان

به عقب رفته زمان مکه و عام الفیل است

خانه آمنه زیر پر جبرائیل است

اشبه الناس به پیغمبر خاتم آمد

به دل زخمی این طایفه مرهم آمد

باز هم ماه بنی هاشم اذان می گوید

دائم از خوبی این پاره جان می گوید

چقدر خنده به این صورت و لب می آید

چه کسی باز چنین تک پسری می آرد

سرور کل جوانان جهان آمده است

صف به صف حور و ملک رقص کنان آمده است

چشم لیلا همه دم نورفشان خواهد شد

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

ای آنکه بُود فخر زنان مادر تو

قربان تو و دست علی پرور تو

در بین جوانان جهان تا به ابد

پیدا نشود مثل علی اکبر تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ شعر[[116]](#footnote-116)

عشقت میان سینه من پا گرفته است

شکر خدا که چشم تو ما را گرفته است

دریاب دلها را به یک گوشه نگاهی

حالا که کار عاشقی بالا گرفته است

از کودکی آواره کوی تو هستم

دست دلم را حضرت زهرا گرفته است

عمریست آقاجان دلم از دست رفته

پایین پای مرقدت ماوا گرفته است

گیسوکمند خوش قد و بالای ارباب

شش گوشه هم با نور تو معنا گرفته است

مانند جدت رحمه للعالمینی

حیف است دست خالی ما را ببینی

زلف تو را موی پریشان می شناسد

چشم تو را آیات باران می شناسد

عطر تو و پیراهنت را یوسف شهر

کوچه به کوچه صبح کنعان می شناسد

اعجاز چشمان تو را آیه به آیه

آری دل تازه مسلمان می شناسد

آقا کرامات نگاه روشنت را

خورشید در هر صبحگاهان می شناسد

خشم و خروش و هیبتت را بین میدان

هوهوی رعد و برق طوفان می شناسد

خورشید از شرم نگاهت رو گرفته

در ساحل نورانیت پهلو گرفته

بالاتر از حد تصورها کمالت

دل می برد از مردم عالم خیالت

صبح ازل چشمان مبهوت ملائک

بودند شیدای تماشای جمالت

می جوشد از خاک قدمهای تو زمزم

کوثر شراب خانگی لایزالت

کی می شود با بالهای این چنینی

پرواز تا اوج شکوه بی مثالت

آنجا که بال جبرئیل آتش بگیرد

بام نخست پر کشیدنهای بالت

خَلقا و خُلقا، منطقا عین رسولی

دیگر چه گویم از تو و خوی و خصالت

وقتی که تکبیرت طنین انداز می شد

می گفت لیلا مادرت شیرم حلالت

می ریزد از عطر نگاهت یاس آقا

تنها تویی هم شانه عباس آقا

هر صبح بر لب نغمه تکبیر داری

تو آفتابی صبح عالمگیر داری

با حلقه های گیسوی پر پیچ و تابت

صد کاروان دل در دل زنجیر داری

از لهجه ات بوی خدا می آید آقا

هر گاه بر لب نغه تکبیر داری

از میمنه تا میسره می پاشد از هم

وقتی که در دستان خود شمشیر داری

باید برایت ذوالفقاری دست و پا کرد

حیدر شدی و هیبتی چون شیر داری

از شوکت چشم تو دشمن می گریزد

پلکی بزن تا عالمی بر هم بریزد

حالا که خاکم را سرشته دستهایت

بگذار باشم تا همیشه خاک پایت

بال و پری می خواهم امشب از تو آقا

تا که تمام عمر باشم در هوایت

آه ای اذان گوی سحرهای مدینه

یاد نبی را زنده می سازد صدایت

ای کاش چشمانم تبرک می شد امشب

گرد و غبار بال خاکی عبایت

ای زینت کرببلای حضرت عشق

بگذار باشم زائر پایین پایت

عمریست از مهر تو در دل توشه دارم

شوق طواف مرقد شش گوشه دارم

قنداق رو دست علی دادند، امیرالمونین علی اکبرُ بغل کرد، آقا اسم این بچه رو چی گذاشتی؟ ـ علی باشه حسین حرفی نمی زنه ـ گفت بابا من از شما سبقت نمی گیرم، هرچی شما بگید، علی هم می دونه که ابی عبدالله گفته اگه خدا هزار تا پسرم بهم بده اسم همشونُ می ذارم علی، فرمود اسم این بچه علیه، اما حسین جان همه بدونند مثل این علی دیگه در عالم نمی آد...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شعر[[117]](#footnote-117)

قلم امشب زمان تعظیم است سجده آور که وقت تکریم است

غسل روحم به چشمه سار رجب غسل روحت به آب تسنیم است

از چه ساکت نشسته ای برخیز بهترین روز بین تقویم است

ساعت شادی دل ما با شادی اهل بیت تنظیم است

آمد آیینه رسول الله ای قلم باز وقت تقسیم است

نیمی از سیب عشق پیغمبر علی اکبر همان یکی نیم است

جمع پیغمبر و امام علی از خدا آمدت سلام علی

آه پیغمبر امام حسین حضرت حیدر امام حسین

اولین بار بر لب تو رسید بوسه نوبر امام حسین

دستهای تو بعد از این دارد حکم بال و پر امام حسین

ننشستی به جز به رسم ادب لحظه ای محضر امام حسین

قسم راست به جوانیمان به علی اکبر امام حسین

ما گداییم و شاهزاده تویی آنکه ما را نجات داده تویی

مثل زهرا عبادتت بوده مثل حیدر شجاعتت بوده

به حسن رفته ای زمان کرم مثل بابا سخاوتت بوده

شب میلاد عموی سرو قدت محو در قد و قامتت بوده

عنهم الرجس در زیارت تو حکم تثبیت عصمتت بوده

أفلسنا علی الحقت بی شک سندی بر بصیرتت بوده

بیش از این باید احترام شوی شأنت این بود که امام شوی

نام تو کوه را تکان بدهد روشنایی به آسمان بدهد

خط و مشی تو ای جوان حسین راه را یاد هر جوان بدهد

صبح روز دهم به مأذنه ها با صدایت خدا اذان بدهد

پدرت نه امام تو باید به فراق تو امتحان بدهد

داغت آنگونه بود که می رفت پدر تو سه بار جان بدهد

موقع رفتنت کنار تنت وقت تشییع کردن بدنت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شعر[[118]](#footnote-118)

دل عشاق که پر می گیرد فقط از عشق خبر می گیرد

از جگر آتش اگر می گیرد عشق را مد نظر می گیرد

مذهب مطلقه ما عشق است منطق منطقه ما عشق است

بی دل آن است که دل داده به تو کار و بارش فقط افتاده به تو

سجده کرده سر سجاده به تو می رسد آخر این جاده به تو

بسکه آماده مجنون شدنی راهی جاده مجنون شدنی

ما همه در به در لیلاییم سائل پشت در لیلاییم

بیشتر دور و بر لیلاییم زیر دین پسر لیلاییم

تو علی اکبر لیلا هستی نوه اول زهرا هستی

کیستی محشر در گهواره فاتح خیبر در گهواره

یا که پیغمبر در گهواره خنده ات اکبر در گهواره

همه را یاد نبی می انداخت یاد میلاد نبی می انداخت

سائلت از تو غنی خواهد شد خاطرات حسنی خواهد شد

معجزاتت علنی خواهد شد غیر ممکن شدنی خواهد شد

تا لبت میل به انگور کند می تواند پدرت جور کند

دشت را معرکه محشر کن کربلا را پر پیغمبر کن

پدرت پیر شده باور کن قبل لب تشنه شدن لب تر کن

تا که پشت پدری تا نشود پسری خوش قد و بالا نشود

ترس زیبا شدنت را چه کنم یا معما شدنت را چه کنم

در عبا جا شدنت را چه کنم اربا اربا شدنت را چه کنم

از روی اسب زمین خورد حسین نفست قطع شد و مرد حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ شعر[[119]](#footnote-119)

رود نه از راه دریا آمده

آسمان نه عرش اعلا آمده

من نوشتم ماه امشب سر زده

تو بگو خورشید فردا آمده

طاق کسری بر خودش لرزید وگفت

باز پیغمبر به دنیا آمده

چون که صد آمد نود هم پیش ماست

پس بگو امشب مسیحا آمده

خواب او را هم نمی بیند کسی

بس که او مانند رویا آمده

آی مجنون کوری چشم حسود

کف بزن فرزند لیلا آمده

حسن دلخواه بنی هاشم رسید

دومین ماه بنی هاشم رسید

دل که شد خرسند چیز دیگری است

چهره با لبخند چیز دیگری است

تا که کام عشق را شیرین کنی

بوسه ای چون قند چیز دیگری است

من اسیر تیغ ابرویم ولی

آنچه دل را کند چیز دیگری است

حرف بسیار است اما موی دوست

موقع سوگند چیز دیگری است

نخل تنها یک ثمر دارد ولی

میوه پیوند چیز دیگری است

نیست فرقی بین فرزندان ولی

اولین فرزند چیز دیگری است

میوه شیرین نوبر آمده

از همان آغاز اکبر آمده

بی تو هر قدیس شیطان می شود

با تو نصرانی مسلمان می شود

روز محشر با پیمبر برنخیز

بینتان جبریل حیران می شود

معتقد هستم که با چشم تو هم

عالم ایجاد سلمان می شود

هر فضیلت مصرعی باشد اگر

دفتر تو باز دیوان می شود

گوشه چشمت نه لبت لب ترکند

هر ستونش نور باران می شود

میوه عمر پدر آهسته تر

دارد اربابم هراسان می شود

گفت در پشت سرت بابای تو

ای به قربان قد و بالای تو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ شعر[[120]](#footnote-120)

از شوق امشب دیده زمزم شد روحم به رسوایی مصمم شد

حاجت گرفته از خدا هرکس مشتاق حسن روی خاتم شد

زیباتر از خلد برین عالم از زاده ارباب عالم شد

فرزند لیلا دیده چون وا کرد حسرت گریبان گیر مریم شد

عباس بود و با علی اکبر پشت امامت قرص و محکم شد

با لب زدن بر جام تسلیمش موسی نبی شد آدم آدم شد

در عالم زر تا اذان فرمود عیسی به اذنش صاحب دم شد

حیدر اگر مصداق داور بود این طفل حیدر را مجسم شد

یک گوشه از عمامه مولا کم شد ولی اکبر معمم شد

حیدر علی اکبر دنیاست اکبر علی اکبر مولاست

شهزاده در دربار می آید با غمزه بسیار می آید

روح الامین تکبیر می گوید پیغمبری انگار می آید

با رشته جان حضرت یوسف امشب سر بازار می آید

حلاج با ذکر علیٌ هو با سر به پای دار می آید

ای ام لیلا نام فرزندت از جانب دادار می آید

خوش باش چون در دامنت شیری از نسل حیدر بار می آید

چشمش پی شمشیر و بر لب شیر سر دارها سردار می آید

هم تای عباس علی در جنگ یا حیدر کرار می آید

ای ام لیلا پر در آوردی بهر حسینت حیدر آوردی

ای ماه رخسارت نمایان کن وقتی که مردم روی پنهان کن

ای ساقی از خم خانه وحدت یک جرعه در جام خماران کن

رویم به سوی قبله کن آنگاه با تیغ ابرو ذبح ایمان کن

اسلا م من شور ولای توست سلمان خود را خود مسلمان کن

بیمار هجر خویش را از لطف با شوکران ناز درمان کن

ای یوسف مصر دل ارباب جامی به رحل اهل کنعان کن

تو اکبر اربابی ای اکبر هم شان اکبر لطف و احسان کن

ای پادشاه کشور دلها فکری به حال ما گدایان کن

از ماذنه بفرست ابر مهر بر این بیابان عزم باران کن

این است صور عرصه محشر الله اکبر از علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ شعر[[121]](#footnote-121)

پیش گرسنه بوی غذا زود می رسد

وقت کرم همیشه گدا زود می رسد

ذکر علی که هست عطا زود می رسد

زهرای مرضیه به خدا زود می رسد

تا در زدیم فاطمه تحویلمان گرفت

تا آمدیم فاطمه تحویلمان گرفت

وقتی ادب به سفره آماده واجب است

ساغر که کوثریست دگر باده واجب است

پیش کریمها سر افتاده واجب است

بوسه به پای حضرت شه زاده واجب است

خورشید عشق در شب مهتاب آمده

مردم علی عالی ارباب آمده

هفت آسمان به شوق تماشا نشسته اند

زوارهای جلوه مولا نشسته اند

اینها که با اجازه زهرا نشسته اند

با تاج گل به خدمت لیلا نشسته اند

الحق عروس ساقی کوثر شدن خوش است

الحق که مادر علی اکبر شدن خوش است

حالا دوباره خانه پری خانه می شود

آیینه از جمال تو دیوانه می شود

این زینب است گرد تو پروانه می شود

دارد چه خوب گیسوی تو شانه می شود

مولا و ان یکاد روی لب نشسته اش

کوری چشم سومی و دار و دسته اش

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ سرود

شده خورشید دوباره منجلی تا خود صبح می گم علی علی

نور حیدر یا شعاع کوثر نور عرش اعلاست که دوباره تابیده

امشب حق به تبار زهرا به تمام دنیا بازم علی بخشیده

دل و دلبر علی اکبر خیر کوثر علی اکبر تو کربلا تویی حیدر علی اکبر

مث حیدر بگو علی اکبر

قنداقه روی دست حیدره چشم علی تو چشم پیمبره

داره دل از مدینه می بره این علیه یا که پیمبره

شده پیدا از تبار مولا جلوه زهرا که پا رو زمین می ذاره

قد و بالاش نگاهای گیراش هیبت بی همتاش نشون از علی داره

چشای حسن خریدارش عمو عباس هواداراش هرکی دل به عشق علی داده علی یارش

با پیمبر بگو علی اکبر

ای که پی شهود کاملی رمز نجات چیه فقط علی

اومده تا شیر خدا بشه فاتح بدر تو کربلا بشه

اومده تا با دعای مادر مث شیر صفدر بشکنه صف اعدا

بشه زنده با رجز خونیهاش یاد علی اعلا توی کربلا

مثل علی مست تکبیره توی معرکه چنان شیره تا روز جزا مرام علی نمی میره

مث مادر بگو علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ سرود[[122]](#footnote-122)

شب جوون اربابمونه مردونه یا علی بگه هرکی می تونه

اومده عشق مولا اومده ماه زهرا شده مجنون هلاک پسر ام لیلا

ذکر علی علی رگ خوابمه مثل جوونیای اربابمه

علی علی اکبر

می گه اباالفضل میون لشگر الله اکبر به قد و بالای اکبر

همیش جنگُ برده تیغشُ هرکی خورده یه ساعت بعد ضربش تازه فهمیده مُرده

منم علی جان مست نگاهت بگیر همه جوونامونُ تو پناهت

من و این قلب بی تاب من و رویای مهتاب سال بعد وعده ما پایین پای ارباب

کاشکی مادر پدرا شاد بشند با دست تو جوونا دوماد بشند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ سرود[[123]](#footnote-123)

یا علی اکبر ذکر لبامه چون علی اکبر عشق آقامه

پسر لیلا بال و پر لیلا ای سحر لیلا یا علی اکبر

یا علی اکبر

اگه بیادش علی تو بازار یوسف نداره دیگه خریدار

قد زهرایی بازوی مولایی نفس مسیحایی یا علی اکبر

یا علی اکبر

هزار تا موسی ساکن طورش تا که ببینند جلوه نورش

پر احساسه باغ گل یاسه شاگرد عباسه آقام علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ سرود[[124]](#footnote-124)

از عرش خدا فرشته ها هی می رسند با دلای بی تاب

چه خبره امشب تو خونه ارباب

دوباره داره نسیم سحر برا عاشقا می آره خبر

آی عاشقا آی عشقا خدا به حسین داده یه پسر

پسر نگو یک پارچه آقا همه می گند آیینه زهرا

نیومده تاج سر دنیا شده نیومده دلبری کرده نیومده لیلا شده

به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه قد و بالایی داره

به به به مبارک ارباب هزار ماشالله چه روی زیبایی داره

محاله خدا دیگه دوباره مثل این علی علی بیاره

مثل خود باباش حسین یکی یه دونه است تا نداره

ولایتش ولایت مولاست کرامتش خدایی چه غوغاست

یه عالمی دیوونه احساسشه تو عالم غیرت و مردی مثل عمو عباسشه

به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه دست و بازویی داره

به به به مبارک ارباب هزار ماشاالله چه چشم و ابرویی داره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ سرود[[125]](#footnote-125)

علیٌ الاعظم علیٌ الاعلی علیٌ الاکبر علی گل لیلا

ای قرار دل آل الله نجم سحر ثارالله

اومدی می آد از بالا نغمه تبارک الله

روی دستای ولی الله جلوه می کنه وجه الله

اکبر و علی اعلی با جمال رسول الله

اون کیه که دلارو می بره اون کیه تو آغوش حیدره

اون کیه یه سر از سرا سره اکبره

تو صداش سکنات حیدره تو نگاش وجنات حیدره

رو لباش صلوات حیدره اکبره

علیٌ الاعظم علیٌ الاعلی علیٌ الاکبر علی گل لیلا

هرکی که گدای دستاته محو جمال زیباته

نور پیشونیت خورشید و آسمون زیر پاهاته

ای عقیق و نگین ارباب فاطمه ترین ارباب

می وزه با گیسوی تو عطر دلنشین ارباب

جلوه برکات فاطمه الگوی حرکات فاطمه

مرتضی با صفات فاطمه اکبره

اون کیه که خدا وجودشه نور حق همه تار و پودشه

کعبه تو حرم سجودشه اکبره

خلاصه جمع پیمبر و مولا علیٌ الاکبر علی گل لیلا

ای که مثل علی یکتایی مثل پدرت شیدایی

ای که با غم شیرینت شور زندگی مایی

می بری دلارو با نامت افتاده دلم تو دامت

من برات آخر می میرم من که این همه می خوامت

پیش ماه یه ستاره سر زده دلبر ابوفاضل اومده

اون که نور دل حسین شده اکبره

عاشقش مث آسمون می شه فارق از زمین و زمون می شه

اون که دل با نگاش جوون می شه اکبره

هدیه ارباب به عالم بالا علیٌ الاکبر علی گل لیلا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ سرود[[126]](#footnote-126)

قصه مجنون رویا شده دوباره لیلی رسوا شده

دل دو عالم شیدا شده حضرت ارباب بابا شده

ارباب آسمونا ملک صد درصدت ارباب ما فدای پسر ارشدت

ارباب با این گل با این ماه باید گفت ماشاالله

آقامون به آرزوهاش رسید مزه پدرشدن رو چشید

خدا تو شمایل این پسر دوباره پیمبرُ آفرید

یا علی اکبر لیلا مدد

دلاوری که دلبر بوده مثل قیامت محشر بوده

توی مدینه اکبر بوده کربلا اسمش حیدر بوده

رویاش دلُ پر شور و شعف می کنه امضاش ما رو زائر نجف می کنه

دستاش می گیره دستارو می بره ما ها رو

تا بهشت یل بدر و حنین بارگاه سرور عالمین

آرزومه شب قدر احیارو بگیریم پایین پای حسین

یا علی اکبر لیلا مدد

تو این عشیره می فروشه جای رقیه رو زانوشه

تا که لباس جنگ می پوشه شونه به شونه با عموشه

اکبر اولین سید حسینیه اکبر الگوی کشور خمینیه

بی مانند بی همتاست نعره لا فتی ست

نمی آد تو جنگ کسی در برش می ریزه معجزه از پیکرش

مو نمی زنه با شاه قریش وقتی عمامه می ذاره سرش

عشق کوچه بنی هاشمه رفیق جون جونیه قاسمه

مث خورشید می درخشه روی بازوبندش اسم یا فاطمه

یا علی اکبر لیلا مدد

اومد برای زینب رکاب میوه قلب عالیجناب

جوونیهای ابوتراب لالایی خون طفل رباب

سالار با اذان تو نمازخون شدیم سالار ما به عشق تو مسلمون شدیم

سالار مجنونم لیلایی همرزم سقایی

رنگ چشمای تو رنگ عسل می گیره تو رو اباالفضل بغل

همه دوره جوونیت گذشت زیر دست تکسوار جمل

یا علی اکبر لیلا مدد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 17ـ شور

یه جوونُ امشب نیگا کن برای مادرشم دعا کن

برو پایین پای حسین و علی اکبرشُ صدا کن

شب شب نغمه و آوازه شب شب رازه و نیازه

تو دل من غوغا شده دلم دوباره سرفرازه

الگوی جوونا علی اکبر شور آسمونا علی اکبر ترانه دلم علی اکبر نشونه خدا علی اکبر

علی علی علی علی اکبر

خورشیده تابیده تا کهکشون بی قرار شده ماه آسمون اومده یه جوون پهلوون

نوه علی اومده دنیا پا گذاشته رو موج دریا

داره جلوه شوکت پیمبر یه فرشته رو دست لیلا

علی علی علی علی اکبر

دوباره دلم بی قراره مثل علی همتا نداره

مادر ابالفضل یه بوسه رو صورت ماهش می کاره

دل دوباره وادی طوره شب شب شادی و سروره

عاشقونه پر می زنم رو دست ارباب نور علی نوره

باز دلامون هوایی تر شد پای قدمش فدایی تر شد

لحظه ای که علی علی می گم این دلم کربلایی تر شد

دلُ جلا می ده علی اکبر شور و صفا می ده علی اکبر

عیدی به ما همه علی اکبر کربلا می ده علی اکبر

علی علی علی علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک18ـ شور[[127]](#footnote-127)

شب عشقه شب شب بارونه شب یلدای دل مجنونه

شب بابا شدن اربابه همه جمعند به در می خونه

شب مستی بازم با یار سحر شد نبی یا که حیدر شق القمر شد

می گه زینب هر شب واسش لالایی نوه شیر خدا یک شیر پسر شد

دل آقام و دلبریاش دلبر حسینه دلبر تموم آسمون اکبر حسینه

می جنگه تو میدون حیدر حسینه

دلبر دلبر دلبر دلبر حسینه

بگو ساقی بده می از باده که فشار مستیم افتاده

خدا از رخ پرده برداشته یا رخ اکبر رو نشونم داده

تو قاب چهرش عکس پیمبر تو دستاش زور و بازوی حیدر

امشب می خونند تا صبح ملائک هو مددی یاعلی یا علی اکبر

نمکی که چشای اون داره یوسف نداره می گه زینب جونم فداش حیدر تباره

تو دستاش مث حیدر تیغ ذوالفقاره

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم، میلاد حضرت رقیه(سلام الله علیها)**

ترک01ـ شعر[[128]](#footnote-128)

باز از حریم بالا موجی عبور کرده

هر گوشه دلم را دریای نور کرده

سینای سینه ام را چون کوه طور کرده

یک شور ناب شیرین در من ظهور کرده

انگار کل عالم لبریز عطر ناب است

در کوچه کوچه شهر بوی گل و گلاب است

بر شاخه ها قناری گلبانگ شاد می زد

دست نسیم گل را در باغ باد می زد

گویا صدای پاکی حرف از مراد می زد

دیدم ز آنسوی عرش جبریل داد می زد

امشب عزیز زهرا شاد است پای تا سر

حق دختری به او داد سیب دو نیم مادر

شهر مدینه از نور شوری دوباره دارد

در کوی آل هاشم یک ماه پاره دارد

بیت الحسین طفلی در گاهواره دارد

طفلی که عرشیان را گرم نظاره دارد

تا اینکه کور گردد چشم بنی امیه

او فاطمه ست نامش با کنیه رقیه

هر گاه ماه رویش یک جلوه می نماید

جان از ملک ستاند دل از فلک رباید

بر خاک زیر پایش خورشید رخ بساید

دنیا به وجد آید هر وقت زبان گشاید

ارباب گیرد او را مانند گل ببوید

هربار ناز و شیرین بابا حسین بگوید

با خنده تازه جان بود و نبود کرده

از عرش هر فرشته میل فرود کرده

یک سو عمو اباالفضل با خلق جود کرده

یک سوی عمه زینب اسپند دود کرده

در اهل بیت عصمت محبوبه ای دل آراست

او را عزیر دارند از بس شبیه زهراست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02ـ سرود[[129]](#footnote-129)

پیچیده تو دنیا نسیم شیدایی داره قلبم امشب چه شور و صفایی

اومده به دنیا دختر بابایی

بی بی جان رقیه

به دل تاریکی امشب مهتاب اومد انگاری زهرا دوباره دنیا اومد

عاشقا شکر حق به جا آرید همه صاحب قلب اون امشب دنیا اومد

تو دلم جا داره بوی زهرا داره

با رقیه تازه دنیا معنا داره

یا رقیه یا رقیه یا رقیه

شهزاده عشقی مولاتی رقیه معنی و علت حیاتی رقیه

مسیر کشتی نجاتی رقیه

بی بی جان رقیه

فاطمه سیرت و مرتضی تباری آره تو سر فصل درس اقتداری

تو کلاس صبر و درس استقامت چیزی از عمه زینبت کم نداری

نو گل ثارالله یا عزیز الزهرا

یا رقیه اشفعی لی لنا عندالله

یا رقیه یا رقیه یا رقیه

حس عجیبیه بین این دو سرا حرم دمشق و شهر کرببلا

ایشالا روزیمون شه به حق زهرا

بی بی جان رقیه

تا که دل بهونه حرم می گیره از سینه جدا می شه و پر می گیره

هرکس یه جوری تو دنیا می میره مر گ تو حرمت بهترین تقدیره

از غلامان هستم عبد سلطان هستم

من گدای کوی این آستان هستم

یا رقیه یا رقیه یا رقیه

همه عشقمه نوکری براتون یا رقیه جان ببین منم گداتون

یه اشاره ای کن سر می دم براتون

بی بی جان رقیه

دنیا و عقبی و محشر و قیامت همگی با هم یک جا فدای نامت

شاه و سلطانم به دنیا چون که هستم من غلام غلام غلامت هستم

وقتی دل می گیره انگاری می میره

تا می گم یا رقیه آروم می گیره

یا رقیه یا رقیه یا رقیه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ سرود[[130]](#footnote-130)

امشب از اون شبهای نابه عید ریحانه اربابه

دختر مهتابه دری که نایابه هستی اربابه

زمان مستی وقت سبو شد وقت اعطای آرزو شد آخه عباس امشب عمو شد جانم رقیه

ریحانه ارباب

بار دیگر یاس معنا شد گوییا میلاد زهرا شد

تا دو چشمش وا شد در جهان غوغا شد که حسین بابا شد

اومده اونکه گل عالمینه لالایی شبش حسینه کلید بین الحرمینه جانم رقیه

ریحانه ارباب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ سرود[[131]](#footnote-131)

از دریا دریایی تره تو رویا رویایی تره دخترا بابایین و رقیه بابایی تره

عکس ماه عالمُ دریا می خره برا نوکر قباله رو مولا می خره

ناز گلبرگ لاله رو حورا می خره ناز دختر سه ساله رو بابا می خره

بابا قربون دخترش قربون یاس اطهرش اونکه می ندازه پدرُ یاد سیمای مادرش

مددی زهرا زهرای حسین

تو آسمون کربلا رنگین کمون کربلا عمه ازش یاد می کنه شیرین زبون کربلا

داره از دریای کرم می گیره وضو داره از دست و صورتش می باره سبو

اومده تا ستاره شه رو دوش عمو دم گوشش حسین می گه یک بابا بگو

تا وقت دلبری می شه فوق حور و پری میشه با این بابایی بودنش بابا هم دختری می شه

مددی زهرا زهرای حسین

نوه حضرت حیدره آیه سوم کوثره این خواهر علی اکبر و هم بازی علی اصغره

تا با انگشتر پدر بازی می کنه بابا انگشتاش گلوشُ نازی می کنه

می ریزه انقدر نمک تا اربابمُ واسه کرببلای ما راضی می کنه

اونکه لطف و مهر و کرم موج اشک چشم ترم سربند سبز یا رقیه برگ سبز اذن حرم

مددی زهرا زهرای حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ سرود[[132]](#footnote-132)

یه بابا که چشاش موج دریا داره یه مادر که دلش عرش اعلا داره

کسی که صورتش مثل زهرا باشه خدایی می بره دل تماشا داره

خوابیده چقدر ناز رویای حسین انگار که اومده باز زهرای حسین

گوشوارش روشنای شبهای حسین

بند دل ارباب یک تار موشه گهواره خوابش دست عموشه

یا رقیه یا رقیه

قامت دخترک تا ثریا رفته انگاری که روی دوش سقا رفته

می بره دل بابا رو با لبخندش تو خونه دختری که به زهرا رفته

لالایی عمه زینب می خونه براش چشمای عمو عباس شده محو چشاش

گوشواره علی اکبر آورده براش

حضرت جبرائیل مست سبوشه گهواره خوابش دست عموشه

یا رقیه یا رقیه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ شور[[133]](#footnote-133)

توی دلا شور و غوغا ستاره می باره تو دنیا

خونه اربابمون پر از نور آخه حسین گشته بابا

بوی اسپند مستت می کنه

می خونم با شور و شین ذکر اربابم حسین با اذن دختر شاه می رم بین الحرمین آقا

مدد بی بی رقیه

بهانه مستی آمد برا حسین هستی آمد

خدا می دونه برای قلبم علت بدمستی آمد

بنفسی انت بی بی رقیه

کاشکی این شبها بشه یک شب تو کرببلا با جمع سینه زنا همراه صاحب ما مهدی

مدد بی رقیه

نوکرات برات می میرند به چادر تو اسیرند

امشب رو عاشقای بی بی ذکر اباالفضل می گیرند

عجب شوری عجب حالی

شاخه یاس اومده روح احساس اومده آرام قلب حسین عشق عباس اومده جانم

مدد بی رقیه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ شور[[134]](#footnote-134)

من زیر بارونم دوباره روی گونه هامه ستاره اما دیگه دل تاب نداره رقیه جان

همه عشق و امید و باورم می خونه دل سائل دم خونه کرم می خونه

ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا تورو جان رقیه جان بده در راه خدا

رقیه مولاتی

دل بی عشق تو دل نمی شه کعبه جز خاک و گل نمی شه دینم بی تو کامل نمی شه رقیه جان

ابر و باد و مه و خورشیدو فلک می خونند

همه اهل زمین و آسمون جن و ملک می خونند

ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا تورو جان رقیه جان بده در راه خدا

رقیه مولاتی

شعبانه شعبانه دوباره بارون لطف تو می باره بساط مستی برقراره رقیه جان

مستم و مجنون و ویرونم من پشت درب این می خونم از رقیه جانم می خونم رقیه جان

جون ناقابل من فدای اون چشماته اینه که وجود من خاک کف پاهاته

ای امیر باوفا نظری کن به زیر پا تورو جان رقیه جان بده در راه خدا

رقیه مولاتی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل ششم، میلاد امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

ترک01ـ شعر

ای بهار بادوام فصلها ای نگاهت بر تمام نسلها

ای تماشایی ترین موجود حق ای به دریای حقیقت چون شفق

آه ای طاووس جنت ای صنم یابن طاها یابن عصمت ای صنم

ای ملائک گرم پابوسی تو آه از مژگان طاووسی تو

دیده هر بار از کرم وا می کنی موج اقیانوس بر پا می کنی

ای کُرات از گردش چشمت به چرخ نیم رخ کن سوی عشاقت بچرخ

حرکت پلکت چنان گهواره است عالمی در بستر پلک تو مست

ای دلیل ذکر احلی من عسل ای وجودت کربلا را ماحصل

ای نماد آرزوهای نبی تو دلیل صبرهای زینبی

ای تمام غصه های پنچ تن پاسخ هل من معین بی کفن

ای همه مجد و شکوه عالمین ای پرستوی حسن بوی حسین

ای قلوب آل یاسین مست تو ای همه پیروزی دین دست تو

ای مسیحای کلیسا و کنشت نوح کشتی بان انسان تا بهشت

ای تمام تار و پود انبیا ای دل و جان و نفوس اولیا

ای ظهور آیه های مهدوی کی ز پشت پرده ظاهر می شوی

کی شکافی باز رود نیل را با زبور آوا کنی انجیل را

ناقه صالح نما بیرون ز کوه فتح بابی کن طلوعی با شکوه

از حرم صوت جلیل آغاز کن باز کن راه علی را باز کن

راه را از کعبه وا کن تا نجف کربلا را باز ده عزّ و شرف

از مدینه بوی سیب احساس کن در بقیع افشا قبر یاس کن

بازآی و یک نشان از راه ده ره نشان بر لشگری گمراه ده

دوست از دشمن جدا کن با نگاه آشنایان را صدا کن بین راه

ما که افتاده میان این رهیم سالها خدمتگزار درگهیم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ شعر[[135]](#footnote-135)

با تو حجاب فاصله را ترک می کنم

دیگر فراق قافله را ترک می کنم

از بس کنار سفره نشستم کنار تو

با معرفت شدم گله را ترک می کنم

مدح تو را خدا نکند شیوه طمع

عمریست خواهش صله را ترک می کنم

چیزی نمی دهم که تو چیزی به من دهی

من غش در معامله را ترک می کنم

دل را به کوی عشق تو اخلاص لازم است

جز عشق حل مساله را ترک می کنم

ای درد انتظار تو حلال مشکلات

با انتظار مشغله را ترک می کنم

ای حاجیان عشق به گرد تو در طواف

جز در مطاف هروله را ترک می کنم

من معتقدترینم و تو منتقم ترین

جز با ستم مجادله را ترک می کنم

با تو به درد فاطمه یک دل شدم بیا

حال و هوای صد دله را ترک می کنم

ای آخرین سلاله حیدر نیامدی

شعبان به نیمه آمد و آخر نیامدی

در سینه ام محبت تو جا گرفته است

این دل شکسته رتبه اعلی گرفته است

چندیست بی قرار دل سر به راه من

مجنون شده است و دامن لیلا گرفته است

دیگر پی تو این در و آن در نمی زنم

عطر حضور تو همه جا را گرفته است

تاثیر روح پرور انفاس قدسیت

رونق ز کسب و کار مسیحا گرفته است

تو کیستی که در صف عشاق روی تو

یویسف برای دیدن تو جا گرفته است

دست خودم که نیست ندیده خریدمت

قبلا دعای حضرت زهرا گرفته است

دینش سلامت از فتن آخر الزمان

هرکس به کهف امن تو ماوا گرفته است

بسکه نیامدی ز شما دورتر شدیم

زنگار معصیت دل ما را گرفته است

دل را نشد به رنگ شما در بیاورم

از بسکه رنگ بازی دنیا گرفته است

مشغول کار و رونق بازار خود شدیم

کس با خبر نشد دل آقا گرفته است

آن شیعه ای که زندگی روزمره اش

در پرتو ولای تو معنا گرفته است

هر سختی و بلا که رسد می خرد به جان

این درس را ز زینب کبری گرفته است

معنای انتظار همان صبر زینبی است

صبری که ریشه در همه ما گرفته است

تنها نه اینکه مادر تو با ظهور تو

بر روی دست خویش مسیحا گرفته است

مهد تو رفت بهر زیارت به آسمان

یعنی که کار عشق تو بالا گرفت ه است

پر می کشم به شوق هوای تو سالها

چون قطره ای که جانب دریا گرفته است

هر نوکری که گریه بر ارباب می کند

این ارثیه ز ام ابیها گرفته است

ارباب زاده ایم و گِل ما حسینی است

دست مرا عنایت مولا گرفته است

سُکنی گزیده است سر کوی حضرتش

هر عاشقی که روضه سقا گرفته است

این آتشی که در دل ما شعله می کشد

از آن غروب کرببلا پا گرفته است

کی می شود که چشم به شش گوشه وا کنم

پایین پای حضرت ارباب جا کنم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03ـ شعر[[136]](#footnote-136)

ابر کرم که نم نم باران درست کرد

از این کویر خشک گلستان درست کرد

دل را تجلیات خداوندی سحر

خانه خراب زلف پریشان درست کرد

دستی کریم آمد و با دستگیری اش

ما را گدای نیمه شعبان درست کرد

ما را سر قرار خودش بی قرار ساخت

دنبال خویش بی سرو سامان درست کرد

پس نادرست سجده نکردیم این جناب

کافر خراب کرد و مسلمان درست کرد

با دست پخت فاطمه نانی درست کرد

از ما کنار سفره سلیمان درست کرد

ما سائل قدیمی زهرا و حیدریم

در انتظار مهدی آل پیمبریم

با جزر و مد پلک تو دریا بلند شد

نوح و خلیل و آدم و موسی بلند شد

مریم به دور کعبه نرجس طواف کرد

عیسی به شوق روی مسیحا بلند شد

یک دست روی سینه و یک دست روی سر

مریم به پای یوسف زهرا بلند شد

مجنون شدند اهل سماوات تا زمین

تا گرد و خاک محفل لیلا بلند شد

ما سربلندهای همین سروری شدیم

وقتی که سایه ات به سر ما بلند شد

هرجا که نام تو برسد واجب القیام

باید به احترام تو از جا بلند شد

ما غیر نام محترمت را نمی بریم

در انتظار مهدی آل پیمبریم

ماییم و مستمند دعای شما شدن

قبل از رسیدن رمضان با خدا شدن

از من مرا بگیر و خودت را به من بده

باید به راه عشق تو از خود جدا شدن

باید درست توبه کنم این بدی بد است

می ترسم از عقوبت این بی حیا شدن

از دست رفت چشم ترم بسکه گریه کرد

با با خبر ز نامه اعمال ما شدن

یا ایها العزیز مناجات های ما

خوب است با صدای تو از خواب پا شدن

یک وقت ها برای خودم نقشه می کشم

ای کاش با تو راهی کربلا شدن

ما تشنه زیارت ارباب بی سریم

در انتظار مهدی آل پیمبریم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04ـ شعر[[137]](#footnote-137)

فرشته سوی زمین با شتاب آمده است

که باز هم قلمم را خطاب آمده است

خطاب آمده در چشم چشمه شعبان

دوباره ماهی مضمون ناب آمده است

خطاب آمده وقت گدایی دلهاست

چرا که حضرت عالیجناب آمده است

اگر قیامت امشب نبود بی لبخند

یقین می آمد یوم الحساب آمده است

از این خبر شده شیرین دهان قند امشب

که آخرین نمک بوتراب آمده است

اگر غلط نکنم جمع سیزده گل سرخ

اگر درست بگویم گلاب آمده است

از آخرین خم خود سر گشوده است خدا

بیاورید پیاله شراب آمده است

برای اهل خدا رحمت خداوندی

و بر اهالی شیطان عذاب آمده است

کسی که مقصد یا من مجیب مضطر ماست

به یاری دل پر اضطراب آمده است

من از فراز «خُزّان العلم» فهمیدم

سوالهای جهان را جواب آمده است

چنین که چشم زمین روشن است معلوم است

از آسمان پسر آفتاب آمده است

میان کوچه مان بوی یار می آید

گلی رسیده که با او بهار می آید

خبر رسیده کسی از تبار باران ها

رسد به داد دل خشکسالی جان ها

خبر رسیده که طوفان بپا شود وقتی

نسیم آمدنش می رسد به ایوان ها

خبر رسیده که وقتی رسید می شکفد

گل از گل همه خارهای گلدان ها

خبر رسیده که روزی ز مشرق کعبه

دوباره سر بزند آفتاب ایمان ها

خبر رسیده که با آیه های چشمانش

پس از ظهور کنند استخاره قرآن ها

خبر رسیده ولی ما هنوز هم خوابیم

شبیه مرده ای افتاده در خیابان ها

عوض شده است زمانه چنان که مجنون هم

به خانه خفته و لیلاست در بیابان ها

اگر نیاز ببیند بدون ناز آید

چنان که آب گوارا به کام عطشان ها[[138]](#footnote-138)

به جای بردن نامش به کوچه دلمان

فقط شده است ولیعصر نام میدان ها

دعای عهد نرفته ز یادمان اما

نمانده است کسی روی عهد و پیمان ها

اگر چه با دل شیعه کنار می آید

نکردم آنچه زما انتظار می آید

دعا برای ظهورش دعایمان شده است

تمام آرزوی ربنایمان شده است

قسم به «یابن الانوار ظاهر» نورش

میان ظلمت شب روشنایمان شده است

برای آشتی با خدا و توبه مان

چقدر واسطه و آشنایمان شده است

بیا به سمت ظهورش کمی قدم بزنیم

که انتظار فقط ادعایمان شده است

همیشه در وسط جنگ کشتی و طوفان

به سمت ساحل حق ناخدایمان شده است

همیشه آخر خط با نگاه رحمت خود

عوض کننده حال و هوایمان شده است

همان که باعث خون گریه های او هستیم

همیشه بانی لبخند هایمان شده است

دوباره نیمه شعبان و افضل الاعمال

زیارت حرم کربلایمان شده است

بیا دوباره برای حسین گریه کنیم

بیا که ناله او هم نوایمان شد ه است

چقدر با من و تو گریه کرده بر جدش

چقدر هم نفس های هایمان شده است[[139]](#footnote-139)

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05ـ شعر[[140]](#footnote-140)

هر طرف بینی از طرب غوغاست مرکز این سرود سامراست

سامرا قبله گاه اهل ولاست عید میلاد مهدی زهراست

اندر این ماه رحمت مطلق زهق الباطل است و جاء الحق

آه مهجور را اثر آمد جشن آزادی بشر آمد

مظهر عشق جلوه گر آمد عید میلاد منتظَر آمد

کشور عشق نورباران شد حجت بن الحسن نمایان شد

ای که هستی خدا نما مهدی ای خدا را تو آشنا مهدی

در رهت چشم خلقها مهدی بهر امداد ما بیا مهدی

عیدیت از خدا تو را خواهیم تا بیایی تو چشم بر راهیم

ای شفابخش سینه پر درد چهره ها شد ز درد هجران زرد

مقدمت مژده وصال آورد ای سفرکرده سوی ما برگرد

تا برآرد خدا نیاز تو را ما به جان می خریم ناز تو را

لیت شعری که در کجا هستی مروه ای یا که در صفا هستی

عرفاتی و یا منی هستی یثربی یا که کربلا هستی

دلبرا دل بُود گرفتارت هرکجایی خدانگهدارت

فکر بلبل همه آن است که گل شد یارش

گل در اندیشه که چون عشوه کند در کارش

دلربایی همه آن نیست که عاشق بکشد

خواجه آن است که باشد غم خدمت کارش

آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست

هرکجا هست خدایا به سلامت دارش

عزیزٌ عَلَیَّ ان أری الخَلقَ وَ لا تُری... چقد سخته آقا جان همه رو ببینیم ولی تو رو نبینیم... وَ لا اسمعُ لکَ حَسیساً وَ لا نَجوی... عزیزٌ عَلَیَّ ان تُحیطَ بکَ دونیَ البلوی وَ لا یَنالُکَ مِنّی ضَجیجٌ وَ لا شَکوی... چقدر سخته دور و بر ما این همه بلا باشه و هیچ کسی نیست صدای ما را بشنود، شکایت ما را بشنود، ... بنفسی أنت مِم مُغَیَّبٍ لم یَخلُ مِنّا... فدات بشم که هیچ وقت ما رو رها نکردی...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ سرود[[141]](#footnote-141)

عمریه غلامتم آقا عاشق مرامتم آقا تو قرار این دل شیدا

عمریه منتظرم من فدای قدمت

چشم به راهت می مونم من فدای کرمت

آقا من به پات فدا می شم آقا به هوات رها می شم آقا از بدی جدا می شم

یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی

عمریه منتظرم آقا من ازت بی خبرم آقا تو قرار این دل شیدا

اشک شوقمُ ببین تو شب ولادتت

کی می شه قسمت من تا بیام زیارتت

آقا تو که غم خوار منی آقا تو فقط یار منی آقا دل و دلدار منی

یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی

دعای عهد تو پر شوره دلای ما شاد و مسروره بساط عاشقیمون جوره

طاق نصرتی آقا میون دلم زدی

همه عالم میگند آقا جون خوش اومدی

آقا پا بذار رو چشمامون آقا تویی خواب و رویامون آقا می خونند پیر و جوون

یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی

کوچه ها چراغونه امشب تا سحر نغمه من بر لب آقامونُ برسون یا رب

آرزومه یه نماز بخونم پشت سرش

یه شبی تو جمکران بشینم برابرش

آقا آخرین نور خدا آقا آرزومه با شما باشم یه شبی تو کربلا

یا مهدی یا مهدی یا مهدی ادرکنی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک07ـ سرود[[142]](#footnote-142)

شدجلوه گر رخ ماه بهشت رسیده از راه

بگو به قلب آگاه قدومش مبارک مبارک رسول الله

اومده نور چشمای حیدر اومده عشق زهرای اطهر جبرئیل می گه الله اکبر

زمین مثل بهشت چراغونه ببین فرشته رو زمین فراوونه ببین

یا اباصالح

اومد امید حیدر نور نگاه مادر

هم نام با پیمبر با عدلش پر از گل می شه دنیا سراسر

اونکه زهرا شد چشم انتظارش کربلا سراسر بی قرارش می چرخه بیت الله در مدارش

می آد و می رسه دیگه نوبت نور شب غربت ما می شه صبح ظهور

یا اباصالح

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک08ـ سرود[[143]](#footnote-143)

عاشق تو پیر شده از زندگی سیر شده

ای گل نرگس بیا اومدنت دیر شده

یه سال و دو سال نیست که چشم انتظار توام

یه عمره که دل بی قرار بهار توام

تا آخر سر راه ایشالله می مونم به یاد قدیما هنوزم می خونم

اگر آن ماه نمونه رخ خود را بنمونه

همه بتهای جهان را سر جاشون می نشونه

یگانه تمثال علی یا اباصالح امید و آمال علی یا اباصالح منتقم آل علی یا اباصالح

یابن الزهرا

نم نم بارون می آد این دفعه مهمون می آد

قرآن و اسفند بیار داره آقامون می آد

اونیکه از امشب رو چشما قدم می زنه

می آد و برای گل یاس حرم می زنه

چه شوری چه عشقی نشسته به جونم به یاد قدیما هنوزم می خونم

فراز منبر گل بخوان یک خطبه بلبل که امشب جلوه گر شدجمال مصلح کل

مهر احمدی مه محمدی عزیز فاطمه خوش آمدی

دنیامون آباد می شه دلهامون آزاد می شه

وقتی تو از راه می آی فاطمه دلشاد می شه

ثمر می ده آخر نهال قیام حسین

می آد ذوالفقارت واسه انتقام حسین

الهی الهی نیفته دعات از زبونم به یاد قدیما هنوزم می خونم

روز و شب با شوق نگاهت گل نرگس منتظر هستم سر راهت گل نرگس

ای تمام روح هستی ای شکوه حق پرستی

از خدا چیزی نمی خوام هرچه می خواهم تو هستی

مست و هوایی شدم با تو خدایی شدم

نیمه شعبان بازم کرببلایی شدم

تو که حاجت نوکرا رو روا می کنی

دلای اباالفضلی رو خوب دعا می کنی

مسیر بهشتُ تو دادی نشونم به یاد قدیما هنوزم می خونم

هستی من مستی من یابن الزهرا یا مهدی

در و دیوار قلب من شده آیینه بندان

که بیایی سحر گردد شب یلدای هجران

گذری کن ز سینه ام که ببینی ارادت

که ز اشکم به بام دل زده ام طاق نصرت

مکتب من مذهب من یابن الزهرا یا مهدی

من اگر که نیم قابل که رسم بر وصالت

مپسند ای حبیب من که نبینم جمالت

روح تنی عمر منی یابن الزهرا یا مهدی

عزیزُم یار نازُم دلنوازُم نمی دونم ز هجرونت چه سازُم

دوای درد مو دست تو باشه بیا دردُم دوا کن چاره سازُم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک09ـ سرود[[144]](#footnote-144)

مردی می آید که از دور بی قراره

تک سواره دلُ غارت می کنه با یک اشاره

ذوالفقار علی رو داره شهریاره آروم نداره

در وفا، غیرت و شجاعت مقتدایش علمداره

او خواهد آمد دلارو بی سامون کنید او خواهد آمد جاده رو گلبارون کنید

او خواهد آمد سفر به جمکرون کنید

اباصالح یا مهدی

مردی می آید ز مهتاب در نقابه عشق نابه

به زمین و آسمون و فلک می تابه

از تبار قوم آبه مستجابه اربابه

ذکر لبهاش کنار کعبه یا حیدر ابوترابه

او خواهد آمد عالمُ باصفا کنید او خواهد آمد براش خدا خدا کنید

او خواهد آمد برا فرج دعا کنید

اباصالح یا مهدی

مردی می آید ز خورشید نور عینه شور و شینه

پرچم دستش لثارات الحسینه

منجی صد عالمینه مشرقینه مغربینه

عیدی امشبه آقامون یه سفر بین الحرمینه

او خواهد آمد کربلا با صفا می شه او خواهد آمد خاک بقیع طلا می شه

او خواهد آمد اونجا حرم بپا می شه

اباصالح یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک10ـ سرود[[145]](#footnote-145)

طپش دلم برای توست میون سرم هوای توست

اگه نفسی می آد میره اینا همه از دعای توست

همه کس من تویی تویی کشته نگات منم منم تاج سر من تویی تویی خاک زیر پات منم منم

تویی ستاره توم شبای تیره و تارم

دلبر و یارم تا تو رو دارم غصه ندارم

آروم و قرار دل منی ای باغ و بهارم

ای کس و کارم دارو ندارم مونس و یارم

مولا مولا یا صاحب الزمان

می زنه برات دلامون پر الهی بشه یه روز آخر

با خود شما بگیریم جشن میلادتونُ چه زیباتر

آرزوی دل تویی تویی فقیر و گدا منم منم صاحب کرم تویی تویی محتاج دعا منم منم

صاحب زمین و زمون و مکان و عرش خدایی

روح دعایی گره کشایی دلبر مایی

صفای حرم و خدای کرم و قبله نمایی

سعی و صفایی آب بقایی شور و نوایی

مولا مولا یا صاحب الزمان

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک11ـ سرود[[146]](#footnote-146)

شب شب مستی من و می خونه بازه دلبر اگه نظر کنه اون چاره سازه

حور و ملک به دور دلبر در طوافند به طاق ابروش جبریل غرق نمازه

ماه شعبان باز به نیمه رسیده عطر و بوی نرگس هرجا پیچیده

اگه دیدن یوسف انگشت بریدند هرکی دیده یارمُ سرشُ بریده

می باره به پای قدمای اون ماه و ستاره بگو ساقی امشب برا من باده بیاره

اگه دلبر نظر کنه کار نشد نداره

اباصالح مهدی جانم یا مهدی

قصه عشق لیلی و مجنونُ عشقه هرچی که دلبرم بخواد فقط اونُ عشقه

امشب و شبهای دیگه مستیم به کامه اما سه شنبه شبهای جمکرونُ عشقه

دل مستم امشب غرق سروره که نگارم چون مه یک هاله نوره

بیا امشب با آقا عهدی ببندیم که ایشالا فردا روز ظهوره

منم و دلم و آرزوم و شوق نگاهت سرمُ می ذارم زیر پات هرجا به راهت

منُ کشته آقا به خدا خال سیاهت

اباصالح مهدی جانم یا مهدی

مث عباس شیر و حیدر وقاره می رسه تو دستاش تیغ ذوالفقاره

انتقام مادرُ از عدو می گیره داغ هرچی فدکُ به دلش می ذاره

چی می شه ببینه دلم تو رو حاجت روا شه کبوتر صحن جمکرون تا کربلا شه

یا که جلد علی بن موسی الرضا شه

اباصالح مهدی جانم یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک12ـ سرود[[147]](#footnote-147)

از راه اومده دل و دلبر خدا از راه اومده سیب نوبر خدا

از راه اومدن عاشقا تا بخونند از راه اومده تیر آخر خدا

اومد اونکه نور فاطمی داره اومد اونکه مُهر قائمی داره

اومد اونکه خال هاشمی داره آره والله

ای پاره جگر فاطمه ای آخرین پسر فاطمه

از آسمونا ماه نورس اومده عید اومده و نقل مجلس اومده

کوری چش گلچینا ما می خونیم از باغ خدا گل نرگس اومده

گل نرگس سرتو به سلامت عاشق تو داره آقا علامت

سر راهت می شینه تا قیامت

جز دوری تو ندارم دردی من منتظر می مونم برگردی

مثل دل ما هیچکی شیدا نمی شه مثل دل تو هیچکی لیلا نمی شه

عالم رو اگه زیر پامون بذاریم آقا مث تو دیگه پیدا نمی شه

تا نداری آره همتا نداری آیینه ای توی دنیا نداری

مث مولا المثنی نداری تا نداری

ای بارون عاشقی یا مهدی ای قانون عاشقی یا مهدی

عشقت به خدا تو دلم کرده ریشه این حرف منه از حالا تا همیشه

منکه به جز این از تو چیزی نمی خوام روز ظهورت زنده باشم چی می شه

چرا باید دل من نا امید شه یعنی می شه نوکرت روسپید شه

پا رکابت تو جوونی شهید شه رو سپید شه

ای بانی انتقام حسین قرار ما تو بین الحرمین

ای آب حیات یا اباعبدالله جانم به فدات یا باعبدالله

در موج بلا ذکر عاشق اینه کشتی نجات یا اباعبدالله

دل و دین و عقل و هوشمُ بردی با نگاهت ما رو اینجا آوردی

نوکرت رو دست زهرا سپردی دلُ بردی

ای شور شیرین من یا حسین ای عشق دیرین من یا حسین

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک13ـ سرود[[148]](#footnote-148)

از آسمون بپرسید چه دعایی کرده از پشت ابرا خورشید داره برمی گرده

یکی اومده همه چی دستشه زمین و زمون به خدا مستشه

هرکی گفت بهار نمی شه با یه گل بذار اینقدر بگه تا خسته شه

می خونند عاشقا یا مهدی شده ذکردعا یا مهدی گل نرگس بیا یا مهدی

دور سرش فرشته تاج گل می بنده این طاووس بهشته که داره می خنده

فارس الحجاز و امیدعالمین همه خلقتُ می بره زیر دین

اومده که دنیامونُ پر کنه با نوای حیدری یا حسین

تویی راز خدا یا مهدی وارث کربلا یا مهدی گل نرگس بیا یا مهدی

وقتی میای نشونت بوی عطر یاسه رو قله های شونت علم عباسه

یا علی مدد بگو نفس بگیر بیا شمشیر باباتُ دست بگیر

به مدینه رو کن و با شیعه ها برو حق مادرتُ پس بگیر

تویی آقای ما یا مهدی می زنیم بازصدا یا مهدی گل نرگس بیا یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک14ـ سرود

مرغ قفسم باشد هوسم روزی به سر کویت برسم

دیوانه ام و عاقل نشوم با هر نفست آید نفسم

بیمار توام از دست کسی شفا نخواهم از دست تو غیر تربت کربلا نخواهم

آقام آقام آقام هوای منُ داشته باش آقام آقام آقام رو کویرا بارون بپاش

آقام آقام آقام سال ظهورت باشه کاش

دائم به سرم سودای حرم کی بر حرمت افتد گذرم

شب سر کنی و لب تر کنی و آخر به لبت افتد نظرم

جارو به کفم مست توام و باده به دستم تا چشم تو را دیدم زدم و سبو شکستم

آقام آقام آقام بوی می نابت میاد آقام آقام آقام خدا منُ عاشق می خواد

آقام آقام آقام داده منُ عشقت به باد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک15ـ سرود

قلب عاشق توی سینه بی قرار کوچه هامون پر عطر انتظار

عاشقونه می خونم از سر مستی

زدی جاممُ شکستی روز و شب می گم به عالم امید دلها تو هستی

یابن الحسن زندگیم فدای تو یابن الحسن می شینم به راه تو

یابن الحسن همه بود و نبودم

آقام آقام اباصالح مددی

اختیارم دیگه دست دلمه عشقت آقا انگاری تو گِلمه

شاد شادم رسیده نیمه شعبان

اومده معنی قرآن مژده میدند که رسیده یوسف زهرا به کنعان

نفس نفس می زنم برای تو قدم قدم می رسه صدای تو

انگار دیگه نزدیکه وقت ظهورت

آقام آقام اباصالح مددی

کاش یه روزی بشینی برابرم عاشقونه بکشی دست رو سرم

عاشق تو تا نیای آروم نداره

از چشاش بارون می باره عاشقی برای جدت بی شما صفا نداره

بیا بیا ای عزیز عالمین بیا بیا یا لثارات الحسین بیا بیا وارث رایه العباس

آقام آقام اباصالح مددی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک16ـ سرود[[149]](#footnote-149)

تو می آی و همه دردامون دوا می شه و

تو می آی و دلا خونه خدا می شه و

تو می آی و همه دنیا با صفا می شه و

تو می آی و دلم وا می شه

قصه ما اینجوری تموم نمی شه نمی مونه دنیا اینجوری همیشه

قلب عاشق چشم به راه تو می شینه تا که اون روزُ ببینه که شروع زندگیشه

آقا بی تو دردامون نداره تسکین درد غربت توی روزگار غمگین آخر روزی می رسه که تو می آیی

می رسه روز رهایی پر لحظه های شیرین

تو می آی و همه دنیا بوی گل می گیره و

تو می آی و دیگه غم سراغ دل نمیره و

تو می آی و همه بندامون رها می شه و

تو می آی و دلم وا می شه

وقتی لبهام واسه تو دعا می خونه اللّهم می شه شعر عاشقونه

با رویای گل نرگس نگاهت با خیال روی ماهت می گیره دلم بهونه

تو می آی و زمین مثل آسمون می شه و

تو می آی و لبامون ترانه خون می شه و

تو می آی و دوباره دعا دعا می شه و

تو می آی و دلم وا می شه

لبم مشغول آل یاسین و دلم مشغول آه تو سینه ست

من از بس چشمم گشته دنبالت رو ابرا رد پاتُ می بینم

نگاهم از بارون نشونتُ می گیره یه عمره دلهامون بهونتُ می گیره

می بندم عهدی تا قیامت با دلی که از عشقت پریشونه

نوشتم مهدی روی قلبم تا بدونن صاحب داره این خونه

محاله تا هستم از عشق تو جدا شم محاله تا امروز تو رو ندیده باشم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک17ـ سرود[[150]](#footnote-150)

دونه دونه آیه ها همه میگن یه روز می آی

تو در و همسایه ها همه میگن یه روز می آی

نشستم لب ایوون چشام مونده به راهت

گلای توی گلدون می میرند بی نگاهت

سر گذر عاشقا توی کوچه آسمون

می شینه دلم منتظر واسه دیدن روی آقامون

چقدر با دوری تو ساختم چقدر دیدمت و نشناختم

آقا عشق مایی آقا پس کجایی آقا کربلایی بیا به جون مادرت

قصه های عاشقی همه میگن یه روز می آی

کبوترای بقیع همه میگن یه روز می آی

کجاست خیمه خورشید میون شب تاریک

یه حسی می گه خیلی ظهورت شده نزدیک

غروب همه جمعه ها همیشه به یادت منم

می دونم اگه خوب بشم تو خودت می آی واسه دیدنم

بیا که شیعه تو تنهاست بیا تو رو به عموت عباس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک18ـ سرود[[151]](#footnote-151)

کوچه پس کوچه های دل بهاره توی گرما داره بارون می باره

صدایی می آد از کوچه مهتاب صدا صدای آشنای یاره

حیدر شمائل ارباب فضائل

نوشته روی سربند سرش یا ابوفاضل

وارث علیه هم نام نبیه

وقتی ذوالفقار می بنده به به چه یلیه

نعره هاش آتشینه ماه روی زمینه

هیبتش جمع علی و یل ام البنینه

اباصالح یا مولا

اذان کربلا دلم رو کنده صدا مهدی ز ماذنه بلنده

حضرت عیسی رو گنبد عباس پرچم یا اباصالح می بنده

شب شب جنونه شب صاحب زمونه

خضر نبی پشت مهدی چاووشی می خونه

دل تو کاروونه مهدی ساربونه

بعد مسجد سهله آقام تو جمکرونه

کاروون پر دلیره سیصد و سیزده شیره

اسم ماها رو بنویس توی لیست ذخیره

بیا آقا ثواب کن ما رو هم انتخاب کن

ما قبیله سلمانیم روی ماهم حساب کن

اباصالح یا مولا

باده انتظار داره چه شهدی ایشالا می رسه فصل هم عهدی

به کوری چشم آل خلیفه بقیع آباد می شه با دست مهدی

می شی تو نادم وهابی ظالم

بترس از ضربات شمشیر حضرت قائم

هستی بی چاره خونت حلاله

می شکنه گردنت با دست آقام اباصالح

ظالمان یهودی می آرند دیگه به زودی

خبر سرنگونی حکام سعودی

این خبر چه شیرینه آرزومون همینه

که بریم با رهبرمون کربلا و مدینه

اباصالح یا مهدی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک19ـ سرود[[152]](#footnote-152)

کوچه هامون همه شده چراغون دوباره جمکرانیه دلامون

ریسه کشیدیم تو شب ستاره برا آقامون

باز دعای فرج رو می خونیم پای عشقش همیشه می مونیم

زنده ایم با امید وصالش هنوز جوونیم

تا سحر می خونیم متی نری و نراک نوای دل ما یابن الحسن روحی فداک

با هر دعا و ربنا می خونیم این معز الاولیا می خونیم

صبحای جمعه باز می شیم بهاری دعا می خونیم

چشم تو زینت عالمینه نیستی و تو دلا شور وشینه

اونکه می جوشه توی ندبه ها خون حسینه

قد و بالای تو طاووس اهل جنته روزی که تو بیای دنیای ما قیامته

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک20ـ سرود[[153]](#footnote-153)

دلم به عشقت اسیره دلم ز هجرت می گیره

خدا کنه عاشق تو برات هزار بار بمیره

اباصالح یا مولا

به امید دمی که روی ماهت را ببینم

همیشه چون گدایان بر سر راهت نشینم

من آن بیچاره ای هستم که محتاج نگاهم

نگاهم کن ز رحمت ای نگار نازنینم

تویی آن بهترین زیباترین خلق الهی

خدا بهتر ندارد از تو در عالم گواهی

به جان تو اگر زشتم تو را می خواهم ای دوست

ببخشایم نباشد عاشقی مولا گناهی

به تو دل دادم و از هر دو عالم دل بریدم

ز هرچه جز تو آید در خیالم دل بریدم

اگر باشد وصالت قیمت جان می خرم من

زجان خود به امید وصالت دل بریدم

صبا از من بگو با آن نگار بی قرینه

که هجرت می زند ای ماه من آتش به سینه

اگر دنبال تو گشتم ندیدم رخ ماهت

سراغت را بگیرم من ز شبهای مدینه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک21ـ سرود[[154]](#footnote-154)

سامرا شده کعبه جان اومده منجی جهان می خونم از عمق وجود مددی یا صاحب زمان

چشم تو خدایی غوغاست جمالت زیباست شبیه عباس

پرچمت نماد زهراست تادنیا دنیاست همیشه بالاست

عشق من ارباب اباصالح

منتظر بر راه توام یوسف در چاه توام عمریه من معتکف صورت چون ماه توام

نذر تو تموم هستم اگرچه پستم گدایت هستم

در راهت ببین پا بستم همیشه مستم سبو بشکستم

عشق من ارباب اباصالح

آخرین سلطان ولا رزق من در دست شما کربلایی کن تو منُ وارث شاه کربلا

یا مهدی زعشقت شادم ز غم آزادم به تو دلدام

من اهل حسین آبادم ببین فریادم مده بر بادم

عشق من ارباب اباصالح

کربلا مردم ز غمت دلمُ برده پرچمت تا به کی باید بشینم تو خماری حرمت

اربابم هواتُ عشقه صفاتُ عشقه وفاتُ عشقه

ایوون طلاتُ عشقه دعاتُ عشقه صفاتُ عشقه

عشق من ارباب اباصالح

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک22ـ شور[[155]](#footnote-155)

توی تقویمای دنیا می بینیم یه روز ایشالا

زیر یک جمعه نوشته ظهور بقیه الله

تو صحن کربلا تو مشهد الرضا

هر جا که هستی تو التماس دعا

ندیده عاشقت شدم اسمت رو بردم

دست تو از رو قلب من برداری مردم

مولانا صاحب الزمان

تا کی دیگه صحن چشام بارون غم شه

بیا که زهرا مادرت صاحب حرم شه

همیشه منتظر تو جمعه ها دم غروبم

تو که خوب باشی آقاجون من به خوبی تو خوبم

مدینه ونجف سرداب سامرا

هر جا که هستی تو التماس دعا

میون علقمه تو ایوون طلا

هرجا که هستی تو التماس دعا

پیچیده توی کوچه ها عطر حضورت

یه کربلا به هم می ریم روز ظهورت

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک23ـ شور[[156]](#footnote-156)

من زیر بارونم دوباره روی گونه هامه ستاره چشمان من در انتظاره

مهدی بیا

همه عشق و امید و باورم می خونه سر سجاده دعای مادرم می خونه

بهار دلم قراره دلم نگار دلم ای گل نرگس بیا ای گل نرگس

دل بی عشق تو دل نمی شه کعبه جز خاک وگل نمی شه دینم بی تو کامل نمی شه

مهدی بیا

ابر و باد و مه و خورشید و فلم می خونند همه اهل زمین و آسمون جن و ملک می خونند

بهار دلم قراره دلم نگار دلم ای گل نرگس بیا ای گل نرگس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک24ـ شور

الهی هر جا که هستی آقاجون باش سلامت

یکی اینجا چشم به راته تا خود روز قیامت

دلی که تو آرزوته تو خیالش روبروته زیر طاق نصرتا اسم عموته

بیا تا دلم دخیل علم شه آقا بیا مادرت صاحب حرم شه آقا

این الحسن این الحسین این ابناء الحسین

جبرئیل آسمونا رو داره باز ریسه می بنده

بیا تا بعد هزار سال به کمی زهرا بخنده

شب غم کاش سپری شه با دعامون اثری شه

همین امشب آقا ازتو خبری شه

چقدر منتظر به راه تو من نشستم توی غیبتت پای نائب تو هستم

این الحسن این الحسین این ابناء الحسین

الهی یه روز بیاد که با دعای مادر تو

یه نماز تو جمکران ما بخونیم پشت سر تو

منم و ندبه و یارب می خونم با گریه امشب

منُ کربلا ببر به حق زینب

می بینیم با تو زیارت کربلا رو می سازیم با تو ما بقیع و سامرا رو

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک25ـ شور[[157]](#footnote-157)

صاحب عصر و زمانی عزیز جانی مسافر عشق

از خیمه سبزت آقا بده نشانی به زائر عشق

بازم زیر بارون رو لبامون ترانه داریم

بازم واسه مستی تا تو هستی بهانه داریم

باز امشب توی دلامون غوغا شد گمشده ما پیدا شد عیدی ما با زهرا شد

سیدنا یا اباصالح

وقتی می آی میگن آقا تموم دنیا می شه بهاری

چی می شه تو صبح رجعت عزیز زهرا منم بیاری

می آی تو دستات ذوالفقار علی می گیری

غوغا می شه عالم با نوای حسین امیری

دنبالت دنیای پر از احساسه نقش پیشونی بند تو دخیلک یا عباسه

سیدنا یا اباصالح

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک26ـ شور[[158]](#footnote-158)

دوباره وقت جنون شده باز دل من نغمه خون شده

مهمون دلهای بی قرار مهدی صاحب زمون شده

سامرا مشب مثل بهشت برین شده عرش الهی محو بهار زمین شده

برای این نو رسیده امشب وجود نرگس بی تابه

ستاره بارون شده زمین و زمونه امشب عاشق ترینم با یه شعر عاشقونه امشب

قرار ندارم شدم از عشقت دیوونه امشب

یا اباصالح مددی مولا

اونا که یوسف رو ندیدند دارند به مردم خبر میدند

از عرش اعلی تا سامرا همه ملائک صف کشیدند

خدا بهشتُ نذر چشای تو آفرید یوسف کنعان تو رو دید و دستشُ برید

قلب من امشب خونه عشق حضرت رب الاربابه

حضرت نرجس داره به دامن دست گل یاس اهل تولی به پاش برزید گوهر و الماس

دلا رو برده نگاهش مثل نگاه عباس

یا اباصالح مددی مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش ششم، شور علوی**

ترک 01[[159]](#footnote-159)

عشق و جنون آغاز می کنم با ذکر یاحیدر

تا به خدا پرواز می کنم با ذکر یاحیدر

مثل مسیح اعجاز می کنم با ذکر یاحیدر

درب بهشتُ باز می کنم با ذکر یاحیدر

حیدرمدد

دل می برد حیدر ازل حیدر ابد حیدر

طوفان کند حیدر اسد حیدر احد حیدر

یا فاطمه گوید که خیبر را کند حیدر

حیدرمدد

باز دارم عبادت می کنم با ذکر یا حیدر

باز دارم قیامت می کنم با ذکر یا حیدر

قرآن ُ قرائت می کنم با ذکر یا حیدر

باز مشق ولایت می کنم با ذکر یا حیدر

حیدرمدد

ذکر من از گهواره تا زیر لحد حیدر

ایوان طلایت نرخ جنت بشکند حیدر

مدد حیدر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 02[[160]](#footnote-160)

سائلت شدم می دونی تو چه آقای مهربونی

از خدا می خوام همیشه همینُ تو قلبم بمونی

دوست دارم با تیر چشمات دلمُ هدف بگیری

وقتی شدم کربلایی جونمُ نجف بگیری

عاشق شد هرکی از دست تو نمک خورد آقا

از هیبت نور تو کعبه ترک خورد آقا

علی یا مولا

با شما باشم امیرم بدون شما سر به زیرم

از خدا می خوام هزار بار روزی یه بار برات بمیرم

غرق در گناهم اما نگو دیگه سیری از من

جون فاطمه خدایا علی رو نگیری از من

از کودکیم من قلبم رو به پات آوردم

می بردم نامت رو وقتی که زمین می خوردم

علی یا مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 03[[161]](#footnote-161)

من و دل خرابی که همیشه دیوونه توست

من و دل آبادی که همیشه ویرونه توست

منم گدایی که همه عمرش در خونه توست

مستی انبیا همه از می میخونه توست

خوش به حال دلی که تا آخرش با ولایته

دلی که با ولایته خدایی با سعادته

بنده تو کرامته گدای تو شجاعته

ذکر علی علی علی بالاترین عبادته

علی بشیر و نذیره علی امین و امیره

دست شفاعتش یه روز دستای ما رو می گیره

شیعه مرتضی علی بگو بدون واهمه

اگه همه عمرت بگی علی علی بازم کمه

ذکر دل پیمبر و طپش دل فاطمه

ذکر رجزهای علمدار حسین تو علقمه

یا علی یا علی یا علی یا علی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 04[[162]](#footnote-162)

باز دوباره بوی شراب کوثر اومد رو لبام نام قشنگ حیدر اومد

تموم غصه های شیعه سر اومد یا حیدر یا حیدر

باز ضربان دل من یا علی حیدر خاک نعلین علی دُرّه و گوهر

امپراطور جهان ساقی کوثر یا حیدر یا حیدر

سندش روز غدیره حیدر برایم امیره حیدر شاه بی نظیره علی شاهه علی ماهه

حیدر حیدر حیدر حیدر علی حیدر

عشق دیدن صحن و سرای دلرباته انگاری آسمونا به زیر پاته

یوسف مصری آقا محو چشاته یا حیدر یا حیدر

باز می زدم از سرمن مستی نمی ره مست هرکی که به دام تواسیره

کاش که این دل با همین مستی بمیره یاحیدر یا حیدر

حال ما حال مجنونه ساقی بده یه پیمونه مستونه این دل می خونه علی شاهه علی ماهه

حیدر حیدر حیدر حیدر علی حیدر

باز سند دلُ زدم به نام حیدر دیوونه کرده منُ مرام حیدر

آرزومه بمونم غلام حیدر یا حیدر یا حیدر

من تا ابد یه سینه چاکم پای حیدر می میرم یه روز برا ساقی کوثر

سر زیر پاهاش می ذارم دم آخر یا حیدر یا حیدر

حیدر مرده اهل درده مرد روزای نبرده دنیا بی عشقش چه سرده علی شاهه علی ماهه

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک 05[[163]](#footnote-163)

یا حیدر کنار زهرا این شور و شعفت رو عشقه

ایوون کسرا رو نخواستیم ایوون نجفت رو عشقه

عرق ما رو اسم علی عنایت مادریه

مکتب ایرانی چیه؟! مکتبمون حیدریه

ما همه عبدیم جز تو ولی نداریم خود احمد گفت من و علی نداریم

علی ولی الله یا ابوتراب

آقا تو با در خیبر این دل مارم از جا کندی

خاک پاهات شدن آورده برا شیعه ها سربلندی

ولایت تو از ازل شروع شد ایها الامیر

نه اینکه آقایی تو باشه برا روز غدیر

ما به جز اسمت ذکر جلی نداریم خود احمد گفت من و علی نداریم

علی ولی الله یا ابوتراب

یا مولا کسی تو دنیا دُرّ سخنت رو نداره

کور بشه هرکسی آقاجون چشم دیدنتُ نداره

همیشه حرف حق آقا شنیدنش سخته ولی

هرکی ولایت نداره خدایی بدبخته علی

تو قیامت با تو معطلی نداریم خود احمد گفت من و علی نداریم

علی ولی الله یا ابوتراب

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش هفتم، نکات ناب**

ترک01ـ میلاد امام حسین(علیه السلام)[[164]](#footnote-164)

عشق معنا گرفت با نام تو حسین جان، عشق هستی گرفت با نام تو حسین جان ، عشقی که جا های دیگه دیده می شه عشق نیست، همه معطلی و بازیه، حقیقت عشق یعنی حسین...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک02ـ میلاد امام حسین(علیه السلام)[[165]](#footnote-165)

تا امام حسینی که باید بشناسیم یک امام حسین فاصله است، اما اگر حرکت کنیم، خودمونُ پاک نگهداریم، خدا کمک کنه، خودمون همت کنیم، خاکها و گرد و غبارُ کنار بزنیم، از این امام حسین عبور می کنیم، به امام حسین بزرگتر می رسیم...

اگه تحمل کنیم، با آقامون انس بگیریم، از امام حسین دوممم رد می شیم، به امام حسین سوم و چهارم... تا خدا خدایی می کنه این عالم پر حسینه، تا خدا خدایی می کنه جا داریم بریم بالا...

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک03ـ حضرت اباالفضل(علیه السلام)

باده از جام لب مست تو خوردن دارد

حکمت کار به دست تو سپردن دارد

گر مسیح است نفسهای تو صدها عیسی

در مسیر قدمت حسرت مردن دارد

گفته ای تا بنویسند به روی علمت

نفس دشمن عباس شمردن دارد

شاخ شمشادی و آیینه حیدر شده ای

اول آمدنت فاتح خیبر شده ای

پهلوانها همه اینجا سپر انداخته اند

تو که هستی همه بر پات سر انداخته اند

معجزات علم و تیغ تو ثابت شده است

که تو را پیش یلان عرب انداخته اند

باید از دشنه تو قبر خودش را بکند

هر که را بی خردان با تو در انداخته اند

مطمئنا همه جا برد نهایی با توست

با تو هرکس که در افتاد ور انداخته اند

دست در پنچه تقدیر تو انداخته ایم

سر خود را لب شمشیر تو انداخته ایم

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک04ـ امیرالمومنین(علیه السلام) [[166]](#footnote-166)

بود در محفل ارباب نظر

نقل شیرین تری از نقل شکر

می شمردند یکایک چو گوهر

مدحت صاحب شمشیر دو سر

که بشر می شود اینگونه مگر

ها علی بشر کیف بشر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک05ـ حضرت علی اکبر(علیه السلام) [[167]](#footnote-167)

به زهرا ثمری به حیدر پسری فقط با یه نگاه دلا رو می بری

ای آنکه شدی به قلب من حاکم ذکر یا علی علی می گم دائم

ما ایل و تباری نوکرت هستیم ای پسرعموی حضرت قاسم

شهزاده کربلا علی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

ترک06ـ میلاد امام حسین(علیه السلام)

دوباره مجنون شدم و شیدا دوباره مست تو شدم آقا

یه یا حسین نوشتم و رفتم از عشق تو اون بالا بالاها

پر قنداقتو دخیل بستم با اشکام دیدن روی تو شده یک عمره رویام

دردایی که توسینمه می شه فراموش غیر کرببلای تو چیزی نمی خوام

بارون نم نم می باره رو چشم بی خوابم

مست مستم گدای پابست اربابم

ارباب ارباب ارباب ابی عبدالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش هشتم، سبکهای یاس کبود**

**سبک اول(میلاد امام حسین ـ علیه السلام ـ )[[168]](#footnote-168)**

آسمون بارون می باره دل حیدر بی قراره برای دیدن ارباب جبرئیل تا صبح بیداره

دست توئه روی سرم حضرت دریای کرم تو شب میلادت آقا

می گیرم از دست تو امضای حرم

من با اجازه از محضر مولا با یک گوشه نگاه خود آقا

جشن ولادت حضرت ماهه

کاشکی بشم من عاقبت به خیر به اذن زهرا

حسین مددی یا ثارالله

دوباره دلای شیدا اومدن برا تماشا ملائک با هم می خونند اومده هستی زهرا

عشق و می ناب منی جلوه مهتاب منی تموم دنیا می دونند

رعیتم و تویی که ارباب منی

هرکی که در خونه تو باشه توی قلب خودت همیشه جاشه

اون که زندگیشُ به پات می ریزه

اینُ خوب می دونه دعای فاطمه باهاشه

حسین مددی یا ثارالله

صدامون کنی چی می شه نوکرت باشیم همیشه شاه زیاده ولی انگار هیچکی شاه حسین نمی شه

روی لبا زمزمه ای عشق شه علقمه ای دار و ندار حیدرُ

چشم و چراغ خونه فاطمه ای

پای شش گوش تو شب ولادت داره می آد چرا بوی شهادت

رویای همه عاشقات همینه

آقا قسمتمون کن یه شب جمعه زیارت

حسین مددی یا ثارالله

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**سبک دوم( میلاد سه نور) [[169]](#footnote-169)**

ملائک صف به صف ببین برای دیدار با حسین

رسول حق دل سپرد به او مرحبا بر تو یل حنین

تو شاه عشقی نگاه عشقی پناه عشقی حسین حسین

تو امید سائلی عالم از تو منجلی شاه عالمی ببین دست مرتضی علی

برای دیدارت

یوسف پی وصف تو رسیده عیسی زدم تو دم می گیره

بهر شفای بال شکسته فطرس سوی گهواره دویده

مولا ابی عبدالله حسین جان

به کهکشان راه حسین جلوه نموده غوعا ترین

ثانی حیدر شیر نبرد پسر ماه ام البنین

شهره مرامت کرده قیامت همواره نامت پورعلی

ماه هاشمی نسب بی قرینه درادب در هیاهوی نبرد ذکر فاطمه به لب

باب حاجاتی

لبخند تو یاقوت و الماس عطر تن تو بوی گل یاس

چشمان تو نافذ که نمودند نام تو علی فرموده عباس

مولا ابو ابوفاضل ابوفاضل

زینت سجاده و صلات ناخدای کشتی نجات

نام زیبای علی علی اشهد من موقع ممات

به روی منبر علی دیگر ناجی و رهبر علی علی

کل یوم عاشورا خطبه خوان کربلا ای عزیز مرتضی صولتت چو مصطفی

برای شیعه

درس تو دعا بود و مناجات اشفع لنا ای قبله ی حاجات

زین العابدین حضرت سجاد سجده می کند بر تو مباهات

مولا علی مولا علی مولا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**سبک سوم ( سرود میلادامام زمان ـ عجل الله تعالی فرجه ـ) [[170]](#footnote-170)**

بر هر ستم خاتمه ام پایان هر واهمه ام

یه روز می گم وقت ظهور منتقم فاطمه ام

باصوت مهدوی شوری در عالم به پا کن

با بیرق ارباب راه کربلا رو واکن

ذوالفقار درکف علمش در دست می خونه رجز تو میدان

این ابوفاضل ِ یا ابوتراب ِ همه ی دشمنا حیران

تو مولایی منم که بنده هستم توبالایی ببین که پست پستم

این شبا غصه و غم دیگه حرومه موقع وصل اومده هجرون تمومه

یااباصالح ای گل نرگس

روشن شده هفت آسمون چراغونه تا کهکشون

می گه فرشته که اومد مهدی صاحب الزمون

خانم نرجس خاتون زاده ای یه پاره ی ماه

فرزندت بی همتاست به قدو بالاش ماشاالله

هرکسی دردل خصم او دارد به علی قسم که رضل ِ

قدو بازویش خم ابرویش شبیه عموش اباالفضل ِ

تو مولایی منم که بنده هستم توبالایی ببین که پست پستم

این شبا غصه و غم دیگه حرومه موقع وصل اومده هجرون تمومه

یااباصالح ای گل نرگس

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**سبک چهارم ( شور میلادامام زمان ـ عجل الله تعالی فرجه ـ) [[171]](#footnote-171)**

صف ایستاده ابراهیم خلیل

برای تبریک رسیده از سماء جبرائیل

متی ترانا و نراک یه عمریه هستم هلاک

زعطرت چه خوشبوست هرکجای این خاک

دستا بیاد بالا برای عرض احساس بگید مبارکه اومد دست گل یاس

وقتی که قنداقشو بردن سوی بالا بوسه زده به بازوهاش حضرت عباس

از تو جدا شدن برام فرض محاله مستم و امشبُ بدون باده حلاله

من خار صحرا تو گل زهرا

مولا مولا بیابیا بیا بیا

بارون بارون ماه شب تابون

رحمت حق جلوه کرده اومده آقامون

من و دل و رسوایی من و می و شیدایی سپردم دلم رو دست دلربایی

دلم مریض عشق و شفا نداره مرده ی شوق تو دیگه دوا نداره

راضیم وخدارو شکر الحمدلله راه جنون تو چون و چرا نداره

از تو جدا شدن برام فرض محاله مستم و امشبُ بدون باده حلاله

من خار صحرا تو گل زهرا

مولا مولا بیابیا بیا بیا

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**بخش نهم، نمونه مجالس مولودی**

**فصل اول، میلاد امام حسین(علیه السلام)**

یا رب الحسین بحق الحسین إشف صدرَ الحسین بظهور الحجه

چه خوب است آب و هوایی که دارید

همیشه بهشت است جایی که دارید

الهی روی خلوتی هم نبیند

شلوغی این کوچه هایی که دارید

مجال عرق ریختن هم ندادید

به پیشانی این گدایی که دارید

نمی خواهم اصلاً بفهمم که ما را

کجا می برد ردّ پایی که دارید

همین که شما می بریدم، یقیناً

شبی می رسم تا خدایی که دارید

از امروز نامه رسان حسین است

پر فطرس بینوایی که دارید

فطرس ملکه، فرشته وحی الهی که به خاطر یک کوتاهی خدا عذابش کرد، بهش خبر دادند امروز ابی عبدالله به دنیا آمده؛ تا این خبرُ شنید، گفت هرطوری شده می رم خدمت آقا شاید به واسطه دعای ابی عبدالله خدا از منم بگذره؛ اومد محضر مبارک آقا پراشُ به قنداقه مبارک کشید به آسمان می رفت، بلند صدا زد می زد چه کسی مثل من آزاد شده دست حسینه؟ گفت آقا جان من هم به واسطه این لطف شما قول می دم هرکسی هرکجای این عالم به شما سلام بده خودم سلامشُ به محضر شما برسونم[[172]](#footnote-172)...

برایم هوای بهشتی بالا

حرام است با کربلایی که دارید

شما با خدا با خدا با خدایید

و من با شمایم شمایی که دارید...

...مرا خیمه کربلا می نویسید

دخیل حسینیه ها می نویسید

همه زیر پایند و بالا حسین است

همه قطره هستند و دریا حسین است

چه رسم خوشی... که زمان تولد

کلام نخستین ما یا حسین است

حسن یا علی فاطمه یا محمد

تجلی این چهار تن با حسین است

حسن هم حسین است، علی هم حسین است

محمد حسین است و زهرا حسین است

همین که به جز عشق چیزی نگفتیم

تجلی "لا ذکر الا حسین" است

گنهکارها نیز ترسی ندارند

قیامت اگر دست آقا حسین است

شه عالمینیم، الحمدلله

غلام حسینیم، الحمدلله

گنهکار بود، به خاطر گناهی که کرده بود خیلی خجالت می کشید، یه روز تو کوچه های شهر داشت می رفت، ابی عبدالله کودکه داره بازی می کنه، تا آقا رو دید سرشُ پایین انداخت، آقا رو رو شانه های خودش گذاشت، با همون حال رسید خدمت رسول خدا، عرضه داشت آقاجان! به واسطه حسینت به شما پناه آوردم امید دارم به آبروی این آقازاده منُ ببخشی؛ تا پیغمبر این منظره رو دید، لبخندی زد، فرمود برو که خوب واسطه ای آوردی[[173]](#footnote-173)... آقاجان ما هم گنهکاریم، ما هم بیچاره ایم، ما هم غلام شماییم...

ندیدم کسی را گدایش نباشد

مسلمان یا ربنایش نباشد

مسیر تکامل یقیناً محال است

اگر کربلا انتهایش نباشد

برای جهنم چه خوب است هر که

حسین بن زهرا برایش نباشد

مگر می شود؟نه...نه... امکان ندارد

خدا باشد و کربلایش نباشد

یقین کشتی او نجاتی ندارد

اگر خواهرش ناخدایش نباشد

حسین آمد و بال ها گریه کردند

تمامی گودال ها گریه کردند[[174]](#footnote-174)

سر در بهشت نوشته یا حسین ذکر امشب همه دلا حسین

پر زده دلم ز سینه تا حسین قلب عاشقم بهشته با حسین

ذکر قلب خسته یا حسین با دل شکسته یا حسین بر لبم نشسته یا حسین

ثارالله مرغ قلب عاشقم نشسته روی بام تو به عشق نام تو منم غلام تو

آرزومه تا بذارم این سرُ به پای تو شدم گدای تو منم فدای تو

ثارالله آقام آقام آقام آقام حسین[[175]](#footnote-175)

شکر خدا را که در پناه حسینیم

عالم از این خوبتر پناه ندارد

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل دوم، میلاد حضرت اباالفضل(علیه السلام)**

یا کاشف الکرب عن وجه الحسین اکشف کربی بحق اخیک الحسین

بهانه شد که دوباره گدای تو بشویم

خدا کند که همیشه برای تو بشویم

تمام هستی خود را دهیم جا دارد

که زائر حرم باصفای تو بشویم

چه می شود که به ما هم دهند، پر که فقط

کبوتر روی گلدسته های تو بشویم

خدا کند که به ماهم اجازه ای بدهند

که مثل ماه و ستاره فدای تو بشویم

بیا به خاطر زینب نگاه کن ما را

که صید هر شبه چشمهای تو بشویم

خدا گواست که ما خاک پای مان عرش است

اگر به لطف خدا خاک پای تو بشویم

تو صاحب علم کربلای اربابی

عموی تشنه لب بچه های اربابی

قنداقشُ دادند دست امیرالمومنین، می خوان برا پسر ام البنین اسم انتخاب کنند، خود امیرالمونین در گوش راست اذان و در گوش چپ مبارک آقا اقامه گفت، گفتند آقا جان چه اسمی براش انتخاب کنیم؟ آقا فرمود: انّی سَمَّیتُهُ بِاسم عَمّی العباسِ عباساً ـ من به خاطر اسم عمویم عباس اسم این طفلُ عباس گذاشتم، یک مرتبه دیدند آقا شروع کرد دستای عباسشُ بوسه زدن، هی گریه میکنه، می فرمود این دستها یک روز تو راه حسینم از بدن جدا می شند[[176]](#footnote-176)...

امام ما سپری مثل تو نخواهد داشت

شب غمش سحری مثل تو نخواهد داشت

حسین مثل پیمبر، تو هم مثال علی

و شهر عشق دری مثل تو نخواهد داشت

اگر که سینه دریا پر از صدف باشد

بدون شک گهری مثل تو نخواهد داشت

شجاعت علوی را تو ارث بردی چون

که مرتضی پسری مثل تو نخواهد داشت

رسیدی و شب ما مثل روز روشن شد

چون آسمان قمری مثل تو نخواهد داشت

دو دست دادی و جایش خدا به تو پر داد

نه، جبرئیل پری مثل تو نخواهد داشت

تو عشق زینبی و تا همیشه ماه حسین

نوشته اند تو را حیدر سپاه حسین

کی میتونه از عباس سخن بگه، چه مقامی داره اباالفضل، همون آقایی که امام سجاد فرمود روز قیامت همه شهدا حسرت مقام عموی ما عباس رو می خورند[[177]](#footnote-177) همون آقایی که ابی عبدالله روز عاشورا بهش پناه برد، صدا زد عباسم: بنفسی انت حسین فرمود عباس جان جانم فدات...

فرات مشک تهی و تویی که دریایی

تو ماه ام بنینی ز نسل زهرایی

جمال هاشمیان در مدینه معروف است

میان هاشمیان واقعا تو زیبایی

همین که پیش علی راه می روی آقا

چقدر هیبت تو می شود تماشایی

علی ست ساقی کوثر، تو ساقی عشقی

رقیه عشق حسین و به عشق سقایی

همه رعیت عشقیم و پادشاه تویی

خوشا به حال تو آقا چقدر آقایی

اگر چه مُهر امامت نخورده در لوحت

ولی به کل خلائق امیر و مولایی

ببند گردن من را به پای زنجیرت

بیا بزن سر من را حلال شمشیرت

علی که دید تو را یاد خیبرش افتاد

به یاد نغمه الله اکبرش افتاد

میان چشم تو مولا چه صحنه ها که ندید

نگاه او به رخ سیب نوبرش افتاد

کسی که تیغ کشید و به جنگ تو آمد

سرش بریده شد و در برابرش افتاد

تو نعره می زدی و لشگری به هم می ریخت

رجز که خواندی حسین یاد مادرش افتاد

اگرچه تیغ نبردی ولی همه دیدند

به تیغ ابروی تو دشمنت سرش افتاد

کسی ندیده چنین تیغ تیز برانی

تو با صدای علی می کنی رجز خوانی[[178]](#footnote-178)

شب شب مستیمونه آسمونم می خونه

راه ابالفضل شاه اباالفضل ماه حریم حرم الله اباالفضل

اومد اونکه ذوب ولایته اومد اونکه شیر امامته

اومد اونکه معنی رحمته اومد اونکه دنیای رأفته

غصه ها رفته از یادم بین می خونه افتادم

من غلام اباالفضل و ساکن حیدر آبادم[[179]](#footnote-179)

به هر نفس طپش قلبش این خجسته نداست

که دست و دیده ی من وقف سید الشهداست

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل سوم، میلاد امام سجاد(علیه السلام)**

السلام علیک یا علی بن الحسین

سلام عطر خوش دلپذیر سجاده

سلام دلبر سجده، امیر سجاده

سلام سفرۀ پر نعمت دعا خوانی

سلام سفرۀ مهمان پذیر سجاده

سلام تازهٔ شعر و شعور و احساسم

سلام تازه مریدی، به پیر سجاده

چقدر دست مرام من از تو خالی شد

شبی که دور شدم از مسیر سجاده

پیاده می شوم این جا کنار اشکم تا

بیفتم از سر خجلت به زیر سجاده

و یطعمون علی حبه شما هستید

منم یتیم و فقیر و اسیر سجاده

منم فقیر شما یک عطا به من بدهید

مرا اسیر کنید و خدا به من بدهید

شبی كه مثل همیشه خدا تو را می دید

و داشت عرش نمازت ستاره می بارید -

چقدر حجم حضورت وسیع و ناپیدا

که لحظه لحظه در آن جز خدا نمی گنجید

همان شب از نفس سجده های پر نورت

که داشت قامت ابلیس روح می لرزید

به شکل افعی خشمی در آمد و آمد

به گرد پای حضور تو داشت می چرخید

و نیش هم زد و تا از حضور درآیی

ولی چگونه شود نور منفک از خورشید

تو هم علیِّ خدایی و محو محو خدا

که تیر و نیش ندارد به عشق تو تردید

و ناگهان پس از آن اتفاق رویایی

عبای سبز خودش را خدا به تو بخشید

چنان به رحمت خود موج زد به خاطر تو

که بر سواحل پیشانیت صدف پاشید

و بعد روی صدف ها به رنگ آب نوشت

از این به بعد شما زین العابدین هستید

از این به بعد نه، از قبل عالم ذر بود

که سجده های تو در ساق عرش محشر بود

گفتند چرا به آقا می گند زین العابدین؟ ابن عباس میگه شنیدم رسول خدا فرمود: روز قیامت منادی ندا می ده: کجاست زین العابدین؟ در آن هنگام علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب با وقار و عظمت علوی که داره، پا به عرصه محشر می ذاره، همه رو مجذوب خودش می کنه[[180]](#footnote-180)....

چقدر آیه بریزد خدا به نام شما

چقدر معرفت آرد همین سلام شما

مرورتان به خدا از همیشه تازه تر است

برای هر که بخواند به احترام شما

کنار جادۀ دنیا پیاده گردیدم

فقط برای عبودیت مقام شما

به احترام شما از خدا طلب کردم

مرا برد به بهشت پر از کلام شما

کنار مادرتان هم غذا نمی خوردید

چقدر درس ادب دارد این مرام شما

اگر کرامت عالم به دست های شماست

منم گدای شما و منم گدای شما

منم گدای شما و گدای مادرتان

شوم فدای شما و فدای مادرتان

شب که می شد، تازه امام سجاد ازخانه بیرون می اومد، کیسه به دوشش، با پاهای خسته، نقاب به چهره زده، مخفیانه در خانه فقرای مدینه می رفت، خیلی از فقرا منتظر آقا دم در می ایستادند، چشم به راه بودند تا زین العابدین می اومد خوشحال می شدند... [[181]](#footnote-181)

رسیده اید از آن سوی باور ایمان

به روی دوش گرفتید سورۀ انسان

منم که سورۀ افتاده از نگاه توام

منم که دور شدم از نگاه الرحمان

چه می شود که نگاهی به ما کنید آقا

که اسم ما بخورد بر کتیبۀ باران

که یک نفس بزنی تا دلم بهشت شود

که یک نفس بزنی تا دلم بگیرد جان

صحیفه های دعا را به من بیاموزان

که از دل کلماتت در آورم قرآن

خدا که اسم تو را یاد داد بر آدم

منم صدات زدم، صدا زدم با آن –

دو اسم ناز و قشنگت یکی به نام علی

یکی به نام حسین، یابن سید العطشان

علی ترین پسر کربلا نگاهم کن

مرا ستاره ستاره اسیر ماهم کن[[182]](#footnote-182)

کسی که از دنیا بی نیازه اهل رازه تو بندگی وقتی سربه زیره سرفرازه

راه رسیدن بال پریدن خدا رو دیدن یه نمازه

بنده نگات آزاده عشقه زائر چشات تو جاده عشقه خاک زیر پات سجاده عشقه

یا زین العابدین مدد[[183]](#footnote-183)

تو افتخار و زینت عُبّاد هستی

ابن الحسینی حضرت سجاد هستی

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل چهارم، میلاد حضرت علی اکبر(علیه السلام)**

السلام علیک یا علی بن الحسین

شب ولادت تو عید سیدالشهداست

دلم خوش است كه میلاد اكبر لیلاست

تو آمدی كه بگویی حسین تنها نیست

و تا قیام قیامت حسین پا برجاست

همین كه چشم تو وا شد مدینه روشن شد

به یمن خاك كف پای تو كه عرش خداست

مسیح خانهٔاربابمان تویی آقا

چرا كه در رگ تو خون حیدر و زهراست

ستاره ها همه امشب به خاك می ریزند

و مقصد همه پایین پای كرببلاست

خدا به روی تو امشب گلاب می ریزد

برای این كه لبت مشك حضرت سقاست

برای مادر تو كعبه ای بنا كرده

دو چشم زمزم این گونه ها كه سعی و صفاست

شب ولادت تو بوی یاس می آید

یقین بدان تو كه مادر بزرگ تو این جاست

تو در حوالی بالاترین دنیایی

چرا كه مهد تو آغوش زینب كبراست

تویی كه راه نجات از نگات معلوم است

و تار موی تو تا روز حشر پرچم ماست

تو هم شبیه علی افتخار می كده ای

علیِّ خانه اربابمان خوش آمده ای

خدا به ارباب من و شما علی داده، زینت خونه ابی عبدالله اومده ، آقایی که نوشتند اشبه الناس خَلقاً و خُلقاً و منطقاً به رسول الله؛ تا وارد معرکه می شد یک طوری حیدری رجز می خوند لرزه به دل دشمن می انداخت، فریاد می زد: انا علیُّ بنُ الحسین بن علی، دشمن تا جمال علی اکبر می دید می ترسید، به خودشون می گفتند دوباره پیغمبر زنده شده[[184]](#footnote-184) ...

لب تو وا شد و تاریخ را مصفا كرد

تو را خدای تو تقدیم دست لیلا كرد

تو را برای حسین آفرید و ‌كرببلا

و بعد صحنه جنگ تو را مهیا كرد

برای این كه تو عین پیامبر باشی

تو را شبیه پیمبر امیر دل ها كرد

رخ تو را ز رخ مصطفی كشید خدا

و بازوان تو را بازوان مولا كرد

اذان كه گفت درِ گوش تو امیر عرب

تو را هوائی دیدار روی زهرا كرد

به روی سینۀ تو تا كه بوسه زد زینب

فضای قلب تو را مثل طور سینا كرد

به بازوان تو وقتی نظر نمود حسین

دلاوری تو را هم تراز سقا كرد

همین كه روی تو واشد از آسمان، خورشید

نشست روی قشنگ تو را تماشا كرد

تویی كه در نفست یك جهان غزل داری

به روی باغ لبت كوهی از عسل داری

منم گدای قدیمی دست های شما

من آفریده شدم تا شوم گدای شما

تو بوتراب حسینی پیمبر لیلا

مسیر سبز بهشت است چشم های شما

ز روی مأذنه امشب اذان بگو آقا

كه خلق بیمه شوند از دم صدای شما

اگر مقام تو گویم به خلق می میرند

هزار یوسف مصری نشسته پای شما

كرامت تو شبیه امام دوم بود

مدینه سیر شد از نان سفره های شما

معلمان ادب راویان مكتب عشق

گرفته اند همه یك نخ از عبای شما

بیا مرا برسان مثل حضرت فطرس

پری بده بپرم باز در هوای شما

به جان مادرت آقا صداقت است اگر

شبی مرا برسانند كربلای شما

وضو گرفته و ذكر حسین می گیرم

به سر زنان وسط گریه هام می میرم[[185]](#footnote-185)

شب جوون اربابمونه مردونه یا علی بگه هرکی می تونه

اومده عشق مولا اومده ماه زهرا شده مجنون هلاک پسر ام لیلا

ذکر علی علی رگ خوابمه مثل جوونیای اربابمه

علی علی اکبر[[186]](#footnote-186)

از بس که مثل مصطفی جذاب هستی

در هر دلی خود را عجب جا کردی اکبر

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

**فصل پنجم، میلاد امام زمان(علیه السلام)**

السلام علیک یا اباصالح المهدی

باز هم روح الامین دارد غزل می آورد

صنعت ایهام و تشبیه و بدل می آورد

تا شود ابیات شعر من کمی دلچسب تر

واژه واژه بر لبم جام عسل می آورد

شعر شیرین مرا شور عجیبی داده است

واژه ی نابی که در چندین محل می آورد

چیست آن واژه که همراه ادایش جبرییل

جمله ی «حیّ علی خیرالعمل» می آورد

در میان شعرهای شاعران اهل بیت

دائماً این بیت را ضرب المثل می آورد:

یوسف مصری کجا و یوسف زهرا کجا؟!

جلوه ی قطره کجا و جلوه ی دریا کجا؟!

یوسف زهرا تویی حُسن ختام اهل بیت

نام تو زیباست ای مرد قیام اهل بیت

السّلام ای حُجّةَ الله ای امامَ منتظَر

لحظه لحظه می رسد بر تو سلام اهل بیت

از پیمبر تا امام عسگری، در عصر خود

نقل کردند این که هستی التیام اهل بیت

می رسد آن روز که با ذوالفقار مرتضی

می رسی تا که بگیری انتقام اهل بیت

مرتضی، زهرا، حسن، خون خدا، پیغمبری

می بری با جلوه ات دل از امام عسگری

تا امام زمان به دنیا اومد، نوری از چهره مبارکش همه آسمانها رو روشن کرد، همه ملائک می اومدند محضر آقا بالهاشونُ به سر و صورت آقا می کشیدند به آسمون می رفتند، امام عسگری می فرماید: روی بازوان پسرم مهدی نوشته شده «جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا ...» تا چشمشُ باز کرد سلام کرد به امام عسگری، آقا بغل کرد میوه دلشُ، دیدند آقا زبان در دهان مبارک پسرش مهدی گذاشت، داره قرآن می خونه [[187]](#footnote-187)...

نیمه ی شعبان که می گردد عیان، صاحب زمان

می کند گل بر لب پیر و جوان، صاحب زمان

اشهَد انّ که هستی تو امام آخرین

می وزد از هر مناره این اذان، صاحب زمان

تشنه هستم تشنه ی یک جرعه ی دیدار تو

وعده گاه ما شبی در جمکران، صاحب زمان

می رسی یک روز ای خورشید پشت ابرها

می کنی پیدا مزار بی نشان، صاحب زمان

با ظهورت می شود خوشحال زهرا مادرت

پیش مرگت می شود آن لحظه آقا نوکرت[[188]](#footnote-188)

شدجلوه گر رخ ماه بهشت رسیده از راه

بگو به قلب آگاه قدومش مبارک مبارک رسول الله

اومده نور چشمای حیدر اومده عشق زهرای اطهر جبرئیل می گه الله اکبر

زمین مثل بهشت چراغونه ببین فرشته رو زمین فراوونه ببین

یا اباصالح[[189]](#footnote-189)

روز ظهور تو چه سرافکنده می شوند

آنانکه در دعای فرج کم گذاشتند

\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*

منابع و مآخذ:

1. منتهی الامال، حاج شیخ عباس قمی، اوج علم، 1386 ش .
2. بحار الانوار، محمد باقر مجلسى، بيروت، مؤسسه الوفاء، 1403 ق .
3. اكسير العبادات في اسرار الشهادات، آقا بن عابد دربندي، شركة المصطفي، بحرين،1994م.
4. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران،۱۳۸۰ ش.
5. مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب السّروي المازندراني أبي جعفر محمد بن علي، سليمانزاده، 1384 ش .
6. الارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبة بصیرتى، 1381ق .
7. اعلام الورى، طبرسى، الطبعة الثالثة، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1395 ق .
8. احقاق الحق و ازهاق الباطل، شوشتري نورالله بن شريف الدين، نشر اهل بیت، قرن 11.
9. تهذيب التهذيب، عسقلاني الشافعي ـ أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل، دار الفكر، بيروت، 1984 م.
10. كامل الزيارات، ابن قولويه قمي، جامعه مدرسین، قم،1385ش.
11. ذخیره الدارین فیما یتعلق بمصائب الحسین و اصحابه، حسینی حائری شیرازی، عبدالمجید بن محمدرضا، التحسین، قم، ۱۳۷۹ش.
12. اثبات الوصيه، مسعودي ابو حسن، انصاریان، قم، 1417ق.

1. . این بخش خلاصه ای از فرمایشات حجت الاسلام امینی، در جمع مداحان یاس کبود انتخاب شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 51، ص 151 . [↑](#footnote-ref-2)
3. . لقمان 15. [↑](#footnote-ref-3)
4. . قصص 77. [↑](#footnote-ref-4)
5. . منتهی الامال، شیخ عباس قمی،ج1، ص 418ـ 416. [↑](#footnote-ref-5)
6. . اسرار الشهادات، آقا بن عابد، ج2، ص395. [↑](#footnote-ref-6)
7. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص56. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج101، ص 377. [↑](#footnote-ref-8)
9. . منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ج2، ص14. [↑](#footnote-ref-9)
10. . مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۷. [↑](#footnote-ref-10)
11. . بحارالا نوار،علامه مجلسی، ج ۴۶، ص ۵۸. [↑](#footnote-ref-11)
12. . ارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 163. [↑](#footnote-ref-12)
13. . اعلام الورى، طبرسی، ص 256. [↑](#footnote-ref-13)
14. . احقاق الحق،شوشتری، ج 12، ص 26. [↑](#footnote-ref-14)
15. . تهذیب التهذیب، عسقلانی، ج 7، ص 305. [↑](#footnote-ref-15)
16. . اعلام الورى،طبرسی، ص 255. [↑](#footnote-ref-16)
17. . کامل الزیاره، ابن قولویه، ص 240. [↑](#footnote-ref-17)
18. . الارشاد،شیخ مفید، ص 458. [↑](#footnote-ref-18)
19. . ذخیرة الدارین، حسینی حائری شیرازی، ص 259. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره اسراء، آيه83. [↑](#footnote-ref-20)
21. . إثبات الوصية، ص486 ـ 483 [↑](#footnote-ref-21)
22. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/1646) [↑](#footnote-ref-22)
23. . [علی رضا لک](http://hosenih.mihanblog.com/post/1691) [↑](#footnote-ref-23)
24. . [رضا رسول زاده](http://hosenih.mihanblog.com/post/4392) [↑](#footnote-ref-24)
25. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4389) [↑](#footnote-ref-25)
26. . [محمد ناصری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4386) [↑](#footnote-ref-26)
27. . [محسن عرب خالقی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4369) [↑](#footnote-ref-27)
28. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4382) [↑](#footnote-ref-28)
29. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4381) [↑](#footnote-ref-29)
30. . [ناصر شهریاری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4366) [↑](#footnote-ref-30)
31. . [علی اكبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4354) [↑](#footnote-ref-31)
32. . [رضا رسول زاده](http://hosenih.mihanblog.com/post/5683) [↑](#footnote-ref-32)
33. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4402) [↑](#footnote-ref-33)
34. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4407) [↑](#footnote-ref-34)
35. . [مصطفی صابر خراسانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4409) [↑](#footnote-ref-35)
36. . [داود رحیمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4399) [↑](#footnote-ref-36)
37. . [مهدی چراغ زاده](http://hosenih.mihanblog.com/post/4393) [↑](#footnote-ref-37)
38. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4395) [↑](#footnote-ref-38)
39. . [مجید خضرایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4384) [↑](#footnote-ref-39)
40. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4412) [↑](#footnote-ref-40)
41. . [سید هاشم وفایی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4377) [↑](#footnote-ref-41)
42. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4397) [↑](#footnote-ref-42)
43. . [علی اکبر لطیفیان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4368) [↑](#footnote-ref-43)
44. . [رحمان نوازنی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4371) [↑](#footnote-ref-44)
45. . [مسعود اصلانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4364) [↑](#footnote-ref-45)
46. . [حسن کردی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4359) [↑](#footnote-ref-46)
47. . [محسن ناصحی](http://hosenih.mihanblog.com/post/1677) [↑](#footnote-ref-47)
48. . [قاسم صرافان](http://hosenih.mihanblog.com/post/321) [↑](#footnote-ref-48)
49. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4458) [↑](#footnote-ref-49)
50. . [مهدی نظری](http://hosenih.mihanblog.com/post/4458) [↑](#footnote-ref-50)
51. . [قاسم صرافان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4449) [↑](#footnote-ref-51)
52. . [محمد ناصری](http://hosenih.mihanblog.com/post/1813) [↑](#footnote-ref-52)
53. . [مجید تال](http://hosenih.mihanblog.com/post/1811) [↑](#footnote-ref-53)
54. . [محمد فردوسی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4499) [↑](#footnote-ref-54)
55. . [سید مجتبی شجاع](http://hosenih.mihanblog.com/post/4484) [↑](#footnote-ref-55)
56. . [غلامرضا سازگار](http://hosenih.mihanblog.com/post/4464) [↑](#footnote-ref-56)
57. . [قاسم نعمتی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4429) [↑](#footnote-ref-57)
58. . [علی اصغر انصاریان](http://hosenih.mihanblog.com/post/4425) [↑](#footnote-ref-58)
59. . [حمید رمی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4416) [↑](#footnote-ref-59)
60. . مسعود اصلانی [↑](#footnote-ref-60)
61. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-61)
62. . [مسعود اصلانی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4379) [↑](#footnote-ref-62)
63. . بانوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-63)
64. . بانوای:حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-64)
65. . بانوای: حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-65)
66. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-66)
67. . بانوای: کربلایی محمد فراهانی [↑](#footnote-ref-67)
68. . وقتی امام انس و جان ابی عبدالله به دنیا آمد، رسول خدا بغلش کرد، اذان و اقامه گفت، مولا علی جلو آمد: یا رسول الله چه نامی برای طفل من می گذارید؟ آقا فرمودند: من از خدا پیشی نمی گیرم، هرچه خدا بفرماید، جبرئیل نازل شد، صدا زد یا رسول الله «العلی الاعلی یُقرِئُکَ السَّلام» خدای عالی اعلی سلامت می رساند، فرمود: یا رسول الله «سَمِّ ابنک هذا باسم ابن هارون علی منک هارون من موسی» ـ جایگاه علی کنار تو مثل جایگاه هارون برای موسی ست، اسم فرزند هارونُ رو این اولاد علی بگذار ـ عرضه داشت شبیر؟ رسول خدا فرمود: شبیر به زبان عبریه، به زبان عربی بگو چه نامی برا این نوزاد من است؟ صدا زد خدا می فرماید نام این طفل آبروی عالمین است، مایه شور نشئطین است، این اولاد علی عالی اعلا، ولی والی والا، قائد غرّ محجّلين، یعسوب الدین، امام المومنین، اسدالله الغالب، علی بن بیطالب، نام اولادش حسین است. نامشُ حسین گذاشتند که تمام خوبی ها در نام این پسر فاطمه است. [↑](#footnote-ref-68)
69. . اسماءمی گه دیدم قنداقه رو رسول خدا بغل کرده، هی میگه یا اباعبدالله «عزیزٌ علیَّ» یعنی عزیز دلم برا من سخته، بابا هی گریه می کنه، گفتم یا رسول الله موقع ولادت چرا گریه می کنی؟ فرمود اسماء این طفلُ امت من می کشه، رسول خدا فرمود: اسماء من به تو گفتم اما تو این مطلبُ به فاطمه نگو. دخترم طاقت نداره بشنوه... [↑](#footnote-ref-69)
70. . بانوای: حاج احمدنیکبختیان [↑](#footnote-ref-70)
71. . بانوای:حاج عبدالرضا هلالی [↑](#footnote-ref-71)
72. . بانوای: محمدحسین حدادیان [↑](#footnote-ref-72)
73. . بانوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-73)
74. . بانوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-74)
75. . بانوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-75)
76. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-76)
77. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-77)
78. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-78)
79. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-79)
80. . بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-80)
81. . بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-81)
82. . بانوای: محمدحسین حدادیان [↑](#footnote-ref-82)
83. . بانوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-83)
84. . بانوای:کربلایی محمد فراهانی [↑](#footnote-ref-84)
85. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-85)
86. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-86)
87. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-87)
88. . بانوای: حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-88)
89. . بانوای: محمدحسین حدادیان [↑](#footnote-ref-89)
90. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-90)
91. . بانوای:حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-91)
92. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-92)
93. . بانوای: کربلایی محمد فراهانی [↑](#footnote-ref-93)
94. . بانوای: عبدالرضاهلالی [↑](#footnote-ref-94)
95. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-95)
96. . بانوای: حسین طاهری [↑](#footnote-ref-96)
97. . بانوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-97)
98. . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-98)
99. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-99)
100. . دست هاش بسته بود وسط کوچه های کوفه، یک نفر اومد دامنشُ گرفت، گفت: آقا طلبکارا منُ کشتند، به دادم برس هیچی ندارم، گفت دست های تو بسته است دست من هم بسته است، اما تو اشاره کنی کار من درست می شه، آقا فرمود الان که دستم بسته است ولی یک مقدار منتظر بمون این ناقه من که حرکت کرد، جای پای این شترُ بکن. ناقه رفت خلوت شد، شب اومد جای پای ناقه رو کند، خمره ای پر از سکه های طلا پیدا کرد، گره اش وا شد... [↑](#footnote-ref-100)
101. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-101)
102. . عبدالملک مروان خلیفه غاصب آن زمانه، آمد کنار کعبه، با آن خدم و حشم، کسی محلش نذاشت، اصلا کسی نگاهش نکرد، بهش برخورد، یک مرتبه دید جمعیت داره کنار می ره، خود به خود کوچه باز می کنه، همه دست به سینه عقب می رند و می ایستند، همه به یک آقایی خیره شدند، احترام می گذارند، هشام با اون عظمت پرسید کیه این مرد؟ بهش گفتند: نمی دونی این کیه؟ گفتند این علی بن حسین بن علی بن ابیطالبه... [↑](#footnote-ref-102)
103. . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-103)
104. . بانوای: حاج مصطفی روحانی [↑](#footnote-ref-104)
105. . بانوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-105)
106. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-106)
107. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-107)
108. . بانوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-108)
109. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-109)
110. . بانوای: حاج منصور ارضی [↑](#footnote-ref-110)
111. . دو بچه دارد ابی عبدالله که مانند ندارند، نوشتند اینها غرق خدا بودند، یکی سکینه خانم بود لذا تا آخر عمرش تا زمان امام صادق ازدواج نکرده چون پایه و کفو نداره یکی هم علی اکبره... [↑](#footnote-ref-111)
112. . بانوای: حاج حیدر توکل [↑](#footnote-ref-112)
113. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-113)
114. . می دونید چرا حسین ذوق می کرد علی رو صدا می زد؟ برا اینکه حسنین هیچ وقت علی رو علی صدا نزدند، می گفتند بابا، خدا به او علی داد این لفظُ حسین بگه، همه به مولا می گفتند یا علی یا اباالحسن، اما حسنین و زینبین می گفتند بابا، فقط برا علی اکبر لفظ علی رو بکار می برد... [↑](#footnote-ref-114)
115. . [قاسم نعمتی](http://hosenih.mihanblog.com/post/4421) [↑](#footnote-ref-115)
116. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-116)
117. . بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-117)
118. . بانوای: حاج مصطفی روحانی [↑](#footnote-ref-118)
119. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-119)
120. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-120)
121. . بانوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-121)
122. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-122)
123. . بانوای:حاج سیدمحمد جوادی [↑](#footnote-ref-123)
124. . بانوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-124)
125. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-125)
126. . بانوای:حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-126)
127. . بانوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-127)
128. . بانوای: حاج احمد واعظی [↑](#footnote-ref-128)
129. . بانوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-129)
130. . بانوای: مهدی مختاری [↑](#footnote-ref-130)
131. . بانوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-131)
132. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-132)
133. . بانوای: مهدی مختاری [↑](#footnote-ref-133)
134. . بانوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-134)
135. . بانوای: حاج حسین سازور [↑](#footnote-ref-135)
136. . بانوای: ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-136)
137. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-137)
138. . مرحوم شیخ فشندی می گه: آب خنکی در دسترسم بود، دیدم یک سید بزرگواری داره از در مسجد جمکران بیرون می آد، چله تابستان بود، گفتم این ظرف آبُ بدم به آقام میل کنه، بگم دعام کنه، فرزند حضرت زهراست. آب تعارف کردم، آقا گرفت نوش جان کرد، فرمود: فشندی اگر دوستان ما به اندازه همین آب خنک منتظر فرج ما بودند، تشنه فرج ما بودند، خدا امر ظهور ما را نزدیک می کرد... [↑](#footnote-ref-138)
139. . محسن عرب خالقی [↑](#footnote-ref-139)
140. . بانوای: حاج مرتضی طاهری [↑](#footnote-ref-140)
141. . با نوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-141)
142. . بانوای: حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-142)
143. . بانوای: حاج محمدرضا طاهری [↑](#footnote-ref-143)
144. . بانوای: روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-144)
145. . بانوای: حاج سیدمجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-145)
146. . بانوای: طهماسب پور [↑](#footnote-ref-146)
147. . بانوای: محسن عرب خالقی [↑](#footnote-ref-147)
148. . بانوای: حاج احمد نیکبختیان [↑](#footnote-ref-148)
149. . بانوای: حاج محمود کریمی [↑](#footnote-ref-149)
150. . بانوای: مهدی زنگنه [↑](#footnote-ref-150)
151. . بانوای: حاج سیدمهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-151)
152. . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-152)
153. . بانوای: حاج مرتضی طاهری [↑](#footnote-ref-153)
154. . بانوای: حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-154)
155. . بانوای: محسن عرب خالقی [↑](#footnote-ref-155)
156. . بانوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-156)
157. . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-157)
158. . بانوای: حاج احمدنیکبختیان [↑](#footnote-ref-158)
159. . بانوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-159)
160. . بانوای: سیدمحمدجوادی [↑](#footnote-ref-160)
161. . بانوای: روح الله بهمنی [↑](#footnote-ref-161)
162. . بانوای: مهدی اکبری [↑](#footnote-ref-162)
163. . بانوای: حاج ابوالفضل بختیاری [↑](#footnote-ref-163)
164. . بانوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-164)
165. . بانوای: حاج حسن خلج [↑](#footnote-ref-165)
166. . بانوای: حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-166)
167. . بانوای: حاج حسین سیب سرخی [↑](#footnote-ref-167)
168. . ایمان مقدم [↑](#footnote-ref-168)
169. . حمید امینی [↑](#footnote-ref-169)
170. . حمید امینی [↑](#footnote-ref-170)
171. . حمید امینی [↑](#footnote-ref-171)
172. . منتهی الامال شیخ عباس قمی، ج1، ص417 . [↑](#footnote-ref-172)
173. . منتهی الامال شیخ عباس قمی، جلد 1،ص420. [↑](#footnote-ref-173)
174. . علی اکبر لطیفیان [↑](#footnote-ref-174)
175. . حاج احمدنیکبختیان [↑](#footnote-ref-175)
176. . خصائص العباسیه، محمد ابراهیم کلباسی نجفی، ص 96. [↑](#footnote-ref-176)
177. 2. سحاب رحمت، عباس اسماعیلی یزدی، ص 496 [↑](#footnote-ref-177)
178. . مهدی نظری [↑](#footnote-ref-178)
179. . حاج محمودکریمی [↑](#footnote-ref-179)
180. . منتهی الامال، شیخ عباس قمی، جلد 2، ص 15. [↑](#footnote-ref-180)
181. . منتهی الامال شیخ عباس قمی، جلد 2، ص 21-20. [↑](#footnote-ref-181)
182. . رحمان نوازنی [↑](#footnote-ref-182)
183. . حاج سید مجید بنی فاطمه [↑](#footnote-ref-183)
184. . سحاب رحمت، عباس اسماعیلی یزدی، ص 451 و 461. [↑](#footnote-ref-184)
185. . مهدی نظری [↑](#footnote-ref-185)
186. . سید مهدی میرداماد [↑](#footnote-ref-186)
187. . منتهی الامال، شیخ عباس قمی، جلد 2، ص 606. [↑](#footnote-ref-187)
188. . محمد فردوسی [↑](#footnote-ref-188)
189. . حاج مهدی سلحشور [↑](#footnote-ref-189)